

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
موضوع: ...
تاریخ: ...

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران



Handwritten text in Persian script, likely a document or letter, with some words underlined in red.



صورت مذاکرات شورای انقلاب

فروردین ۱۳۵۸

سپهر

جلسه یکشنبه 1358/1/5

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، مهندس سحابی، شیبانی، (نوربخش، مدرسی، دکتر سحابی)

[موضوع: رفراندوم تغییر رژیم:]

نوربخش: در مورد رفراندوم، 17 میلیون کارت توزیع شده. 60 هزار مهر و استامپ (خامنه‌ای آمد). حدود 14 میلیون رای‌دهنده که 12 میلیون به نفع [جمهوری اسلامی] رای می‌دهند.

موسوی: تدارکات صندوق [در] کرمان گفتند صندوق نرفته؛ [در] تبریز راجع به دهات کاری نکرده. [در] اردبیل مردم وسایل داده‌اند.

نوربخش: در موقع مقرر، کارت و صندوق خواهد بود.

موسوی: از طریق رادیو تلویزیون، وظایف راجع به کار رفراندوم گفته شود.

دکتر سحابی: خود آقای نوربخش گفتند که در رادیو تلویزیون برویم و صندوق بیاوریم و عملاً رای گرفتن را بگوییم. دسته‌ای از دوستان خودمان آماده مسافرت بشوند. آقایان کوشش خود را بکنند. ما هم باید کمک کنیم. خود تهران خبر ندارند.

مهندس سحابی: مقدار مطالب را گفتند. آقایان وسایل را ارسال کرده‌اند، ولی قطعی نیست [که] گیرنده گرفته یا نه. بازرسی لازم است. افرادی از وزارت کشور یا [اگر] نبود، افرادی دیگر [این کار را انجام دهند].

نوربخش: فرصت کم بود. 29 اسفند، سن [رای] 16 سال تلگراف شد. روز اول عید، شروع به تماس گرفتن شد (مهدوی آمد).

موسوی: آقای مروارید برای پنج شعبه هنوز 25 نفر را از من نگرفته.

مدرسی: افراد شرکت کننده هستند. در هیئت‌های قبلی نبوده‌اند، وارد نیستند.

موسوی: از امروز تا جمعه روزی دوبار در رادیو تلویزیون گفته شود.

خامنه‌ای: تا دیروز 180 نفر درباره ارتباط با آقای امامی کاشانی و دکتر میرسلیم بررسی شده، شناسنامه گم شده‌ها

و شناسنامه گرفته‌ها چه کنند [؟]

مدرسی: در قزوین هم بوده (قطب‌زاده آمد).

نوربخش: گفتیم شناسنامه ندهید.

موسوی: [درباره] دهات، صندوق دهات را چه باید کرد [؟] در هر ده، یک صندوق، در یک ده بگذارند تا از اطراف بیایند یا صندوق حرکت کند.

نوربخش: این کار می‌شود. در شهر، ثابت و در روستاها متحرک است.

موسوی: این مطلب گفته شود که صندوق سیار هست.

مدرسی: از کهگیلویه (مطهری آمد).

نوربخش: صندوق در جایی تعیین شود [که] در محل حرکت ایلات باشد، هلی‌کوپتر لازم است.

شیبانی: ستاد انتخابات با هلی‌کوپتر باشد. کارتهای موجود در تهران برای نقاط دیگر فرستاده شود.

خامنه‌ای: [درباره] صندوق سیار امکان سوءاستفاده هست. معرفی نامه‌ای همراه صندوق باشد.

دکتر سبحانی: در رادیو و تلویزیون گفته شود [که] صندوق این مشخصات را دارد.

مهندس سبحانی: رادیو محلی بگوید به زبان محلی.

موسوی: در هر محل، افراد بازرسی مرتب به دهات و صندوق‌ها سر بزنند.

نوربخش: عضو رابط پیش‌بینی شده.

مدرسی: در رادیو تذکر داده شود.

موسوی: دیشب ساعت 11/5 قم فشار می‌آورد به رادیو تلویزیون [که] گفته شود [سن حق رای] 16 سال است.

در سندج به آقای هاشمی گفته‌اند. احمدآقا [خمنی] گفته به رادیو تلویزیون تلفن کنم.

شیبانی: الان قطب‌زاده بگوید.

نوربخش: سن 16 سال در حدود 1/600 میلیون نفر است.

مطهری: بعضی جاها فرماندار ندارد. [به] بابل تماس گرفته شود.

نوربخش: لازم نیست حتماً فرماندار باشد. علت اینکه عقب انداختن خواسته شد، برای این بود که نرسیدن کار مطرح بود. اشکالات فعلی، نداشتن بخشدار و مصادر امور، به اینها اکتفا نشد. تبلیغات وزارت کشور توسط شما بشود، راهنمایی را ما به عهده می‌گیریم. [برای] اعزام هیئت اگر لازم است، تعیین شود.

موسوی: فرض جزوه‌ای نوشته شود که کسی اطلاع ندارد، اینطور تدریس شود. گفتن خود آقا چندین برابر ما کار می‌کند. مردم آماده رای هستند. صندوق را چه کسی ببرد [؟]

نوربخش: بیش‌تر مسائل مطرح در کمیته‌های انقلاب است.

موسوی: تمامی کمیته‌ها در سراسر کشور، نیروهای خود را تحت نظر هیئت نظار بگذارند.

دکتر سبحانی: وظیفه آقایان نوربخش و مدرسی در وزارت کشور معین شود. چون قطب‌زاده هستند، درس امروز چه باشد [؟] الان بروند بخشنامه کنند به فرمانداری‌ها [تا] هیئت حامل بخشنامه با آنها همراهی کند، صندوق سیار چگونه عمل کند، مطالب چندین بار تکرار شوند. کارت‌های اضافی دستشان باشد. اگر احیاناً کسر باشد، بدهد. مخصوصاً صندوق‌های سیار، نبودن شناسنامه، رنگ کردن انگشت.

مهندس سبحانی: معرفی پنج نفری شهرستان‌ها به این هیئت که می‌روند.

شیبانی: عملی نیست، وقت کم است.

موسوی: معرفی نامه داشته باشند.

مدرسی: از اینجا به مراکز استان‌ها، از آنجا توسط مرکز استان.

نوربخش: ممکن است 24 نفر که به فعالیت آنها اطمینان باشد، معرفی کنند [و] با نامه به استان معرفی شود.

موسوی: به مرکز استان برود. استاندار به تعداد مراکز، همراه او فرد بفرستد.

دکتر سبحانی: جاهای کوهستانی را چه باید کرد [؟]

موسوی: تمام کارهای [انجام] شده، تلفن‌های [انجام] شده، تمام اینها از امروز تا روز رای [گیری] از رادیو تلویزیون تکرار شود، روزی دو بار.

قطب‌زاده: با [صادق] طباطبایی^۱ صحبت شد [تا] بهترین اوقات را در اختیار آنها بگذارند. امروز عصر جلسه‌ای تشکیل شود.

مطهری: آقایان دیگر مراجع، اعلامیه و نظر بدهند که واجب است شرکت [در انتخابات] و کمک به مقدمات آن.

خامنه‌ای: صحبت آقای طالقانی در مورد ذکر خودمختاری و سرزمین کردستان ایراد دارد. باید توجه شود.

قطب‌زاده: چهار نفر از شورا هستند؟ باید دقت می‌شد.

1. سیدمحمدصادق طباطبایی (93-1322) سخنگوی دولت موقت و معاون وزیر کشور و مسئول برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی.

2. اشاره به سفر هیأت اعزامی از تهران به کردستان برای حل بحران در ابتدای فروردین 58 دارد. در این هیأت، طالقانی، بهشتی، هاشمی رفسنجانی و بنی‌صدر، چهار تن از اعضای شورای انقلاب به همراه احمد صدرحاج سید جوادی، وزیر کشور و نماینده دولت موقت، حضور داشتند تا با مذاکره، از تشدید بحران مسلحانه در کردستان جلوگیری نمایند. ماحصل سفر هیأت اعزامی به سنندج و مذاکرات فشرده با رهبران گُرد، موافقت‌نامه‌ای بود که بر اساس آن، شورای یازده نفره منتخب مردم مدیریت امور سنندج را عهده‌دار شود. همچنین قرار شد برای تعیین نمایندگان این شورا، هیأتی پنج نفره مأمور برگزاری انتخابات در منطقه شود. وزیر کشور اعلام کرد در برخی شهرهای کردستان، شهربانی و ژاندارمری، تحت نظر شوراهای شهر اداره خواهد شد. بر مبنای این موافقت‌نامه، برای پایان پنج روز جنگ مسلحانه میان مردم و گروهی از نظامیان، اعلام آتش بس شد. علاوه بر این، هیأت اعزامی در اطلاعیه‌ای تضمین داد که حقوق مردم کردستان تأمین خواهد شد و گُردها در تدوین قانون اساسی سهیم و شریک خواهند بود. آیت‌الله طالقانی هم در سخنرانی خود در اجتماع هفتاد هزار نفری مردم سنندج قول داد عاملان وقایع خونین سنندج معرفی شوند. وی همچنین با تأکید بر اهمیت نقش ارتش در تأمین امنیت منطقه پرسید: اگر ارتش از کردستان برود، آیا مردم می‌توانند از خود محافظت کنند؟ (کیهان، 1358/1/6، ص 2 و 6). طالقانی به مردم کردستان وعده داد که سنندج اولین شهری خواهد بود که با شورای شهر اداره می‌شود (اطلاعات، 1358/1/6، ص 4). موافقت‌نامه مذکور، موجب بازگشت آرامش نسبی برای دوره‌ای کوتاه به کردستان شد. نماینده جمعیت کردهای مقیم مرکز ضمن اظهار اعتماد مطلق گُردها به آیت‌الله طالقانی، از تلاش‌های وی برای آرام کردن اوضاع کردستان قدردانی کرد (کیهان، 1358/1/7، ص 3). در همین برهه، سرلشکر قرنی با حکم مهندس بازرگان برکنار شد و سرلشکر ناصر فرید رئیس ستاد کل ارتش ملی اسلامی ایران گردید (کیهان، 1358/1/7، ص 2). این گمانه مطرح بود که عزل قرنی با تحولات کردستان پیوند داشت؛ چنانکه کیهان ادعا کرد قرنی دستور سرکوب شدید مردم کردستان را داده بود. کیهان از قول یکی از مقامات سیاسی گُرد در سنندج نوشت قرنی می‌خواست در کردستان جنگ داخلی به راه بیندازد (کیهان، 1358/1/8، ص 2). این در حالی بود که تیمسار ریاحی، وزیر دفاع ملی با تکذیب این ادعا گفت تیمسار قرنی سوء نیت نداشته است (اطلاعات، 1358/1/18، ص 5).

دکتر سبحانی: نوبت اول که مطرح شد، گفتم مصلحت نیست یونسی^۱ [استاندار کردستان] باشد. قضیه زمان درست نیست، مقدمه است.

موسوی: بعد از فراندوم، یونسی را به عنوان نماینده از استانداری خارج کند.

خامنه‌ای: مشکل است.

قطب‌زاده: مجلس مؤسسان اسپانیا 1/5 سال طول کشید.

خامنه‌ای: بلوچستان مرکز بالقوه قابل انفجار است. باید کاری بشود. می‌خواستم [به آنجا] بروم، ولی کار بود. بعد از جریان دیروز حساسیت بیش‌تر شد. اگر تصویب کنید، سفری به زاهدان و ایرانشهر، سراوان و چاه بهار بشود. اگر بخواهم از آقا اجازه می‌گیرم. رفتن به بلوچستان [باید] حتماً با اعتبار مالی قابل توجه باشد. آنجا عیدی می‌دادند. امتیاز مالی چشمگیر لازم است. یک دست لباس کامل به همه می‌دادند. پول بلیط هواپیما از تهران تا زاهدان 320 تومان است. آنها امکانات ندارند.

پس از این تلاش‌ها برای آرام نمودن اوضاع در کردستان، رهبران حزب دموکرات به ملاقات امام خمینی رفتند. عبدالرحمان قاسملو پس از این دیدار، ملاقات با امام را رضایت‌بخش توصیف کرد. با این وجود، رهبران حزب دموکرات اعلام کردند به دلیل غیردموکراتیک بودن و روشن نبودن محتوای جمهوری اسلامی، در فراندوم جمهوری اسلامی شرکت نخواهند کرد (اطلاعات، 1358/1/9، ص 8). چند روز بعد اعلام شد که طرح خودمختاری کردستان تسلیم نخست وزیر گردیده است (اطلاعات، 1358/1/15، ص 2). با این وجود، بازرگان اظهار داشت که برای مسئله خودمختاری در پی یافتن فرمولی واحد هستیم. وی افزود: اگر خودمختاری به معنای اختیار داشتن، مسئول بودن و مدیریت امور محلی را در دست داشتن باشد، دولت از آن استقبال می‌کند و شورای عالی طرح‌های انقلاب مأمور مطالعه اصل خودمختاری و پیشنهاد فرمول واحدی برای این منظور شده است (کیهان، 1358/1/15، ص 3). بدین ترتیب در سفر هیأت اعزامی نمایندگان شورای انقلاب و دولت موقت تلاش شد تا با ارائه ابتکارهایی مشخص، غائله منطقه ولو برای مدتی محدود پایان یابد.

چند هفته بعد، انتخابات شورای موقت در سنندج برگزار شد. با این وجود، اولین تجربه انتخابات محلی دموکراتیک در کردستان، چندان مسالمت‌آمیز نبود. به‌گونه‌ای که در وهله‌ای با اعتراض هواداران یک گروه ائتلافی، شمارش آرای انتخابات معلق شد (کیهان، 1358/1/25، ص 2). همچنین گروهی از مردم سنندج در اعتراض به نتایج این انتخابات، در مسجد جامع این شهر تحصن کردند (کیهان، 1358/1/28، ص 7). حتی کار به درگیری و تشنج هم کشید (کیهان، 1358/1/30، ص 3). نهایتاً پس از یک هفته درگیری و تشنج، با پیام آیت‌اله طالقانی و درخواست وی از مردم برای همکاری با شورای منتخب شهر، اوضاع نسبتاً در سنندج آرام شد (کیهان، 1358/2/1، ص 7). اما آتش همچنان زیر خاکستر فعال بود و اندکی بعد سر باز کرد.

1. ابراهیم یونسی بانه (90-1305) اولین استاندار کردستان پس از انقلاب اسلامی.

قطب‌زاده: پریروز صحبت بود با حبیبی [که] همیشه وقتی خطر می‌آید، علاج می‌خواهیم بکنیم. بلوچستان، جنجال آن بالا می‌کشد تا دو هفته دیگر.

خامنه‌ای: خوانین در فن‌توچ میعاد گذاشته‌اند. بدون داشتن جاده، منطقه گسترده است. اطلاعات زیاد دارم. در ایرانشهر باغی است مال ایتالیایی‌ها.

قطب‌زاده: دادگاه انقلاب از شرکت‌های متخلف که مصادره کرده، 56 میلیون تومان می‌گیرد.

موسوی: راجع به حکم کمیته انقلاب قم در مورد رسیدگی به کاخ‌ها.

مهدوی: اموال چیدر و لویزان از هژبر [یزدانی] و کس دیگر تحت نظر هاشمی چیدر باشد. مامورین آنجا سوال کردند.

موسوی: مستقیماً کاری انجام نشود.

مطهری: در مورد اعلامیه دادگاه انقلاب، چون افراد هنوز متهم هستند، نباید قبلاً محکوم کرد. دادستان اعلامیه داده، صحیح نبوده.

موسوی: یک نفر از ما (شورای انقلاب) مامور شود از طرف شورا [تا] با دادگاه در تماس باشد. تذکرات اینجا را به آنها بدهد، تذکرات آنها را به اینجا بدهد. آقای مطهری و آقای مهندس سبحانی مامور شوند که از طرف شورا به آقای هادوی و زواره‌ای مراجعه کنند.

تصویب شد.

از طرف شورای انقلاب تایید شد که کسانی که شناسنامه‌شان مهر رستاخیز دارد، رأی دادن برایشان اشکالی ندارد و کسی مزاحم آنها نمی‌شود.

مهدوی: دادگاه انقلاب ارتش، قرنی خواسته تمام نظامی‌ها را تماماً تحویل دادگاه ارتش بدهند.

موسوی: مربوط به آئین‌نامه دادگاه انقلاب است متهم از نیروی مسلح هم باشد.

تصویب شد قانون اساسی خواسته شود، تکثیر و در اختیار اعضای شورا قرار گیرد و مواد جالب آن توسط دکتر صادق طباطبایی در رادیو تلویزیون مطرح شود، به عنوان اصولی از مواد پیشنهادی قانون اساسی.



جلسه سه‌شنبه 1358/1/7

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، خامنه‌ای، باهنر، سحابی، شیپانی، (مسعودی، باهنر، مبشری).

[موضوع: رفراندوم جمهوری اسلامی:]

خامنه‌ای: تذکر آقا در مورد اینکه یک روز برای رای‌گیری [رفراندوم] کم است و مردم نمی‌رسند رای بدهند. بهشتی: ممکن است مدت [رای‌دهی] برای یک نفر، نیم ساعت طول بکشد، ولی در عرض نیم ساعت 30 نفر رای می‌دهند.

موسوی: باید مقدمات آماده شود. ولی باید پیش‌بینی شود یک ساعت به آخر وقت. بررسی از صندوق‌ها بشود، اگر تمام می‌شود که هیچ، وگرنه دستور دهند با رادیو [تا] فردا بقیه بیایند [و] رای بدهند. خامنه‌ای: قبلاً اعلام کنند.

بهشتی: صحیح نیست اعلام شود.

خامنه‌ای: از طریق افراد ذی‌نفوذ علیه دولت اقدام می‌شود که رفراندوم را به هم بزنند.

مهندس سحابی: شایعاتی در مورد شلوغی روز رفراندوم هست که باید دقت شود.

خامنه‌ای: وضع گنبد [کاووس] شلوغ است، ادارات [هنگام] عصر که می‌شود، تعطیل است.

شیپانی: برای گنبد با ژاندارمری صحبت کردم. گفت اگر بشود، آقای طالقانی [به آنجا] برود.¹

1. اوایل سال ۱۳۵۸، شورش در گنبد کاووس، نهادهای جدید حاکمیتی را که درگیر بحران کردستان بودند، متوجه بحران دیگری نمود. ماجرا زمانی آغاز شد که در میتینگ کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، تیراندازی صورت گرفته و متعاقب آن، زد و خورد خونین و مسلحانه، گنبد کاووس را دربرگرفت (کیهان، 1358/1/7، ص 3). این منازعه مسلحانه چندین کشته و ده‌ها مجروح برجای گذاشت. پس از آن، توافقنامه‌ای میان ترکمن‌ها با دولت و کمیته مرکزی امضا و اعلام آتش‌بس شد. آیت‌الله طالقانی، چهره متنفذ آن روزگار، ترکمن‌ها را به ترک مخاصمه و ایجاد آرامش دعوت نمود. با این وجود، ترکمن‌ها رئیس شهربانی گنبد و تعدادی از سربازان اعزامی را دستگیر کردند. از سوی دیگر، 50 تا 70 نفر از اعضای فعال کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن نیز دستگیر شدند. برخی مقامات محلی نظیر استاندار معتقد بودند که ساواک و زمین‌داران به حوادث گنبد دامن می‌زنند (کیهان، 1358/1/8، ص 3). روزنامه کیهان در همین ایام در گزارش ویژه‌ای مدعی شد ریشه اصلی اختلافات موجود در مناطق ترکمن‌نشین، مسئله مالکیت و

بهشتی: انتصابات ژاندارمری خوب نیست. فرمانده ژاندارمری...

مبشری: عده ای از صلیب سرخ آمدند [و] رفتند بازدید زندان، راضی بودند. باز عده ای آمدند. قضات منع تعقیب می دهند، او (زواره ای) عمل نمی کند. از صلیب سرخ آمده اند، راه نمی دهد. او را چه باید کرد [؟] (مهندس بازرگان، یزدی، قطب زاده آمدند).

خامنه ای: آقا پیام دادند برای پاسداران حقوق معلوم شود و در رادیو اعلام شود (مهدوی آمد).

زمین است؛ چرا که پس از انقلاب سفید شاه در سال 1341، عناصری همچون هژبر یزدانی، شریف امامی و برخی ژنرال ها، زمین های مالکان خرده پای ترکمن را غصب کردند (کیهان، 1358/1/9، ص 7).

علی رغم پیمان آتش بس میان دولت مرکزی و ترکمن ها، منازعه به شکل مسلحانه کماکان جریان داشت. تعداد کشته ها به صورت جهشی افزایش می یافت و حمله مسلحانه تداوم داشت. با این وجود، سخنگوی دولت موقت اعلام می کرد اوضاع در گنبد تحت کنترل است. هیأت اعزامی از تهران نیز با نمایندگان ترکمن ها در پی مذاکره، قرار آتش بس گذاشتند (کیهان، 1358/1/12، ص 2 و 4)؛ قراری که هر بار نقض می شد. حتی اعلام شد که نقض آتش بس، کار ضدانقلابیون ناشناس است (کیهان، 1358/1/14، ص 2 و 7). توافقنامه ترک مخاصمه میان هیأت اعزامی از تهران با ترکمن ها ناظر به عقب نشینی طرفین از سنگرها و مواضع دفاعی خود، و تأمین امنیت شهر توسط نیروهای شهربانی و ژاندارمری می شد (اطلاعات، 1358/1/14، ص 2). چند روز بعد اعلام شد از این پس اداره امور گنبد کاووس بر عهده شورای موقتی است که بدین منظور ایجاد گردید (اطلاعات، 1358/1/16، ص 1). همچنین وزیر کشور اعلام کرد زمین های خاندان پهلوی و فئودال ها در گنبد تقسیم خواهد شد. وی همچنین خبر داد 550 گروگان در گنبد آزاد شدند (کیهان، 1358/1/18، ص آخر). رفته رفته و با گذشت زمان، به تدریج دامنه ناآرامی در گنبد محدود شد و از شدت تنش های خونین کاسته شد.

برخی، چنان که در مذاکرات نیز آورده شده، در آن ایام معتقد بودند چریک های فدایی خلق، صحنه گردان اصلی تحرکات خونین گنبد کاووس و ترکمن صحرا هستند. سازمان مجاهدین خلق خواستار خروج نیروهای چریک های فدایی از گنبد و عدم درگیری در آن منطقه شد (کیهان، 1358/1/20، ص 8). با این حال، سخنگوی چریک ها مدعی بود عوامل وقایع گنبد، عناصر وابسته به ساواک، سیا و زمین داران هستند و ما هیچ گونه نقشی در تحولات گنبد و همچنین کردستان نداشته ایم (کیهان، 1358/1/14، ص 8). علاوه بر این، کمیته اعزامی کمیسیون حقوق بشر، کانون وکلا و جمعیت حقوقدانان به گنبد در گزارشی تصریح کرد چریک های فدایی خلق در ایجاد حوادث گنبد دخالتی نداشته اند و زمین داران و فئودال های بزرگ و بازماندگان رژیم پهلوی، فتنه انگیزان اصلی فاجعه گنبد و مسئول قتل دهها انسان بوده اند (اطلاعات، 1358/1/20، ص 4). در مجموع می توان گفت نزاع های گنبد، ریشه در مناسبات اقتصادی و روابط زمین داری سال های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی داشت.

بهشتی: اینها که کار ندارند و وضع زندگی شان مختل است (کتیرائی آمد). مسئله ای که با صدر [حاج سید جوادی] هم مطرح بود، نظر اول این بود که [در] رای گیری تاخیر نشود.

مهندس بازرگان: صدر پیشنهاد می کرد [رای گیری] دو روز باشد. خیلی جاها آماده نیست. صدر پیشنهاد می کرد [رفراندوم] یک هفته عقب بیافتد.

خامنه ای: تاخیر [به] مصلحت نیست.

مهدوی: خود تهران آمادگی ندارد.

خامنه ای: روشخوار، بخش تربت حیدریه است. آنجا هم رسیده.

بهشتی: کار بلوچستان چه می شود [؟]

موسوی: تاخیر هر روز در گوشه و کنار مملکت درهم ریختگی هست. این کارها مقداری برای جلوگیری اصل رفراندوم است. اخلاکرها هم اقدام می کنند.

بهشتی: اطلاعات ایشان به علت اینکه نبودند، کافی نیست که نفی کنند. مسئله کردستان مطرح بود.

باهنر: شیراز، اصفهان و کرمان، رسیده.

موسوی: آذربایجان، رسیده.

بهشتی: مسئله ای است که تاخیر، حادثه ایجاد می کند. رفراندوم نباید متوقف شود.

مهندس بازرگان: بعضی می گویند ما شرکت نکردیم.

بهشتی: ما از موضع قدرت صحبت خواهیم کرد.

شیبانی: نوری بخش گفت آمادگی هست.

مهندس بازرگان: صدر می گفت دکتر طباطبایی استاندار مازندران می گوید آمادگی نداریم و آقا هم گفته اند [صندوقها] باید به کوره دهها هم برسد.

قطب زاده: اگر می گفت ایراد آقا چیست، یک مسئله قابل حل است.

موسوی: به آقا احمد [خمینی] گفته‌ام تاخیر جایز نیست.

بهشتی: بررسی شد، مدت کافی خواهد بود. تبلیغات رادیو درباره فراندوم زیاد باشد.

قطب‌زاده: اقدامات برای تبلیغات شده.

بهشتی: عده‌ای برای کمک و نظارت در انتخابات شرکت می‌کنند.

مهدوی: [برای] حفظ امنیت، افراد مسلح آماده باشند، ولی در محل نباشند.

بهشتی: سلاح کمری داشته باشند.

مهدوی: مسلح خوب نیست باشند.

بهشتی: در محل رای‌گیری نباشند (طالقانی آمد).

مهدوی: [به] بلوچستان لازم است روحانی آگاه برود. آقای خامنه‌ای حتماً قبل از فراندوم بروند.

مهندس بازرگان: دکتر مدنی می‌خواهد برود. چهارشنبه با او بروند.

بهشتی: مناطقی که ممکن است آماده نباشند، حداکثر 500000 است. مسئولیت به عهده ما (مطهری آمد).

مهندس بازرگان: نواری از بختیار در بی‌بی‌سی گذاشتند که دیکتاتوری آخوندی راه افتاده. به نظر من تمام احزاب

روز پنجشنبه میتینگ بگذارند.

مطهری: [جامعه] مدرسین قم با راهپیمایی مخالف هستند. آقا موافقت نکرده. شرط اصلی، موافقت شورای مرکزی

روحانیت است.

مهدوی: راهپیمایی کوتاه باشد.

میتینگ تصویب نشد.

تاخیر فراندوم، پیشنهاد صدر است.

بهشتی: اگر به مسکن یک میلیون نفر نرسیده باشد، پانصد هزار نفر رای ممکن است به خطر بیافتد. تاخیر، خطرش

بیش‌تر است، چون حالت عقب‌نشینی دارد.

شیبانی: کار انجام شده، شما خبر نداشتید.

طالقانی: بعضی جاها فرماندار ندارد. آیا می‌تواند صندوق و هیئت نظار بفرستند [؟]

خامنه‌ای: شیبانی گفت مسئول این کار گفت که به دورترین نقاط فرستادیم. خراسان خوب است. صندوق مهم نیست، تدارکات را فرستاده‌اند. نرسیدن که گفته می‌شود، مردم انتظار دارند حادثه‌ای ظاهر شود. فرماندار باید بداند و بس. [درباره] ضررهای تاخیر، اگر ده روز پیش شده بود، [ماجرای] بلوچستان و گنبد را نداشتیم. [ماجرای] گُردها را هم ممکن بود پیش نیاید. اگر یک روز اضافه شود، آن وقت عذر جهانی است. ما دوازده میلیون رای گرفتیم، عده ای مانده‌اند، اضافه کردیم.

بهشتی: من هم سخت نگران حادثه‌آفرینی هستم.

یزدی: چند میلیون رای دهنده هست [؟]

سحابی: حدود 22 میلیون، و 18 میلیون رای می‌دهند. خود وزارت کشور می‌گوید 15 میلیون رای دهنده هست. یزدی: از 21 میلیون، 14 میلیون روستانشین است.

بهشتی: بنابراین تاخیر نیافتد. اگر وزارت کشور دید [که] بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت ایران، [مثلاً] 20 درصد نرسیده، آن وقت پنجشنبه و جمعه هفته بعد باشد. آن وقت وزارت کشور به رادیو تلویزیون می‌گوید. مدت اگر لازم شد دو روز، و گرنه سه روز [تمدید شود]. تا سه روز هم اگر نرسیده باشد، هم می‌شود چاپ کرد و هم رساند.

طالقانی: تاخیر نشود.

کتیرائی: لایحه قانونی رفع محرومیت‌های سیاسی. رای برای تصویب نیاورد. بعد از توضیح و تذکرات لازم، بررسی و تصویب شد.

لایحه دادگاه انقلاب مطرح شد.

شیبانی: پیش از فراندوم، یکی از جانیان را که جرمش مسلم است، اعدام کنید.

شرکت نیروهای مسلح در رفراندوم تصویب شد.

لایحه دادگاه انقلاب با جرح و تعدیل تصویب شد و دو ماده آن قرار شد از نظر فقهی رسیدگی شود.



جلسه یکشنبه 1358/1/12

[حاضران: مهندس بازرگان، موسوی [اردبیلی]، هاشمی [رفسنجانی]، سحابی، مسعودی، شیبانی، مبشری، هادوی

[موضوع: شکایت دولت موقت از دخالت‌ها و کارشکنی‌ها:]

هاشمی: در مورد افرادی که پیش آقا رفته‌اند و اعتراض به وضع دادگاه‌ها کرده اند ...

مبشری: به وضع گرفتن افرادی از قبیل میرمطهری^۲ (رئیس سابق دیوان عالی کشور) اعتراض داشتند.

مهندس بازرگان: دکتر سیاسی را گرفته‌اند (باهنر آمد).

هادوی: ...

1. اندکی پس از انتصاب مهندس بازرگان به عنوان ریاست دولت موقت از سوی امام خمینی در نیمه بهمن‌ماه 1357 و تشکیل دولت، سیل شکایت‌های نخست‌وزیر و اعضای هیأت دولت از آنچه "دخالت‌ها، مزاحمت‌ها و کارشکنی‌ها در اداره امور از جانب نهادهای مختلف" می‌دانستند، به جریان افتاد. نمونه آن در پانوشت مذاکرات 1357/12/17 آمده است و در ادامه مذاکرات شورای انقلاب، به وضوح این موضوع ملاحظه خواهد شد. همانگونه که از سخنان بازرگان مستفاد می‌شود، عمده شکایت‌های دولت موقت از مداخلات و ناهماهنگی‌های سه نهاد دادگاه انقلاب، کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. بازرگان در اولین هشدار جدی خود، که نشانگر مواضع محافظه‌کارانه وی در شرایط طوفان تحولات انقلابی ایران بود، از همگان خواست تا نظام موجود را به هوای نظامی که جانشینش نشده برهم نزنند (کیهان، 1357/12/1، ص 1). چند روز بعد، وی در واکنش به آغاز اعدام‌های انقلابی و در مصاحبه با نیوزویک ابراز داشت: اعدام‌ها به این ترتیب ادامه نخواهد یافت و اعدام چهار ژنرال [همدانیان، امینی‌افشار، معتمدی و ملک] نه به دستور من، بلکه بر اساس فرمان مافوق من، صورت گرفت. بازرگان در عین حال اذعان کرد در اصل با اعدام‌ها مخالفتی نداشته و به عنوان یک شهروند معمولی از انجام اعدام‌ها خوشحال است (کیهان، 1357/12/3، ص 3). بازرگان در مصاحبه با لوموند فرانسه هم تأکید کرد مراکز مختلف تصمیم‌گیری، بازسازی ایران را مشکل کرده است (کیهان، 1357/12/9، ص 3). یک روز بعد، بازرگان حمله شدیدی به "کمیته‌ها و گروه‌های افراطی" کرده و هشدار داد اگر دخالت‌ها ادامه یابد، برای دولت نتیجه‌ای جز کناره‌گیری متصور نیست. وی افزود: کمیته‌ها و گروه‌های افراطی نه تنها مانع راه دولت، بلکه خطر عظیمی برای امنیت و آسایش و بقا و حیات مملکت و انقلاب هستند (کیهان، 1357/12/10، ص 1 و 8).

در آغازین روزهای سال 1358 نیز دولت از وضع موجود گلایه داشت و نشان داد اختلافات دولت موقت با نهادهای مولود انقلاب ادامه دار خواهد بود. چنانکه بازرگان در سخنرانی خود در تبریز از دخالت کمیته‌ها در اداره امور و در تنگنا قرار دادن دولت انتقاد کرد (کیهان، 1358/1/6، ص 7). این بحث در ادامه مشروح مذاکرات پی گرفته می‌شود.

2. سیدعمادالدین میرمطهری، سناتور و رئیس دیوان عالی کشور در دوره پهلوی.

مهندس بازرگان مطالبی را برای ثبت در دفتر شورا گفتند: دولتی تعیین و مامور فرمودند و همه چیز از او خواسته می‌شود به حق. ولی علاوه بر هزاران هزار وظایف و مسائل و مشکلات و مصائب، از دولت سلب قدرت و امکانات می‌شود. از آن جمله است: 1) عمل کمیته‌ها، پاسداران انقلاب و امثال آنها 2) دادگاه انقلاب. ما ناچاریم از کارمندان و پرسنل موجود در مملکت تا آنجا که جزو گردانندگان و سرسپردگان اصلی دستگاه سابق و از دشمنان مسلم نباشند و امید اینکه طرفدار ملت و انقلاب و یا لاقفل، خدمتگزار نظام حاضر باشند، استفاده نماییم و به خدمت و زیر مراقبت بگیریم. البته نمی‌گوییم همه کارمندان خوب و معصوم [هستند] و نباید اگر خطا و خطرشان معلوم شد، تعویض شوند [اینطور نیست]. [اما] ایفای وظایف در صورتی امکان‌پذیر است که دولت بدانند حاکم و آمر بر کارمندان خود می‌باشد و کارمندان بدانند تامین و مصونیت و احترام دارند، خصوصاً در ارتش و دستگاه‌های انتظامی که از همه قسمت‌ها ضروری‌تر و حساس‌تر است. اما وقتی به دستور دادگاه انقلاب می‌آیند [و] رئیس آگاهی را دستبند می‌زنند و می‌برند و سایر اعضاء درمی‌روند، یا بنیاد امور تربیتی را که فرمانده ستاد معرفی کرده و از او رضایت داریم و خوب خدمت کرده است، زندانی می‌نمایند، و یا امثال آذربرزین^۱، نجیمی^۲ و خاتم و غیره که نامزد ما برای خدمات اصلی ارتش بوده‌اند در زندانند، چطور می‌شود افراد ارتش را جمع کرد و از آنها خدمت و فداکاری خواست [؟] وقتی کمیته‌های امام و انقلاب و پاسداران آنها می‌آیند [و] نگهبان وزارت کار را جلب می‌کنند، در فرودگاه چهار کمیته عمل می‌کند و جلو پرواز هواپیماها و یا حمل اثاث را می‌گیرند، به اداره کل دخانیات، رئیس فرستاده و ماشین تولید سیگار و بنیستون توقیف می‌شود، انبارهای سازمان گوشت را مهر و موم می‌کنند، رئیس اعزامی برای اداره نیروی آذربایجان شرقی را بازداشت می‌نمایند و رئیس دیگری از خودشان می‌فرستند، رئیس اعزامی بهداری را توقیف می‌کنند، کارمندان فنی یا سیاسی اتباع بیگانه را بازداشت می‌کنند و مشکلات سیاسی برای ما فراهم می‌نمایند و صدها مورد دیگر، چطور دولت می‌تواند قبول مسئولیت [کرده] و مملکت را اداره کند؟ خواسته‌های ما [عبارت است از:] 1) دادگاه انقلاب: الف) حوزه نظارت و عملیاتش بسیار محدود باشد و به دوران انقلاب و افرادی که مستقیماً مخالفت با انقلاب کرده‌اند، [مربوط] باشد و به هیچ وجه، کارمندان و افراد در خدمت دولت را مستقیماً بازداشت نکنند و به خود ما مراجعه نمایند، 2) پاسداران انقلاب، تحت فرمان دولت و همکار با دستگاه‌های انتظامی و ارتش باشد، 3) کمیته‌های مملکت نه تنها

1. تیمسار شاپور آذربرزین (94-1308) معاون عملیاتی و جانشین نیروی هوایی ارتش در دوره پهلوی. وی پس از انقلاب اسلامی در دوره‌ای کوتاه مسئولیت فرماندهی نیروی هوایی ارتش را عهده‌دار بود.

2. سیهبد عبدالعلی نجیمی نائینی، مشاور رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران که از امضاکنندگان بیانیه بی‌طرفی ارتش در روز 22 بهمن 57

همکاری نمایند، بلکه هیچگاه مزاحمت و مخالفت با اعمال دولت نداشته باشند (مهدوی، معین فر، مطهری، بنی صدر آمدند)، اگر در مملکت، وحدت فرماندهی نباشد، قدرت لوٹ می شود.

مهدوی: فرشچی آدم ناراحتی است و مزاحمت‌هایی ایجاد کرد.

بهشتی: هیچ نوع مرکزیت شکل یافته وجود ندارد. [باید] فکری برای آینده شورا و دادگاه و کمیته‌ها و دولت بشود. طرح متمرکزی درست کنند که تصمیم‌ها هماهنگ باشد. اگر چیزی اینجا تصویب شد، بیرون هم همان را بگوییم، هرچند که نظر خودمان نبوده باشد. دولت متعهد بوده و هست که نظر شورا را حمایت کند. دادگاه و دادستان با هماهنگی با دولت و شورا کارش را شکل بدهد. کمیته هم فکری کامل داشته، اگر از نظر اجرایی به ثمر نرسیده، نارسایی‌هایی بوده [که] باید رفع شود.

شیبانی: آئین‌نامه دادگاه انقلاب رسیدگی شود...

بهشتی: قدرت اجرایی برای جلوگیری وجود ندارد. انشعاب داخل انقلاب را نباید بی توجه گذشت. مسئله زور نیست، تدبیر هم هست. بزرگ‌ترین قدرت، قدرت روحی است، نه سلاح. باید مکرر ... بندی شود.

مطهری: با همکاری همه قسمت‌ها روی اصلی توافق شود. حتماً در این آئین دادرسی باید ضد انقلاب‌ها را طوری گرفت که [مانند] دوره شاه سابق نشود. [اینها که] کارهایی که به اسم کمیته می‌کنند، مفسد فی الارض اینها هستند. بهشتی: [یک] پیشنهاد دارم. مجمع شورا و دولت و دادگاه انقلاب و کمیته برای همیشه میسر نیست. شورا دو نفر، دولت یک نفر یا دو نفر، دادگاه یک نفر و کمیته یک نفر، در شرایط کنونی در ارتباط روزانه باشند و تصمیم هماهنگ بگیرند. چون ارتباط [میان این بخش‌ها] نبوده، این مسائل پیش آمده.

مهندس سبحانی: در مورد نابسامانی‌ها البته عیب هست. [اما به] دو نکته توجه شود. یکی [اینکه] انقلاب که نظم و قاعده ندارد. [انقلاب] روسیه دوازده سال کشتار داشته. زود ناامید نشوید. دوم [اینکه] اینجا انقلاب است و انتقال مسالمت‌آمیز نیست. صددرصد تاکید دارم کارها منظم باشد، ولی نباید زیاد ناراحت شد. دولت از زود گرفتن و زود کشتن ناراحت است، درست. ولی طرف دیگر مردم هستند که کمیته دارند و این امری شیطنانی

نیست. در قرآن هم هست [که:] "يَشْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ"¹ یا "اَشْفِ غَيْضَ قُلُوبِنَا"² که در دعا آمده. اگر دولت و شورای انقلاب و دادگاه بخواهند محاکمات را عقب بیاورند، مردم می‌ریزند و کشتار می‌کنند. اگر دادگاه معطل کند و مجرمین را مجازات نکند، اگر هویدا و امثال او اعدام نشوند، مردم قیام می‌کنند. آقای مطهری گفتند بازجوی ساواکی را گرفته‌اند [و] خودشان کشته‌اند.

مطهری: این تیغ دو دم است.

مهندس سبحانی: آنها که از زندان قصر گرفته‌اند، حساب شده است. ولی اگر تخفیف بدهیم، طول بدهیم، مردم انقلاب می‌کنند. چون در همه جهات ضعف هست، نمی‌توانیم کنترل کنیم. یک تعدادی دادگاه بجنبند، آنها که جرم مسلم دارند، اعدام شوند. دو سه دفعه که اعدام انجام شود، مخالفت فروکش می‌کند. مردم مذهبی هستند. می‌دانیم که آقای مهندس بازرگان در دولت فعالیت می‌کند و گذشت ندارند، ولی مردم توجه ندارند.

بنی صدر: بسیار ترجیح دارد [که] خود مردم بکنند، تا شما به اسم اسلام، دادگاه انقلاب تشکیل دهید و کاری نکنید، کسی از ما توقع ندارد. اگر شکست بخوریم، ما رفته و ایران رویش. رهبری کارش این نیست که گفته‌های مردم را جواب بگوید. ضعف ما فراوان است. ضعف از ناهماهنگی هاست. [درباره] رفراندوم، در روز اول قرار شد که یک سوال مطرح شود. لحظه آخر آقای خمینی گفتند هرطور می‌خواهید رای بدهید، طالقانی یک ساز، بازرگان یک ساز، شریعتمداری یک ساز، خمینی یک ساز می‌زند. در کردستان سمانگر گفت وقتی دولت ضعیف است، نماینده‌اش چه قدرتی دارد [؟] برای این راه‌حلی پیدا کنید. با کمیسیون مشترک، ضعف‌ها از بین نمی‌روند.

مهدوی: در مسئله کمیته‌ها در مقابل گله‌های آقای مهندس بازرگان، گله‌هایی دارم. یکی از جریان‌ها از طرف نخست وزیری، آقای دکتر یزدی است. فرمانی است [که] گروهی را برای کاری فرستاده‌اند. پریشب فرماندار آبادان تلفن می‌کرد [که] چهار گروه آمده‌اند [و] هر کدام فرمانی دارند. گروهی از قم آمده‌اند، یکی از تهران، یکی از طرف یزدی، یکی از طرف پاسداران، یکی هم از طرف ولی‌آباد. شاید هم هیچکدام معرفی ندارند. گروه یزدی می‌گفتند فرمان بدهید [تا] تمام عشایر آنجا را خلع سلاح کنیم، تمام عشایر را باید از بین برد. پاسداران مرزی،

1. اشاره به آیه 14 سوره توبه دارد: يَشْفِ صُدُورِ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ... باشد تا خداوند دل‌های گروهی از اهل ایمان را (با فتح و ظفر بر کفار) شفا بخشد.

2. اشاره به فرازی از دعای افتتاح: اَشْفِ بِهٖ صُدُورِنَا وَ اَذْهَبْ بِهٖ غَيْظَ قُلُوبِنَا: سینه‌های ما را به واسطه او [امام عصر(ع)] شفا بخش و کینه دل‌هایمان را به جهت وجودش برطرف کن.

که برای جلوگیری از قاچاق هستند، داد می‌زنند کمیته‌ها را اصلاح کنید. اسنادی در اوین بوده، دکتر محققى و مستوفى مدیر بازرسى، یک روز افرادی را می‌فرستند که برای آنها حکم بدهیم. گروهی از طرف ما رفته برای محافظت. گروهی اسناد را دست می‌زنند. چه باید کرد و کدام را تایید [؟] مسئله ناهماهنگی حل نشود [...] فرمان‌هایی از طرف آقای هادوی است، در حسن نیت ایشان شک ندارم. منزل امام جمعه قبلاً مامور گذاشته‌ام، آمده‌اند [و] حکم می‌کردند [که] تخلیه کند. گروه سپهسالار رفته‌اند منزل امام جمعه را توقیف [کرده] و فرزش را برده‌اند.

مهندس بازرگان: خوشبختانه در اینجا مطالب اصولی مطرح است، توافق شود. بعد کیفیت، نابسامانی و مبهم بودن فرماندهی آقا هستند، تنها هم نیستند، خدا عمرش را زیاد کند. صانعی، شرعی، ربانی املشی همه برای خود یک دولت [هستند]. شورا و دولت، دادستانی انقلاب، کمیته‌ها. دکتر یزدی می‌گوید من دخالت ندارم. عده‌ای علیه دکتر یزدی اقدام می‌کنند و او در پی ایجاد موردهای افکار عمومی است و ایده [کمیته] انقلاب که خواسته ماست که باقی بماند، در عین حال که مزاحم است... صحبت من با آنهاست و اثر فوق العاده کرده. غیر از آنها نیرو ندارم. نه ژاندارم، نه ارتش، نه دارایی، نه پول. رهبری این نیست [که] افکار عمومی را پیروی کنیم. باید در جهت صحیح [آن را] سوق داد. آیا فقط یک مملکت و ملت با انتقام درست می‌شود [؟] اگر کارگران پول خواستند، گرگان، گنبد، کردستان و... خرمشهر نبود، بیاییم سعی کنیم مملکتی که 25 سال اعتراض بوده، بعد در دنبال انقلاب، حالا روز انتقال [انتقام] است و این انتقام همه چیز را فلج کرده. دکتر سیاسی رئیس کلویی است که دو عضو آن فراماسون هستند، او را گرفته‌اند. دکتر یزدی اطلاعاتی داشت [که] یکی از افرادی که از طرف امام رفته، ماهی هفت هزار تومان از سازمان می‌گرفته. گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنچه هست گیرند. مطهری: اگر جمهوری اسلامی شکست بخورد، ما به حال اول برنمی‌گردیم.

هاشمی: اکثر صحبت‌ها دردهایی است که گفته شده. راه‌حل را نشان بدهیم و عمل کنیم. [باید] دادگاه تقویت شود، شهربانی، ژاندارمری و غیره باید تقویت شود، ولی نشده. شهربانی تقویت شود تا کلانتری راه بیافتد. [تا زمانی که] ژاندارمری درست نشود، کار پیش نمی‌رود. مثلاً [در] مازندران، خلیل رفته آنجا [و] می‌گوید خبری نیست.

مهندس: ترکمن را گفته.

هاشمی: کمیته گرگان از محکم‌ترین کمیته‌هاست، یک نفر از گرگان نرفته.

مطهری: مجاهدین با فدائی‌ها در گرگان همکاری می‌کنند. آقای مهندس بازرگان، به ایشان من ارادت دارم و پشت سر ایشان نماز می‌خواندم و می‌خوانم. [اما] احساس کردیم از طرف باندهایی اغفال می‌شوند. فقط وضع وزیرها را رسیدگی کنید. عده‌ای معین شدند که خود ایشان خبر نداشتند. خرابی مملکت زیر سر عصبانیت مهندس در شورا است. دکتر مفتاح نگوید شورا کاندیدا برای ریاست جمهوری ندارد. شورا چه چیز را امضاء کرده [؟] چه مدرک دارد [؟] چیزهایی به امضاء آقای طالقانی است، بدون اینکه ما امضاء کرده باشیم. ما قبول داریم آقای خمینی هر روز فرمان می‌دهند.

شیبانی: ...

بنی صدر: آدم نداریم، قبول نداریم. اشخاص فاسد به محض انتصاب، صالح می‌شوند. سیروس بهرام مدیرکل گوشت، فامیل خانم صدر است و خیانتش مسلم است. این عکس‌ها و نوشته‌ها راجع به او است.

بهشتی: محور فکری ما سالم بماند. بزرگ‌ترین قدرت رهبری و انقلاب و ... نفوذ روحی در جامعه است. یکی از آنها انتصاب دولت است.

مطهری: دادگاه‌ها را نگفتید. به عقیده من، بیش از مقداری که مردم را راضی کرده، با کشتن گناهکاران، مردم را ناراضی کرده. مردم خواهان انتقام هستند. نمی‌خواهند بی‌تقصیر در زندان بمانند.

هادوی: مطلب شما صحیح است، باید درست شود.

مطهری: از آقای هادوی گله داریم. زن صدری آمد. یک عده‌ای رفته اند منزل، [تا] او را بگیرند، معلوم شد [که] حکم ندارند. روز بعد با اجازه شدند.

بهشتی: ضعف سازماندهی در همه جا هست.

موسوی: کلمه‌ای است. قرار شد حضرتعالی مستقیماً به کسی ماموریت ندهید. ماموریت [را] به آقای مهدوی بدهید. ایشان راس کمیته‌ها هستند. اگر مسئله را حل می‌کند، درست است. آنچه از کمیته‌ها می‌خواهند، از ما نخواهید. ایشان آنچه [را که] مربوط به دادگاه‌ها و بازپرس‌هاست، انجام دهند.

مهدوی: چهارده نفر در چهارده کمیته هست که امضای آنها مورد قبول است.

هادوی: گرفتاری ما این است، در ساواک پرونده‌های همه موجود است، ما از کسی شناسایی نداریم.

بهشتی: من تذکری دارم. یک کمیسیون انتصابات در هر وزارتخانه باشد. دستگاه اطلاعات مورد لزوم است.

مهندس بازرگان: معلوم نیست تمام اسناد و مدارک باشد.

مبشری: آئین نامه را وارد شویم.

بهشتی: کمیسیون ها.

مهندس بازرگان: [1] اگر دولت باید انجام کار کند، دادگاه انقلاب دامنه عملش بی نهایت نباشد (2) دادگاه انقلاب به کارمندان دولت اگر کار دارد، از طریق خود ما باشد. شورای انقلاب و هیچ کمیته ای حق ندارند عملی بر خلاف دولت انجام دهند.

بهشتی: گفته شد کمیته های انقلاب دو کار دارند: [اول] حفظ انتظامات، دوم ارجاعاتی که از طرف دادستان انقلاب به آنها می شود. در حد اعلام از طرف آقا شده (کتیرائی در امور اجرایی دخالت نکند. آیت الله مدنی به من گفت بروند، بریزند، تصرف کنند).

مهندس بازرگان: انگشت روی انتصابات گذاشتند، دفاع نکنیم.

بهشتی: قرار شد پی راه حل بگردیم. عموم جلسات به گله گذاری متقابل می گذرد، هم دولت و هم شورا و حالا دو گروه دیگر.

مهندس بازرگان: اولاً هیچگونه قصدی و سوء نیتی بر اینکه افرادی که آقایان معرفی کرده اند نگذاریم، نبوده، ولی تعهد نمی کنم همه هم که گذاشته ایم، امام جعفر صادق هستند. اگر بنا است [که] بنده مسئول باشم، باید بیسندم. در مرحله آخر من باید راننده ام را بیسندم. اصول اداری این نیست که در تمام امور دخالت کنم. تحمیل نمی شود کرد، افراد زیادی می خواستند خدماتی بکنند.

بنی صدر: این مطلب که می گویند یزدی تبعه امریکاست، به دولت و مملکت برمی خورد.

کتیرائی: در مورد انتصاب، شبیه به این حرف شما را می پذیرم. اگر اینجور پیدا کردید، بگوئید برمی داریم. اعلام نشده به ما. حق داریم بگوئیم معاون فرهنگ و هنر، فردی از اعضای کتیف و عضو ساواک. منشی پهلبد، منشی اوست.

بهشتی: جای تاسف است [که] آقای مهندس پهلوی من هستند و حرف مرا در این مورد اشتباه فهمیدند و تصور کردند [که من] گفتم تنها آن وزیری که ما معین کردیم خوب است. گفتم وزیر، روشی را که به او پیشنهاد کردیم، پسندید و مطلوب بود. ما نگفتیم [که] ما کمیسیونی معین کنیم. گفتم کمیسیونی عمل کرده و تجربه‌ای در دولت شما صورت گرفته [که] نتیجه‌اش مثبت بوده. شورا به شما پیشنهاد می‌کند [که این الگو را] در سایر وزارتخانه‌ها تعمیم بدهید. سه آدم مورد اعتماد شما، شورای انتصابات باشند و وزیر، بدون نظر آن کار نکند. این به نفع دولت است. موضع‌گیری شما را همیشه، رابطه دولت و شما و شورا حسنه بوده. ولی اگر چیزی می‌گوییم که خلاف میل شماست، عوضی می‌فهمید.

مهندس بازرگان: عکس آن هم درست است.

مطهری: در حضور آقایان گفتم دادگاه‌ها بیش‌تر از انتصابات این کار را کرده.

بهشتی: گروه چهار نفره، یکی عضو شورا، عضو دولت، عضو دادگاه، و آقای مهدوی عضو کمیته، پیوندشان مستمرتر باشد. از همه خواسته شود. اگر گفته من مورد قبول است، رسیدگی شود و انجام گردد.

کتیرائی: وظایف کمیته مشخص شود.

بهشتی: کمیته هماهنگی.

مطهری: از قم هم یکی بیاید.

بهشتی: قم را آقا اختیارات بدهند، چون از قم باید بیاید اینجا.

مهندس بازرگان: تعیین بفرمایید، ولی کارش چیست [؟] کمیته هماهنگی، حق و قدرت داشته باشد مسائل مربوط به آن را طرح بکند.

بهشتی: فقط هماهنگی است.

موسوی: راجع به اولویت آن حرف دارم. جهات مهم زیاد دارد. چون آئین‌نامه دادگاه فوریت دارد، معتقدم آئین‌نامه صحبت شود. این را برای بعد بگذاریم.

بهشتی: پیشنهادات بررسی شود، بعد به لایحه برسیم. به دولت عرض می‌شود، برای اینکه دولت وقتش زیاد تلف نشود، روزهای سه‌شنبه ساعت هشت، اول وقت یک نفر از دولت بیاید با لویح. روز یکشنبه آزاد باشد برای خود شورا. اگر لازم شد جلسه فوق‌العاده [هم خواهیم داشت].

معین‌فر: لایحه بودجه هست.

تصویب شد [که] سه‌شنبه برای لویح و دولت باشد.

[موضوع: بودجه سال 1358]:

مهندس بازرگان: درخواست 3/12 بودجه است. لایحه قانونی اجازه انجام هزینه‌های کشور، سه‌ماه اول سال 58. شیبانی: این مرسوم است.

معین‌فر: ما نخواستیم ارقام گذشته باشد و بودجه بدون بررسی برسد.

بهشتی: یک سلسله هزینه‌هایی در این شرایط پیش آمده. از قبل هزینه کمیته در تامین این هزینه‌ها دشواری وجود دارد یا نه [؟] کمیته‌های خوب که پیش چشم ماست، خدمت می‌کند، [برای تأمین بودجه] مراجعه می‌شود. تا کی مردم را به بیگاری باید کشید [؟] درآمدهای عمومی دیگر قادر نیست. از آقای مهدوی خواهش کردیم با مجملی بصورت تنخواه گردان، مبلغی بگیرند، برآورد کنند [که] کمیته‌های به دردنخور چقدر خرج دارد. اگر خرج کمیته‌ها را بدهند، می‌توانند آنها را منزه کنند.

معین‌فر: 35 میلیون تومان این را بیاورید. اگر ارقام قابل حل نباشد، می‌شود وارد کرد. اگر اشکالی پیش آورد، به تصویب شورا برسانیم.

بهشتی: بر حسب تجربه، اگر تسلط اقتصادی بر روی کمیته‌ها پیدا کنند، موفق می‌شوند.

معین‌فر: برآورد مخارج سه‌ماهه را زودتر بدهند، وگرنه من نمی‌توانم نقد بکنم.

مهدوی: وارد نبودم.

مهندس بازرگان: تا به اینجا مخارج کمیته‌ها را باید دید، در مقداری زیادتر قابل حل هست یا نه [؟] اگر دید [که] این کمیته‌ها خوب کار می‌کنند، تایید می‌کند.

بهشتی: جواب اینکه خیر. از شما خواهش می‌کنیم، ما به قلب خودمان نگاه می‌کنیم که این رابطه بین ما و دولت نیست. رابطه بین مهدوی و کسانی که مقابل ما هر دو هستند، می‌باشد. در جوّ کنونی طرح آن ممکن است ناجور باشد. هر وقت مشکلی بود، بصورت مشکل دوتایی مطرح شود.

مهدوی: آخوندها نان خور دولت نبوده‌اند که حالا باشند.

بهشتی: (دکتر مبشری می‌گویند سازمان دادگاه‌های انقلاب، بودجه لازم دارد).

بنی صدر: اینطور درست نیست. لایحه باید از قبل بیاید [و] رسیدگی شود.

بهشتی: به اعتبار اینکه هزینه‌های جاری را نمانند، این را می‌خواهند.

معین فر: ممکن است سه ماه دیگر، باز هم مشابه این بیاوریم. ممکن است طرح‌های زیادی را از بین ببریم.

بهشتی: بخش بودجه و طرح‌های مالی را در این سه ماه رسیدگی کنید که اگر سر سه ماه خواستیم رسیدگی کنیم، فقط 3/12 نباشد.

معین فر: ما دولت را مکلف کردیم.

بهشتی: اگر امکان رسیدگی توسط بنی صدر هست، بدهید ببینند.

لایحه 3/12 بودجه تصویب شد.

[موضوع: لایحه زمین:]

مهندس کتیرائی: لایحه‌ای انقلابی در مورد زمین است که مشغول تهیه هستیم. با کارشناسان بحث شد، با علما هم صحبت می‌شود که زمین‌های بایر و موات داخل محدوده شهر را یک مهلت بدهیم که در ظرف مدت معین آباد کنند [و] بسازند. طبق ضوابط، اگر نساختند، آنها را می‌گیریم و به تملک دولت درمی‌آوریم و در اختیار افراد گذاشته می‌شود. (1) مسئله زمین که 50٪ قیمت ساختمان است، (2) مسئله مسکن که لاینحل بوده، تا حدی حل

می‌شوند. در کارهای انقلابی در این موارد دستمان باز است، اثر روانی هم دارد. کارهای ساختمانی که شروع شود، 200 یا 300 مشکل دیگر هم راه می‌افتد، شهرها آباد می‌شوند. نظر شورا در این مورد روشن شود.

بهشتی: پیشنهاد شده روی مال‌الاجاره فکری بکنیم. سوال این است: آیا چنین اقدامی خود به خود در پایین آوردن مال‌الاجاره‌ها کمک می‌کند یا نه [؟] و یا اینکه درباره پایین آوردن مال‌الاجاره، دولت یا شورا موظف است [؟] کتیرائی: شخصاً مطالعه دارم که هر نوع دخالت دولت، نتیجه عکس داده. باید مسئله مسکن را عملی حل کرد. آیا در مبانی شرعی چیزی هست [؟]

بهشتی: تعیین نرخ، مبانی شرعی کلی دارد. دو مسئله مجاور آقا دارند که جالب است. مال‌الاجاره‌ای که هست، باید با توجه به حداکثر مال‌الاجاره [سال] 52 یا 53 تعیین شود، یا جزئی یکجا پایین بیاید. مطهری: اجرا می‌شود کرد.

بهشتی: جنبه شرعی را سوال نکنید. جنبه علم اقتصاد آن را بیان نمایید.

کتیرائی: زمینه مذهبی اگر باشد، قابل مطالعه است.

بنی صدر: کشیدن جمعیت به جاهایی که یکسان باشند.

بهشتی: در سنندج، اتاق، ماهی 700 تومان [است].

باهنز: این لایحه زمین مخصوص محدوده است. خارج محدوده اگر آزاد باشد، شهرک‌سازی مد می‌شود.

کتیرائی: آقایان توجه‌شان به مسائل ضمنی می‌رود. خیلی مسئله دارد. بیش‌تر جهات مذهبی مطرح است.

هادوی: شهرها را باید از هم جدا کرد. [در] تهران تعداد زیادی خانه خالی وجود دارد. جمعیت دهات می‌آید به شهرها.

بهشتی: مرتب فشار می‌آورند راجع به کود شیمیایی...

لایحه دادگاه مطرح شد [و] با تغییرات تصویب شد.

تصویب شد با اکثریت آرا [که] چون آقایان قطب‌زاده و تیمسار مسعودی [و] بنی‌صدر در طول این مدت به کار سپاه انقلاب، رسیدگی کافی نکرده‌اند، عضو جدیدی از شورا برای این کار معین شود. آقای بنی‌صدر اعلام کردند که از این پس حاضرند صبح‌های خود را آزاد کنند. ولی در عین حال، نظر به جهات مختلف ترجیح داده شد که آقای هاشمی‌رفسنجانی بدین کار منصوب شوند و انتصاب ایشان با اکثریت آراء تصویب شد.

لایحه الغاء مقررات مخالف با ماده 1041 قانون مدنی

تصویب شد.

لایحه الغاء ماده 7 قانون متمم سازمان دادگستری

تصویب شد.



جلسه سه‌شنبه 1358/1/14

[حاضران: بهشتی، باهنر، موسوی [اردبیلی]، هاشمی [رفسنجانی]، ایزدی، کتیرائی، مهندس سحابی، شیبانی. بهشتی: تذکری به رادیو. اخبار شایعات مربوط به مملکت منتشر نشود. مخصوصاً در مورد وزرا اگر حرفی هست، قبلاً از وزیر مربوط پرسند.

مهندس سحابی: لایحه وزارت کشاورزی، رسیدگی به غصب مزارع و باغ‌ها و ...

ایزدی: جلوگیری از تجاوز به مزارع و باغ‌ها برای توسعه کشاورزی است.

مهندس سحابی: زمین‌ها را تقسیم کرده‌اند.

شیبانی: تعداد [اعضای] کمیسیون پنج نفر باشد.

بهشتی: [واژه] تبعید، طاغوتی است. تبعید خوب نیست. [به جای آن واژه] توقیف باشد. تاریخ آن را بنویسید باشد، تجاوز در اوج انقلاب (16 بهمن 57) مجازات تبعید یا توقیف باشد.

لایحه با تغییرات ذکر شده، تصویب شد.

لایحه به منظور استفاده از دامپروری ... تاسیس اتاق کشاورزی.

شیبانی: کارهای مربوطه‌اش را انجام بدهند که کار کشاورزی معطل نماند، ولی لایحه‌اش را فوری بیاورند.

مطهری: اسم اتاق را بردارید، اسمی بگذارید که بهتر باشد. شورای کشاورزی بگذارید.

لایحه با اصلاح اتاق به شورا تصویب شد. آئین‌نامه اجرایی آن را برای تصویب بفرستند.

مطهری: گزارش راجع به کردستان.

بهشتی: برای سندج کاری انجام شده.

بنی‌صدر: در رساله آقای خمینی، مطالبی است که سنی را مقابل کافر قرار داده.

[موضوع: وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:]

بهشتی: مسئله پاسداران مطرح است.

هاشمی: برای تشکل فقط اقدام می‌کنم و پنج قسمت شده‌اند: عملیات، آموزش، تدارکات (پول و اسلحه)، ایدئولوژی، اطلاعات. [در] پادگان سعدآباد 350 نفر تحت تعلیم چمران¹ آنجاست. 100 افسر گارد و غیره دارند، باغ‌شاه در اختیارشان است که اسلحه دارد و ماشین. جمشیدیه شریف، خود گروه هفت نفری که گروه مجاهدین انقلاب اسلامی هستند و 400 تا 500 نفر دارند. اختلافات بین غرضی و محمد منتظری بوده که رفع شده. مراجع زیاد دارند. هشتصد نفر فرستاده‌اند برای گنبد که آنجا را منظم کنند. تدارکات آنها، سلطنت آباد، محسن رفیق‌دوست است. ارتش، هواپیما می‌دهد. بودجه ده هزار نفر، سالی 700 میلیون تومان لازم دارد. بقیه پاسداران ذخیره باشند. مخارج را از پول‌هایی که ضبط کرده‌اند، مصرف می‌کنند.

(1) آقای خمینی به شورا بنویسند [که] پاسداران زیر نظر شورا است،

(2) به دولت بنویسند آقای هاشمی مسئول این کار است،

(3) بودجه فعلاً 50 میلیون تومان در نظر بگیرند.

مطهری: فکر یونیفرم کرده‌اند یا نه [؟]

بنی‌صدر: اگر شورا تصویب کرده [و] به دولت ابلاغ شده، درست نیست که عمل نشود.

قطب‌زاده: شماها کردستان بودید. نفر سوم نبود و تردید بود. یک هیات باشد. باید با قاطعیت عمل شود، سه نفر بروند آنجا.

موسوی: در این مرحله که شروع شده، تصمیم را به هم نزنیم. درست نیست.

مرحله اول.

هاشمی: مرحله بعدی، سه نفری بهتر است یا نظیر آن.

1. مصطفی چمران (60-1311)، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، از مؤسسان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مشاور مهندس بازرگان، وزیر دفاع و نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی.

بهشتی: انتصابات شورا باید با دید و پیش‌بینی همراه باشد. نسبت به آقایان حالت حب و بغض وجود دارد. احساس شد با آقای هاشمی می‌توانند توافق کنند.

قطب‌زاده: مسئله هیات بود و شخص مطرح نبود.

بنی‌صدر: در رهبری اهمیت دارد. باید یکی از ما سه نفر می‌گفت، نه از خارج.

مطهری: پیشنهاد من که فراموش شد.

سحابی: پاسداران اهمیت دارد. ارتش، بیش‌تر ظاهر است. ید دولت را کوتاه کردن صحیح نیست. تمام کسانی را که به نحوی به جنبش علاقمند هستند، جمع کنید. دولت برای این کار است که نسبت به همه بی‌نظر باشد. شورا، رهبری از شورا و دولت باشد. امکانات شورا محدود است.

بنی‌صدر: خیال می‌کنید انتقاد جدای از شورا یا دولت است. اگر توانایی داشت، دولت خودش اداره می‌کرد.

بهشتی: شورا دو نقش دارد: یکی رهبری، یکی مقننه. آقای مهندس بازرگان اصرار داشتند که رهبری متعلق به شورا باشد. در عمل هم شورا اقداماتی کرده. روی دولت حساسیت است. به شورا اعتراض‌هایی اگر دارند، به دولت بیش‌تر حساسیت است. مطلب تصویب شده و تمام شده.

بنی‌صدر: تحریکاتی در یکی از چهار جا شده که ما دو نفر را بزنند.

موسوی: تاکید گفته شده‌ها. احساس تضعیف دولت را نداریم.

مطهری: ضمن تقدیر از مهندس سحابی، الان شخص دکتر یزدی، دولت را در دولت است. اگر این کار بشود، آن از بین می‌رود.

مهدوی: پاسداران اگر وضع‌شان مثل وضع قبلی باشد، حتی کمیته‌ها به علت هماهنگ نبودن با ارتش، اینها از ارتش تبعیت نمی‌کنند و ارتش از آنها در بسیج نیروها دچار اشکال می‌شود.

بهشتی: در کردستان و گنبد، ارتش التماس می‌کردند [که] مجاهد بفرستید. تذکر آقای [ی] مهدوی به جاست. برای آینده باید فکری کرد. به دولت دادن [سپاه]، درست نیست.

مهندس سحابی: شورای فرماندهی مرکب از دولت و شورا باشد.

بهشتی: پیشنهاد مهندس سحابی مطرح است.

قطب‌زاده: پیشنهاد به رای گذاشته نشود. هنوز به مرحله فرماندهی عالی نرسیده‌ایم.

مطهری: در شورای فرماندهی، دولت یک نماینده داشته باشد.

مهدوی: ارتش نماینده داشته باشد.

بهشتی: تایید کنیم وضع قبل را تا به جمع و جور کردن برسیم.

موسوی: پیشنهاد ایشان در دستور باشد. بعداً رسیدگی شود.

مهدوی: به آنها گفته شود.

بهشتی: اگر بگوییم، متزلزل می‌شوند.

تصویب شد که [سپاه] زیر نظر شورا باشد.

قطب‌زاده: عتیقه‌ها را اگر صلاح می‌دانید، ضبط شود.

بهشتی: ارزش جدید آنها متعلق به دولت است. باید جلوی‌ش گرفته شود. دولت موظف است 700 هزار تومان

را بدهد و مال را بگیرد. لایحه‌ای [را] دولت تهیه کند برای حفظ عتیقه. نامه‌ای به آقای هاشمی: شورای انقلاب

به آقای هاشمی ماموریت بدهد از طرف شورا، برای سازمان دادن به کارهای پاسداران انقلاب [تا] هرگونه اقدامی

[را که] لازم می‌دانند، به عمل آورند.

جلسه یکشنبه 1358/1/19

[حاضران: بهشتی، باهنر، هاشمی [رفسنجانی]، قطب‌زاده، مسعودی، مبشری، مهدوی، شیبانی، مهندس سبحانی.]

[موضوع: وضعیت اقتدار شورای انقلاب در اداره امور کشور:]

-نسبت به بگیر و ببند زندان و عدم توجه به تذکرات هادوی و غیره ایراد شد.

بهشتی: باید مقداری حریم‌ها مشخص شود. سفر اصفهان نشان داد [که] انقلاب در معرض خطر است. به ستوه آمدن مردم از هرج و مرج، آخوندبازی، توی ده، توی شهر، مثل قبل و بعد رضاخان می‌شود. رهبری ایجاب می‌کند با قاطعیت، نسق و نظمی باشد.

هاشمی: یک گروه بازرس از طرف شورای انقلاب برود که کارش رسیدگی به مسکن در تهران و شهرستان‌ها باشد، به زندان‌ها رسیدگی کند و فوری اقدام کنیم. ده گروه سه نفری، 50 نفر باشد، کار کشوری را می‌شود درست کرد.

بهشتی: شورای انقلاب با وضع کنونی که هست، چگونه ابلاغ بدهد، مهر و امضاء داشته باشد [؟]

شیبانی: راجع به زواره‌ای ...

قطب‌زاده: ایجاد کمیسیون و بررسی جالب است. مشکل اساسی، قدرت اجرایی است. [در مورد] چیزهایی که خراب است، تذکر می‌دهیم، کسی گوش نمی‌کند. وقتی حرف شورای انقلاب را دادگاه گوش نمی‌دهد (بنی‌صدر آمد)، حرف دولت را شورا، و حرف شورا را دولت، حرف آقا را شورا و آقا حرف هیچ کس را گوش نمی‌دهد، با این وضع، نه تحقیق، نه ...

مطهری: از بیت آقا باید شروع شود. اگر نشود، درست نمی‌شود. خمینی که رئیس کاری دارد و مراجعات ایشان، تشکیلات ندارد. صانعی^۱ و توسلی^۲، چون کارها به خودشان مراجعه می‌شود. در خارج، بر کارهایشان مسلط بود،

1. حسن صانعی (متولد 1313) از اعضای دفتر امام خمینی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام.

2. محمدرضا توسلی محلاتی (86-1309) رئیس دفتر امام خمینی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام.

اکنون غرق در کار است. خزعلی^۱ می‌گفت آبروی آقا رفته. شورای انقلاب چقدر بد شد، بدون اینکه متوجه شود که شورا یک طرف قضیه است، قطب‌زاده این اعلان را چرا منتشر کرد [؟]

قطب‌زاده: من نبودم، جنجالی به پا شد.

مطهری: صبح قم بودم. رادیو را مردم گوش می‌کنند. جلو نشرش در روزنامه‌ها گرفته شود.

موسوی: از قم تلفن کرده بودند به بهشتی، به هاشمی، نبودند. بالاخره به من گفت.

مبشری: پریروز فاطمی واعظ گفت اهواز و جنوب نبوده، از علما اجازه دارد، به کمیته پول داده، آبروی کمیته می‌رود.

بهشتی: بخشی را به ثمر برسانیم. چه چیزها برای منظم بودن کار شورا ضرورت دارد [؟] ملتزم به عمل باشیم تا برویم سر نظم منزل خمینی یا جای دیگر.

بنی صدر: ضعف از پایین به بالاست. کاری در جهان [بر] زمین نمی‌ماند. اگر درست انجام نشد، غلط می‌شود. مهندس بازرگان مصاحبه کرده با نوول ابزرواتور، سراسر بد به خمینی [گفته]. شورا ضعیف است، تصمیمات را اجرا نمی‌کند، نظارت هم ندارد. [باید] شورای واقعی بشویم [و] کارهای دیگر را رها کنیم. در نخست‌وزیری 53 نفرند که می‌خواهند ما را بیرون کنند. یکی از وزرا نپرسیدند درد شما چیست. از شیراز تلفن می‌کنند. ریش عده‌ای از علما را تراشیده‌اند [در] آذربایجان.

مهدوی: [در] سنندج، تظاهرات زنده باد شاه کردند.

بنی صدر: نه دولت، نه شورا پیدا نیست. بعضی اعضای شورا اهل تصمیم هستند، بعضی نیستند. مسائل خارج شورا حل می‌شود. با دولت باید قاطع بود. ضعف آن، ضعف اسلام است. تقویت آن بارک الله حکم صادر شده. آقای خلخالی طرف مقابل آن. ضعف دولت است که نظامی حاضر نمی‌شود کار بکند. سفیر سیاسی فرانسه گفت روس‌ها می‌خواستند پایگاه بگیرند، این حکم را تو روزنامه می‌خوانند، غیرنظامی قبول نمی‌کند. آقای وزیر در

1. ابوالقاسم خزعلی (1304-94) از روحانیون انقلابی، نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی، نماینده امام خمینی برای رسیدگی به مسائل استان خوزستان و عضو فقهای شورای نگهبان.

شورا مطرح کند، بعد مصاحبه کند. افکار عمومی می‌بیند رهبری در کشور نیست. راه حل بردیم قم، استعفای ما خدمت شما، دو ماه نمی‌کشد که کار مملکت خراب می‌شود.

2) دولت ملزم به همکاری شود. بین خود وزرا اختلاف است. بگویید چون نداریم، تحمل کنیم درست نیست.

3) آقایان که اطاعت نمی‌کنند [را]، مجازات کنیم. نامه‌ای هم راجع به امیرانتظام است و سوابقش. زواره‌ای، یک میلیون پول رحیمی بوده بین خودش و یارانش تقسیم کرده، کردستان پنج شنبه گذشته باید معلوم می‌شد چه کسی می‌رود. کمونیست‌ها [در] حوزه‌های رای می‌نشینند و با کاغذ ور می‌روند. افراد خیال می‌کنند اسم آنها را می‌نویسند و احدی رای نمی‌دهد. رادیو تلویزیون اعلام کرده عزالدین حسینی رهبر کردستان درست نیست. اول کار آدم در دفتر تبلیغات امام گفته‌ام.

هاشمی: [برای] شورای انقلاب دو جلسه [در هفته] کم است، [باید] سه جلسه [داشته باشد]. پاسداران انقلاب به نحو مطلوب به نفع شورا حل شده. اگر درست رهبری شود، در اختیار ما است. کمیته باز یک سرش (مهدوی) اینجا هستند. زور دست شورا است. اگر دولت حق را عمل بکند، می‌شود وارد عمل شد. وقتی رفته پیش خمینی، دکتر یزدی کارشکنی می‌کرد و یزدی گفته ما هستیم. آقای خمینی گفته‌اند اینطور نیست. طرح داریم. برای راه‌های شهرستانی، بودجه ندارند. معین فر پول دارد. بودجه نداده‌اند.

بهشتی: شورا سازماندهی داخلی بدهد. نیروی قوی ورزیده قابل اعتماد، 10 یا 20 نفر افراد زنده بی‌غرض بروند [در] وزارتخانه‌ها کار را انجام بدهند، بدون اینکه واکنش دیکتاتوری برداشته باشند. تنها نیروی بزرگ مملکت، نیروی روانی است، تقسیم‌بندی داخلی، جلسه.

مهدوی: از اعضای شورا، دو نفر همیشه [و] هر روز مهیا باشند برای رسیدگی به گزارش‌ها.

بهشتی: پنج‌شنبه صبح هم جلسه شورا باشد.

مطهری: کار دولت پاشیده می‌شود.

تصویب شد [که] پنج‌شنبه هم جلسه باشد. سه جلسه در یک جا باشد.

موسوی: ساعت 7/5 صبح بهتر است، ترافیک ندارد.

تصویب شد 7/5 صبح، نظم داخلی، گروه جدی داخلی.

شیبانی: توجه دولت لازم است.

بنی صدر: دبیرخانه برای شورا باشد (هادوی آمد).

مهندس سبحانی: اساسنامه‌ای نوشتیم، هنوز رسیدگی نشده.

بهشتی: اگر در اساسنامه باشد یا نه، راجع به ایجاد دبیرخانه تصمیم بگیریم.

موسوی: مسئول معین شود.

بهشتی: نوشته‌ها مرتب نیست. مصوبات مضبوط باشد. شاید جلسات آنجا هم ثابت باشد. ارجاعات خودمان به دستگاه دولت یا جای دیگر را دبیرخانه انجام می‌دهد. مسافرت‌ها خیلی مهم است. این کارها با خودمان عملی نیست. صالح‌ترین افراد باشد.

بنی صدر: آن هم تبدیل به مقام تصمیم‌گیرنده جدید نشود.

موسوی: [دبیرخانه] کارهای اداری شورا را انجام می‌دهد. رابط ما باشد، درست نیست.

بهشتی: اصل ایجاد دبیرخانه

تصویب شد.

قطب‌زاده: آئین‌نامه داخلی بصورت آئین‌نامه باشد، به اضافه دبیرخانه. جلسه دیگر بیاورند.

سحابی: بخوانید [و] کم و کسری را بگویید.

بهشتی: جلسه پنجشنبه صبح، اساسنامه و همین را بخوانیم و نظر بدهیم، به عمل نزدیک‌تر است، پنج شنبه،

اساسنامه قبلی پیش آقای مطهری است. هاشمی شما بگیرید.

قطب‌زاده: بگیرند و تکثیر کنند از آقای مطهری.

بنی صدر: کمیسیون عرایض اگر ندارد، بنویسید.

هاشمی: از میدان 25 شهریور تا عباس آباد، محل می‌گردم، پیدا می‌کنم.

مهدوی: مجلس شورا [به عنوان محل شورای انقلاب] چگونه است [؟]

بهشتی: شورا حد مخفی بودن یا نه [؟] همین باشد یا نه [؟]

بنی صدر: چه مخفی [؟] خیلی ها [اعضا را] می شناسند.

موسوی: صورتی را که داده اند، درست نیست. نمی دانند.

بهشتی: در رابطه اساسنامه، رابطه بین ما و آقای خمینی و دولت روشن می شود. برحسب تجربه، آقای خمینی ترجیح می دهد در درجه اول، کار را به یکی یا دو تا از ما ارجاع می دهند. اصل فکر در ایشان هست. سامان دادن و برآوردگی باید باشد. دولت و شورا کارآیی مناسب ندارند.

[موضوع: وضعیت دادگاه های انقلاب:]

هاشمی: اعتراض ایشان [امام] این بود که در عرض سه هفته کار دادگاه روشن نشد.

مطهری: اینطور نیست. آقا خودشان دستور دادند، احکام شهرستان باید بیاید اینجا. آقای زواره ای عده ای را فرستادند که اگر آقای خلخالی نیاید... آقای جنتی تلفن کرده [که] آئین نامه چه شد [؟] گفتم شورا تصویب می کند. به جنتی گفتم مسلح های بالا سر شما، شما را مجبور کرده اند حکم بدهید.

بهشتی: بحث تمام. آئین نامه را می بریم پیش آقای خمینی.

هادوی: به من گفتند آئین نامه مطرح است، آمدم. دیروز ظهر رفتم زندان. آقای انواری¹ گفتند چرا عده ای بی گناه را نگه داشته اید [و] آزاد نمی کنید [؟] کوشش کرده بودیم [تا] یک دادگاه در سطح بین المللی برای هویدا تشکیل شود، یک دفعه او را اعدام کردند². آنقدر ناراحت شدم که تصمیم به استعفا گرفتم. ولی دیدم استعفای من سبب صدمه زدن به مبارزه می شود. مرا عزل کنند. من که از بین می روم، ولی مبارزه نجات پیدا کند.

1. محمدباقر محی الدین انواری (91-1305) از اعضای شورای روحانیت هیأت های مولفه اسلامی و از روحانیون انقلابی، نماینده امام خمینی برای تنظیم امور اصناف، نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی و نماینده امام خمینی در ژاندارمری و نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی.

2. ماجرای محاکمه و اعدام امیرعباس هویدا، نخست وزیر سیزده ساله حکومت پهلوی دوم، یکی از جنجالی ترین رخداد های ماه های ابتدای انقلاب بود؛ چالشی که اکنون نیز پس از گذشت بیش از چهل سال از آن، همچنان محل بحث و مجادله باقی مانده است. با آغاز محاکمه و اعدام عناصر موثر در رژیم شاه از اواخر بهمن 57، نگاه ها متوجه سرانجام پرونده شخصی بود که در ظاهر بیشترین

نقش را در تحولات سال‌های پایانی حکومت پهلوی ایفا نموده و در مقطع انقلاب و سقوط نظام شاهنشاهی، برخلاف اخلاف و اسلاف خود، ماندن در ایران را به خروج از کشور ترجیح داده بود. اواخر اسفند 57، فرایند بازپرسی از هویدا آغاز شد. در بازپرسی هویدا گفت من آلت دستی بودم که صرفاً فرامین شفاهی و کتبی شاه سابق را پیاده و اجرا می‌کردم (اطلاعات، 1357/12/23، ص 2). بلافاصله پس از بازپرسی، محاکمه علنی هویدا آغاز می‌شود. در کیفرخواست وی، اتهاماتی نظیر شرکت مستقیم در فعالیت‌های جاسوسی به نفع صهیونیسم و غرب و فعالیت مستقیم در قاچاق هروئین در فرانسه با همدستی حسنعلی منصور [نخست‌وزیر پیشین و مقتول] ذکر گردیده بود. هویدا در دفاعیات اولیه خود با متوجه نمودن کلیه اتهامات به شخص شاه، گفت: شاه سابق، ساواک، ارتش و سیاست خارجی را مستقیماً تحت سلطه خود داشت (کیهان، 1357/12/24، ص آخر). در ادامه دادرسی، رئیس دادگاه خطاب به هویدا گفت: شما از اتهامات خود طفره می‌روید. اما هویدا در پاسخ گفته بود: در سیستمی که وجود داشت، همه مقصر بودند (اطلاعات، 1357/12/26، ص 5). از این طریق تلاش هویدا معطوف به مبرا نمودن خود از سیاست‌ها و اقدامات حکومت پهلوی بود. با این وجود، در کیفرخواست صادره، از دادگاه برای هویدا تقاضای اعدام شده بود (اطلاعات، 1357/12/24، ص 2). در همین ایام، چنانکه در پانویس‌های قبلی اشاره شد، با تصمیم شورا و فرمان امام خمینی، کلیه محاکمات دادگاه مرکزی انقلاب متوقف گردید تا روال جدید با تصویب آئین‌نامه نوین محاکمات، زیر نظر شورای انقلاب و دولت، پی گرفته شود (کیهان، 1357/12/26، ص 4). دلیل عمده این تصمیم، مخالفت‌هایی بود که از جوانب گوناگون به نحوه محاکمات و اعدام‌ها و عملکرد شخص صادق خلخالی، حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب، صورت می‌گرفت. در عین حال، برخی اعضای برجسته شورای انقلاب، علیرغم مخالفت با نحوه محاکمات در جلسات غیرعلنی شورا، در مصاحبه‌های عمومی با روال کار دادگاه‌ها همدلی خود را بروز می‌دادند. برای نمونه، آیت‌اله طالقانی در این زمینه با دفاع از مجموعه اعدام‌های صورت گرفته ابراز داشت: آنهایی که اعدام شدند، قبل از انقلاب برای یک جزوه و کتاب حکم اعدام صادر می‌کردند. وی افزود: اگر می‌خواستیم مانند سایر کشورهای انقلابی عمل کنیم، باید روزی صد نفر را اعدام می‌کردیم (کیهان، 1357/12/26، ص 3). مهندس بازرگان نیز مشخصاً درباره وضعیت هویدا، وی را به خاطر تمامی جریانهای 13 ساله صدارتش، گناهکار دانست (کیهان، 1358/1/11، ص 8). امام خمینی هم اعلام کرد: دژخیمان رژیم پهلوی باید همان روز اول کشته می‌شدند. امام با انتقاد از حامیان حقوق بشر گفت: من انتظار داشتم طرفداران حقوق بشر به ما اعتراض کنند که چرا دژخیمان را نکشته‌ایم. وی تأکید کرد مجرم محاکمه ندارد و باید کشته شود (کیهان، 1358/1/14، ص 3 و 5).

نیمه فروردین 58 به صورت رسمی، آئین‌نامه دستگیری و محاکمه جنایتکاران رژیم سابق اعلام شد. بر این اساس، اقدام‌کنندگان به قتل، شکنجه، حبس، دزدان بیت‌المال، فعالین برای تحکیم نفوذ بیگانگان و رژیم پهلوی در دادگاه‌های انقلاب محاکمه خواهند شد و مجازات‌ها نیز در حدود شرع اسلام، و شامل اعدام، قصاص، حبس، تبعید و ضبط اموال می‌شود (کیهان، 1358/1/16، ص 3). 18 فروردین 58 جلسه محاکمه و اعدام نابهنگام هویدا توأمان برگزار می‌شود. در این جلسه، هویدا اعلام کرد به خاطر مصالح مملکت از خود دفاع نمی‌کند (اطلاعات، 1358/1/19، ص 2). وی همچنین گفت شعورم اجازه نمی‌داد که جز ادامه روش نخست‌وزیران قبلی کاری بکنم و شاه سابق را مقامی غیرمسئول بشناسم (کیهان، 1358/1/19، ص 2 و 3 و 6 و آخر). در پایان کار دادگاه، هویدا در محوطه محل برگزاری دادگاه، با اصابت چند تیر از پای درآمد. نحوه اعدام هویدا انتقادات بسیاری را متوجه خلخالی کرد که نمونه آن در مذاکرات فوق در شورای انقلاب قابل ملاحظه است.

قطب‌زاده: [محاكمه هويدا] سه ساعت طول كشيد. در را بسته‌اند، جابجا كشته‌اند. يك ساعت بعد توي دادگاه حكم را مي‌خوانند. مخبر ما با تلفن گفت تمام شد، بطور مسخره.

مطهري: وضع زندان، گروه‌هاي مختلف و گرايش‌هاي مختلف، صرفاً مجاهدين هستند. نسخه بازپرسى را خودشان مي‌برند [و] تابع احدي نيستند.

هاشمي: گروه سيمي كه 14 نفر هستند، نماينده كرده‌اند در كميته‌ها. بازداشت شهري مثل تهران را داده‌اند دست گروهى كه صلاحيت ندارند.

هادوي: افرادى از من خواستند. اينها كسانى هستند كه مامور حضور هستند.

هاشمي: اينها حكم توفيق [توقيف] مي‌دهند، خودشان هم مي‌روند.

مهدوي: اطلاع من پيش‌تر است. كسى كه آمده در كميته مركزي، جوانى است كه حرف خودش را نمى‌تواند بزند. نه اطلاع از سوابق دارد، نه آئين‌نامه را مى‌داند. بعد مى‌گويد اين بازداشت شده را بدهيد بازجويى كنم.

هاشمي: چند بازداشتگاه است.

موسوي: افرادى را كه معرفى كرده‌اند، ناصالح هستند.

با اين وجود، نزد افكار عمومي چهره‌ها و گروه‌هايى بودند كه از اعدام هويدا اظهار خرسندى و دفاع مى‌كردند. چريك‌هاي فدايي خلق از اين دسته بودند كه اعدام هويدا را اقدامى انقلابى معرفى مى‌نمودند (اطلاعات، 1358/1/20، ص 8). آنان به صورت كلي بر اين باور بودند كه اعدام مقامات رژيم سابق، امرى كاملاً لازم است (كيهان، 1358/1/23، ص 3). مهندس بازرگان، عليرغم شكايه پنهانى از روند محاكمه و اعدام هويدا، در مصاحبه‌اي اعدام هويدا را تأييد كرد. وي افزود اين حكم مورد تأييد دادگاه‌هاي انقلاب اسلامى بوده است. وي در دفاع از اين حكم پرسيد: بايد چه كار مى‌كرديم؟ آيا بايد از آقاى هويدا تجليل مى‌كرديم؟ (اطلاعات، 1358/1/23، ص 8). دكتور ابراهيم يزدي، معاون بازرگان چهره ديگرى بود كه در دفاع كلي از اعدام‌ها اظهار داشت: غربى‌ها به اعمال اعدام‌شدگان توجهى ندارند (كيهان، 1358/1/25، ص 8).

بعدها خلخالى مدعى شد هويدا براى نجات خود يك ميليون تومان رشوه پيشنهاده كرده بود (كيهان، 1358/2/23، ص 1). همچنين وي چندي بعد اذعان كرد هويدا را او با اسلحه‌اي كه خود هويدا به دست خلخالى داد، اعدام كرد (كيهان، 1358/10/20، ص 10). در حقيقت، خلخالى اقرار كرده بود كه خود رأساً مسئوليت قتل هويدا را برعهده دارد. علاوه بر اين، مدتي بعد، خلخالى در پاسخ به بازرگان درباره شرايط روز محاكمه و اعدام هويدا گفت: روز اجراى حكم، تلفن‌ها را قطع كردم تا خبرش به بيرون درز نكند و هلى كوپتر بازرگان به كار نيافتد تا در عرض نيم ساعت نقشه اعدام توسط نخست‌وزير ختلى شود (كيهان، 1358/11/21، ص 3). در واقع خلخالى تلاش داشت تا مانع از ابتكارات بازرگان براى جلوگيرى از اعدام هويدا شود و در اين راستا موفق نيز شد.

هاشمی: شکنجه می دهند.

بهشتی: سوال: انتخاب افراد بر چه اساس است [؟] جوان مسلمان معتقد به امام، آقای سید رضا برقی¹ معرفی کرده.

مهدوی: قاضی باشد.

هاشمی: برقی اطلاعی در این زمینه ندارد. افشار را گفته اند [که] جلو ادرارش را گرفته اند، بعد از چند روز شکنجه، فرستاده اند زندان قصر. رفیق دوست در سلطنت آباد.

مهدوی: آقای مطهری تلفن کردند، تاجری [را] به نام مرعشی در سلطنت آباد خواستند بگیرند، دو سه نفر از منطقه سه آمده اند از ما اجازه خواستند. با وجودی که اجازه ندادیم، رفتند، ما درگیری نکردیم. آقای توکلی گفت.

هادوی: نوشتم شب نروند، مگر فوری باشد. دادستان بنویسد.

مطهری: دیروز آمدند [و] آن آدم را بردند در خانه اش تفتیش کردند، حجره اش را هم رفتند، چیزی گیر نیاوردند.

هادوی: اگر افراد مصلحت نیست، برداریم.

بهشتی: گله است. مشاور شما در امور انقلاب، برقی است. شما در امور مملکت با کسانی مشورت کنید که وارد باشند.

هاشمی: حکمی است دست کمیته ها که تمام نمایندگان مجلس [شورای ملی شاهنشاهی] را بازداشت کنند. بعضی نماینده ها گفتند اگر با ما کاری دارند بیایند. ایشان می گویند من نکرده ام، زواره ای کرده.

مهندس سبحانی: اشکال اساسی زواره ای [این است که] حاکمیت مطلق دارد. خود آقای هادوی نقش دارند. ایشان معاون هادوی است. موسوی از قضات پایه ده است. یک پرونده لواط را ارجاع می کند به او. این موسوی، فخر مدرس را بازپرسی کرده و او درمانده است. پرونده های مهم، دست ماموران زواره ای است. بیست نفر قاضی سابقه دار صالح، آنجا عاطل هستند. آخرین نفر، نبوی است. زواره ای اظهار عدم اعتماد به آنها می کند. امر انتظامی با امر قضایی تداخل دارد. پرونده در زندان است و در دسترس بازپرس نیست.

1. سیدرضا برقی مدرس (94-1327) از روحانیون انقلابی و از اعضای دفتر امام خمینی در نجف و نماینده امام در کشورهای حاشیه خلیج فارس.

مطهری: کسی ابلاغ صادر کرده [؟]

مهندس سبحانی: ابلاغ [را] آقا داده و [در] ابلاغ اخیر هادوی، زواره‌ای کوشش کرده.

هادوی باشد، زواره‌ای تا خطری دارد می‌روم قم.

شیبانی: ...

هادوی: روز اول دیدم آقای زواره‌ای در همه کارها دخالت می‌کند. آقا گفته‌اند کارها هم با تصویب اینها باشد.

هاشمی: شما اجازه توقیف به ایشان دادید.

هادوی: عده‌ای گفتند علت آن است که زواره‌ای اختیار ندارد. وقتی دادم روزی 40 تا 50 نفر می‌آورند، روزی یک نفر آزاد می‌شود.

هاشمی: اکثر، مربوط به خودشان است.

هادوی: چون آقا گفتند با مشورت اینها کار بکن.

قطب‌زاده: چهار نفر معاون معین کنید.

هادوی: آبرو حیثیت من اشکال ندارد، ولی به دین و مملکت مربوط است. مرا عزل کنید، برای نهضت بهتر است.

هاشمی: عزل شما سبب تثبیت زواره‌ای است.

بنی صدر: مورد هویدا را امریکایی‌ها می‌خواستند هرچه زودتر سر به نیست شود. به آقا گفتم مانع کشتن او شوید.

گفتند باید دادگاه علنی باشد. دیروز خواستند پرونده‌های او را بگیرند، گفتند یزدی نداده. شب شنیدم اعلام شده

دیشب بمب گذاشتند در جردن چندین نفر کشته شدند. چون ما تمام روش‌های رژیم سابق را قبول داریم، حالا

معلوم شده هر کس زور دارد، می‌برد. با محاکمات قلابی، ثبات انقلاب را به هم می‌زنیم. کم‌ترین کار این است

[که] دستور باید داد پاسداران انقلاب، زندان را محاصره و اعضای دادگاه را محاکمه و رسیدگی شدید شود. پول

از زندانیان می‌گیرد، پاسداران را از ورامین آورده، با ناموس زندانیان بازی می‌کند.

یزدی: مطلق به من ارتباط ندارد. اسناد محرمانه نخست‌وزیر را در اختیار پنج نفر یا سه نفر گذاشته‌اند، استخراج می‌کردند اسناد را. اسناد نیاوران را که لاک و مهر شده، فرستاد آنجا، داشتند به این اسناد رسیدگی می‌کردند. مطلقاً در جریان کار نبودند، عده‌ای را با گلوله می‌کشند، عده‌ای را ترور شخصیت می‌کنند.

مبشری: یک قاضی که سابقه خوب نداشت، دیدم دادستان انقلاب شده، بهترین قضات را دارم به زندان (دکتر سامی^۱، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، یزدی آمده‌اند). تا آئین‌نامه را نوشتیم، رفتند قم، آئین‌نامه را بصورت فعلی درآوردند.

بهشتی: جلسات ما شده گله‌گذاری. گله از خود ما است در این مملکت (کتیرائی آمد).

طالقانی: بازجوها آمده‌اند و عده‌ای می‌گویند یا باید هادوی برود، دادگاه‌ها به سرعت کار بکنند و زود حکم بکنند و آلا ما خواهیم رفت همه آنها را اعدام می‌کنیم. آنها که آمده‌اند پیش من، خوب هستند، ولی بازجویی بلد نیستند. قطب‌زاده: زواره‌ای را عزل کنید و در حکمش بنویسید که هرگونه اخلال در زندان بشود، او مسئول است.

بهشتی: تدبیر و قاطعیت باید به کار برد، سه کار باید کرد: 1) تعیین گروه دو سه نفری از افرادی که کار آقای هادوی و زواره‌ای را با کارآیی بیش‌تر به عهده بگیرند. قبول کنیم [که] جناب آقای هادوی با احترامی که برایشان داریم، تدبیر برای حل مشکل نداشتند. زواره‌ای همین است که بود. کسی می‌تواند به جای دیگری و با دیگری کار کند. جناب هادوی می‌گوید مرا عزل کنید، ولی رفتن جنابعالی دردی دوا نمی‌کند. به جای هادوی یک نفر و به جای زواره‌ای کس دیگر. 2) چاره نداریم [که] اثر روانی و روحی آن را خنثی کنیم. جناب آقای طالقانی آثار سم‌پاشی را از پیش جلوگیری کند. پاسداران زندان جمع باشند، مطلبی که با مشورت دوستان تهیه کردند، برای آنها بگویند. جمعی باشند تا سخن معلوم شود [که] از جمع است. فرق دارد کاری را آقای طالقانی بکنند تا من [آن را انجام دهم]. تغییر با زور نباشد. با آماده کردن زمینه روحی، آقای طالقانی مناسب‌تر، بلکه مناسب‌ترین است. در این زمینه توافق قطعی و کتبی ایشان در دست باشد. استخوان لای زخم نباشد.

شیبانی: این جمع برود پیش آقا [و] تصمیم بگیرد.

1. کاظم سامی (67-1313) رهبر جنبش انقلابی مردم ایران (جاما) و وزیر بهداری دولت موقت، نامزد انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری و نماینده مجلس اول شورای اسلامی.

مهندس سحابی: تغییر بدون توسل [به] مامورین میسر نیست. 1) قبلاً یک سری پاسدار، مامور تدارک شود. 2) پاسداران داخل زندان یک دسته نیستند، چهار دسته است (عراقی گفت) اول دسته‌ای با زواره‌ای، دوم دسته‌ای با هادوی که ضعیف‌ترین آنهاست، سوم یک دسته مجاهدین [خلق]، چهارم یک دسته که طرف مشخصی ندارند. عراقی می‌گفت این زندان در سابق که 1500 زندانی سیاسی داشت، 1500 نفر هم مامور داشت، حالا 1500 زندانی و 150 مامور دارد. زندان در خطر فرار و یا حمله است و دو ساعت بیش‌تر فشنگ ندارد.

قطب‌زاده: خلخالی متن آئین‌نامه تغییر پیدا کرده را آورد تلویزیون، و گفت باید بخوانید. به دستور آقای خلخالی خوانده شده.

بهشتی: نابسامانی وجود دارد خلاصه.

مهندس سحابی: خلخالی شک داره من یک جا تنها قاضی شرع هستم. کی جرات دارم حتی زواره‌ای جلو او استاد می‌خواست بعدازظهر پنجشنبه، تکلیف قاضی شرع معلوم بشود.

مبشری: هادوی رئیس دادگاه انتظامی هستند با این ترتیب.

قطب‌زاده: مبشری بشود دادستان.

مهندس سحابی: هادوی باشد، احمدیان بشود معاون ایشان و دادستان انقلاب تهران.

بهشتی: آقای هادوی باشند سازمان و ارتباط سیستم جدید، احمدیان معاون ایشان، آقای زواره‌ای چه شود [؟]

هاشمی: نماینده دادستان از قضات در کمیته‌ها باشد. احکام موجود لغو شود.

بهشتی: در دادسرا زواره‌ای اصلاح یا حذف، یکی هم خلخالی.

هاشمی: خلخالی را ما برمی‌گردانیم [تا] زواره‌ای را به شدت محدود کند.

هادوی: تا آنجا هست، نمی‌شود.

مهندس سحابی: زواره‌ای با انحصار اطلاعات به خودش و دارودسته‌اش، یک مدت زیادی باید حرف اطلاعات کرد. آن وقت سروصدای کندی دادگاه مطرح می‌شود. او اطلاعات را توی پرونده‌ها نگذاشته.

هادوی: اطلاعات را در پرونده نمی‌گذارد.

یزدی: اشکالات چهار مرحله دارد: 1) بازداشت، 2) چگونگی جلب، 3) کلیه احکام جلب لغو شود. افراد فاقد صلاحیت روی جلب، قانونیت پیدا کرده‌اند. رفتند گنبد کاووس، هرچه نمایندگان دولت و طالقانی گفتند [که] دخالت نکنید، گفتند به شما ربطی ندارد.

هادوی: صدر حاج‌سیدجوادی گفتند، گفتم خودش می‌آید صحبت کند، ایشان تایید کردند.

موسوی: آقای بنی‌صدر گفته نرود.

یزدی: در نوشته‌ای مضمول دادگاه را تعیین کنید، افراد جلب شدنی را معین کنید.

هادوی: از نظر عملی درست نیست. به تدریج اعلام می‌شود. ما لیست نداریم. اشخاص اگر نیروی مجهز درست و حسابی باشد، استفاده می‌شود.

هاشمی: هست.

هادوی: دوم، تصفیه بازپرسی گروه زواره‌ای نباید ناگهانی باشد. اول زواره‌ای کنار خلخال را هاشمی.

یزدی: آقا گفتند شما، بعد دولت گفت مسئولیت ندارد، آقا گفتند به شما با آنها مشورت کنند.

هادوی: شما از مقدمات مستحضر نبودید. عده‌ای را معرفی کردند، خودشان زواره‌ای، نراقی و یکی دیگر. آقا بطور در بسته گفتند با نظر این هیات.

طالقانی: زواره‌ای آدم حاد و تند است، ولی ایشان [هادوی] را کسی قبول ندارد. می‌گوید هادوی آدم خوب، ولی به درد دادگاه انقلاب نمی‌خورد.

هادوی: من آماده‌ام.

بهشتی: چه کسی [؟] نسبت به بی‌هوایی شما (هادوی) کسی حرفی ندارد.

بنی‌صدر: مرتب خلخال و زواره‌ای، درس به ما داده، برویم زندان، آقایان را کت ببندیم، به دنیا اعلام کنیم.

بهشتی: چه کسی [را] جای آنها بگذاریم [؟]

بنی‌صدر: سلب اعتقاد به عدالت اسلامی شده. این کسانی که این احکام را صادر کردند، محاکمه کنید.

دکتر سبحانی: چون مطلب کلی است، می‌گذرم.

بنی صدر: خودتان که می‌گویید اسلامی نبوده، بکنید.

بهشتی: فرد جانشین اینها را انتخاب بکنید تا با قاطعیت عمل شود.

بنی صدر: برویم پیش آقا [و] اعلام کنیم [که] شورا با این محاکمات مخالف است.

بهشتی: با هیات دولت قرار بود یکشنبه، آماده لوايح باشد، تمام وقت فارغ البال، [و] دو روز دیگر برای خودمان [باشد]. با توجه به کمی وقت آقایان کارمان را انجام دهیم.

بازرگان: برای لوايح نیامده‌ایم. روی صحبت آقای هاشمی و بعد از ظهر آقای مطهری آمدیم هیات وزرا چون متوقف شده بود کار، چون دادگاه انقلاب مطرح است به اینجا آمدیم.
بهشتی: ما تایید می‌کنیم.

سامی: با شنیدن مطالب مطرح شده، به این نتیجه می‌رسیم [که] در انتخاب زواره‌ای، شخص آقای خمینی مسئول است. راجع به آئین‌نامه کمیته انقلاب شدیداً معترض هستیم، هم من (معین فر آمد)، خود خمینی رهبر انقلاب بر مبنای آن دستورات ایشان متبع اشکال در اصل است. 1) آقای خمینی اگر در انتخاب او دخالت داشته، الان خود ایشان باید [او را] بردارند. برویم گزارش بدهیم. اگر باز آقای خمینی از چنین کسی حمایت کردند [...] عین این مسئله راجع به آئین‌نامه است. تمام دادگاه‌ها متوقف، زواره‌ای برکنار [شود] تا تعیین آئین‌نامه جدید... شما دستگاه رهبری کننده هستید. چه مشکل دیگری است [؟]
مطهری: از خانه آقای خمینی درست شود.

بهشتی: کسانی هستیم از نظر این نوع اندیشه مشابه [یکدیگر]. یک نقص ارائه طریق و راه حل عملی بدهیم. عمل کنیم. با احساس [و] بدون تدبیر نباشد.

سامی: در بین بحث صحبت کنید تا میانی را درست کنید. اگر مشخص شد، آقای خمینی رهبر انقلاب چه می‌کند، چه وظایف دارند، شورا چه وظیفه‌ای، دقیقاً خطش کجاست، هیات دولت چه باید بکند [؟]

بهشتی: این بحث در جلسه پنجشنبه مطرح می‌شود. بعضی گفتند زواره‌ای یک دفعه می‌شود برود، طالقانی گفتند هادوی نمی‌تواند، خود هادوی هم می‌گوید.

موسوی: پیشنهاد من راه حل قطعی نیست، ضامن اجرا ندارد، راه حل مرحله‌ای فعلاً باشد، بعد راه حل قطعی.
1) بدون مراجعه [به] آقا، مامورهای آنجا را یکنواخت بکنیم. از پاسداران یک جا مامور بیاید. در موازات این کار، احکام آقا هم لغو شود. گرفتاری افراد به دستور ایشان (هادوی) باشد. با خود زواره‌ای مذاکره شود. در عرض چهار پنج روز، کار مقداری آرام شود.

شیبانی: الان ممکن است دو تا را اعدام کنند.

دکتر سبحانی: عرض کلی است، ناچاریم بگوییم. دکتر مبشری مطالبی گفتند که ما ناچاریم استعفا کنیم، ولی چون مشکلی را حل نمی‌کند، ما خودمان را بی‌چاره می‌بینیم. هرچه نیرو هست صرف می‌شود [و] به جایی نمی‌رسد. پیشنهاد شد جمع هیات دولت خدمت آقایان بیاید، با هم مشکل را مطرح کنیم. اینکه می‌فرمایند جناب مطهری [که] مربوط به خمینی است، شورا و هیات دولت که مدیر مملکت هستند، باید برویم پیش آقا، صریحاً بنشینیم و اساس کار را درست کنیم. آقای خمینی بدانند باید تحولی انجام شود، تمام دادگاه‌ها لغو شود، کار اساسی بشود. دولت منبعث ایشان است، باید کار بکند، [اما] به چه وسیله [؟] یک رئیس شهربانی که مامور می‌گذارد، بلافاصله او را می‌گیرند. ما وضع خاصی داریم. دنیا علیه ایران مجهز شده. چهار ماه قبل دنیا له ایران بود. فراری‌ها با تمام پول‌هایی که برده‌اند، مجهز شده‌اند. این آئین‌نامه که منتشر شد، در دنیا سابقه ندارد. برای مقابله با اسلام، آنها را مجهز می‌کند، صلیبی‌ها را مجهز می‌کند. ما داریم اسلام را فدا می‌کنیم. وضع صحبت به درازا کشید. [به] عمق مطلب توجه شود. وضع ما مشکل است. زواره‌ای بسیار بد کار می‌کند. ولی این مسئله کوچکی دست هیات دولت است، ماستمالی می‌کند، خمینی می‌کند، اینها همه محرم هستند.

مطهری: جزئی حتی این مقدار گفته شود.

بهشتی: سبحانی.

مهندس بازرگان: در اینکه وضع بد است، شک نیست. باید عرض شود گرچه طول می‌کشد، جای زواره‌ای کسی پیدا شود که این را ادامه دهد. اول باید رفت پیش آقا، بعد هم ایشان انجام دهند، زواره‌ای برکنار [شود]. برویم خدمت ایشان، دادگاه حکم توقف بدهد، افراد معزول یک عده پاسدار باشد، زندانیان را نگه دارد تا آئین‌نامه تجدیدنظر شود بر طبق آن.

دکتر سبحانی: خلخالی را باید رسیدگی کرد.

بهشتی: آیا ما در مقام رهبری این مبارزه و مملکت، به اینجا نباید توجه کنیم [؟] گفتند دادگاه‌ها را راکد کردند. آقا گفتند دو روزه آئین‌نامه بدهید. امروز اگر متوقف شود، یعنی مملکت رهبری ندارد.

بنی‌صدر: دکتر سحابی درست گفتند.

بهشتی: چه دولت، چه شورا، و چه هر فرد خارج، تا جانشین اصلح معین نکنید، درست نیست. چیزی را تصویب کردید [که] هم حق [داشتن] دو وکیل، [و] هم مدت را برداشته بودند.

هاشمی: ایراد به این نبود.

بهشتی: سرعت و قاطعیت، نه در شورا، نه دولت، و نه در دادگاه‌ها نیست. زمان تاخیر نیست. استاندار اصفهان گله داشت. بپذیریم کار درست انجام نمی‌شود. در مسائل کردستان، برای آنجا چه کار شده [؟]

خامنه‌ای: در بلوچستان چه کرده‌ایم [؟] آقایان جدا از شورا بنشینند، پیش آقای خمینی با دست پر برویم.

مهندس بازرگان: هلی‌کوپتر ساعت نیم بعد از ظهر می‌آید اینجا.

مطهری: الان آقای خمینی متهم می‌شود. عزل و نصب دادستان و غیره با نظر شورا باشد.

بهشتی: مسئله کل مملکت است. در اصفهان اینطور بود، تا چه رسد به جای دیگر. چندین میلیون نفر در کشور نان شب خوردن ندارند، اینها به نیروی ضد انقلابی تبدیل می‌شوند. کارگران بیکار، دو سه ماه پول نگرفته‌اند. در مسجد سلیمان هست. شورا و دولت با هم همه طرح ضربتی تهیه کنند که چطور نیازمندی روزانه مردم را تامین کنیم.

معین‌فر: دولت امکان مالی مفت دادن ندارد. باید کسانی [را] که به آنها کمک می‌کند، بشناسد. از طرف عده‌ای از روحانیون حساب باز شود و استمداد شود. ممکن است برای جمع نشود. اگر شد، محل دولتی مثلاً از طریق اوقاف به صندوق ریخته شود [و] پخش شود.

بنی‌صدر: روز جمعه عده‌ای آمدند [و گفتند] که ما در وزارت کار، کار می‌کنیم [ولی] کارمند نیستیم. اینها را به کار بگیرند. پر کردن چاله چوله تهران، بزرگراه قزوین و...

دکتر سامی: بحث اساسی را دنبال کنید.

بهشتی: تا چه حد مردم از ما حرف می‌شنوند [؟]

هاشمی: احساس کرده بودیم. دو سه رشته شروع کردیم. راه‌های روشنایی است که خیلی کارگر بیکار را مشغول می‌کند. مهندس طاهری گفت منتظر بودجه هستیم. دوم [اینکه] آقا اعلام کنند در شهرستانها گروهی به وجود آید با یک روحانی از زمین‌های سازمان مسکن [تا] ساختمان برای مستضعفین بشود. اولین نقطه در قم شروع شد. سوم [هم اینکه] وزیر مسکن است که طرح دارد، بانک کارگشایی طرحی داده با 12 میلیارد ریال می‌آید به کمک این طرح‌ها.

طالقانی: موضوع دو سه بُعد دارد [:] یکی در اثر کارخانه‌های فلج شده، یک عده رفقای ما پروژه‌های منظم می‌دهند، درازمدت است، تعدادی [از] بیکارها [و] ولگردها را به ده برگردانیم، دهات را شروع به آبادانی کنیم، اراضی موات را آباد کنیم و افراد را به آنجاها بکشیم. اطراف تهران، اطراف کرج، راه‌سازی هم بشود.

بهشتی: مسئله بیکاری و فقر طغیان [به] دنبال آن است، [باید] به هر کیفیت شده، رفع کنیم.

مهندس بازرگان: از اسفند پیش‌بینی می‌شد، شقوق مختلف دارد. هم در ادارات مربوط به شهرداری، فکر کردند چندین جلسه مطرح شده. دیشب ساعت یازده مقاطعه‌کارهای وزارت راه، منزل امیرانتظام بودند [و] دنبال راه‌حل. اینها بیش از پول، از دولت حمایت می‌خواهند. یکی صندوق وام است، از همان محل، پنج میلیون تومان دارد. راجع به قالیبافی تبریز [و] اصفهان، دیشب مصحف تلفن کرد [که] نوری رئیس اداره کار را فوری بفرستید. اصل قضیه اصرار آقا این بود، آگهی بدهید. 600 میلیون تومان سازمان برنامه به مقاطعه‌کارها داد، 1/5 میلیارد برای بعد از عید، چندین کار را راه انداخته‌اند. چند مقاطعه‌کار شرق ایران، پول نگرفته کارشان را راه انداخته‌اند، اینها 1/5 میلیون نفر را [دربر] می‌گیرد. موضوع فارغ التحصیل‌ها، فاحشه‌ها، آنها که به خرج دولت درس خوانده‌اند. پول نداریم. گداپروری درست نیست. دستگاه دولت سه برابر کارمند دارد.

دکتر سامی: مسئله بیکاری، راه انداختن صنایع کشاورزی، راه‌سازی، با تزریق پول دادن، همه کارها با هم باشد.

هاشمی: بنی صدر و دکتر سامی در سخنرانی‌هایشان مقید باشند. مطالبی را که منابع کار را می‌ترساند، نگویند. وزیر مسئول اگر بگوید، سیاست دولت تلقی می‌شود. بنی صدر هم چون به آقای خمینی مربوطند.

بهشتی: هم دکتر سامی [و] هم بعضی دوستان، برداشت‌شان خلاف عرض من است. باید اقتصاد فعال باشد. حتی در کشورهای سوسیالیستی، پول بیکاری می‌دهند. تلاش کنید کار باشد وگرنه چه کند [؟]

مهندس بازرگان: دو میلیون تومان برای کفعمی، دو میلیون برای کردستان و خوزستان.

بهشتی: امکانات اندازه ندارد. ده شهر جنوب در فلان استان از طریق آقایان اقدام شود.

طالقانی: قرض الحسنه باشد.

بحث اصلی [:] دادگاه، تنظیم روابط دولت [و] شورا [و] آقا.

بنی صدر: پیشنهادات مسلم و قاطع. دادگاه‌ها اگر صحیح است داد و قال نکنیم. دادستان ایراد دارد.

مبشری: دادستان کل هادوی، کریمی پور، مهر علی، امیرحسینی، موسوی هم معاون یکی از اینها.

یزدی: امیر حسینی خوب نیست.

بهشتی: آقا گفته‌اند مجرمان را بکشید.

بنی صدر: آقا گفته‌اند مجرم است، تشخیص با کسی است، اگر با دادگاه است توجه شود، سوم دادگاه یا تخلف کرده یا نه، اگر [تخلف] کرده‌اند فوراً برسیم. چهارم، ما اینها [را] عزل کردیم، مامورین جدید گذاشتیم.

سامی: مسئله را یکبار برای همیشه حل کنیم. آقا، شورای انقلاب و دولت، خرابی از این سه مرجع است. حدود وظایف مشخص نیست. مبنای ما اسلام است.

طالقانی: کدام اسلام [؟]

سامی: در سخنرانی آقای خمینی هست [که] دادگاه علنی خواهد بود، ولی نمی‌شود. ضوابط دولت چیست [؟] شورا موضع مجلس است و جاهایی که سلطنت امر می‌کرد. اگر مطلب این است، شورا در کار اجرایی نباید دخالت کند. امام هر دستوری که می‌دهند یا به شورا می‌آید یا به دولت، ولی مستقیم دخالت کردن [ایشان] اشکال دارد. پاسدار انقلاب، هیات دولت، یکی به یکی رد بشویم. ارتش نیست. در داخل و خارج شهر، نیرو نداریم. سپاه پاسداران انقلاب مجریش کیست [؟] ملاک مشخص شود، ضوابط و روابط آنها.

بهشتی: توضیح بدهم. شورا، مکرر در جلسه گفته شد، [که] دو نقش دارد [:] یکی پارلمان، یکی رهبری انقلاب. [شورا] کلیه لوازم رهبری [و] منابع مالی قدرت توجیهی را ناچار است استفاده کند. مقرر شد پاسداران در اختیار شورای انقلاب باشد [و] دولت انقلاب هم از آنها استفاده می‌کند.

مهندس بازرگان: مدون شده. عقیده من قبل از آمدن آقا این بود که در اساسنامه به امضای آقا باشد.

طالقانی: قسمتی را دکتر سامی گفتند. قضیه دادگاه‌های انقلاب و کارهای بی‌رویه و با رویه، ضوابط بین دولت و شورا و آقای خمینی باشد. مراجع دیگر مطرح نیست. ملت و دنیا، خمینی را [به عنوان] رهبر می‌شناسد. ما هم علاوه بر رهبر انقلاب، مرجع دینی و تقلید می‌شناسیم. وضع دولت و شورا و آقا [در] حد درستی مشخص شود. این ناهماهنگی که گاهی بین دولت و آقا پیش آمده، دولت را ضعیف می‌کند، حیثیت آقا را پائین می‌آورد. یکی از آنها، دادگاه انقلاب است. هم همکاران دولت‌های سابق مجرم هستند. پاسداران، وکلای سابق را می‌گیرند.

هاشمی: با اطلاعی که از خمینی دارم، من ایشان را مظلوم می‌بینم. یزدی، آقای زواره‌ای را برد، هادوی را آقای مبشری برد...

بهشتی: مطلبی است که باید توجه شود. دوران بعد از انقلاب، خیلی مرز مشخص ندارد. در کدام انقلاب اینطور بوده [؟] مسئله دوم غیر از این عده شورا و دولت، در انقلاب کسانی بودند که ما نماینده آنها نیستیم. نکته سوم روبه‌رو می‌شویم با وزرا که قهر می‌کنند. آقای مهندس [بازرگان] نخست وزیر هم که نباشند، در برابر مردم مسئول هستند. مردم از یک یک ما طلبکارند. دولت باشیم، شورا باشیم، موضع ما سبب مسئولیت می‌شود.

طالقانی: مطلب چیست [؟] معیار معلوم شود.

بهشتی: تقسیم مسئولیت یعنی نقشه برای کار مشترک.

بنی‌صدر: حرف طالقانی صحیح است. اعتبار خمینی از بین نرود که همه مقدمات تبدیل انقلاب به ضد انقلاب فراهم است. ما کار خودمان را بکنیم. کار سر ایشان نریزد. خمینی وقتی کار را درست می‌کند که ما کار را درست انجام بدهیم.

مهندس سجایی: مسئله بین سه طرف حل شود. یکی از قلم افتاد [::] ملت هم یک طرف مسئله است و شرایط. هفته پیش خدمت مهندس بودیم. از حضورشان درخواست مطرح نکنیم. مردم خوبی هستند. از شورا و دولت جهت عفو و رحمت مردم بردند. فشار می‌آورند، عده معدودی از روشنفکران ناراحت می‌شوند. البته خود من ناراحت هستم که مفت او [هویدا] را کشتند. خمینی مجبور است مردم را ننگه دارد.

مهندس بازرگان: جلسه صبح امید بخش‌تر بود. پیشنهاد در چهار مرحله [::] 1) پیش آقا باید رفت، مقصر [و] غیر مقصر، ولی موثر آقا است. 2) عزل فوری زواره‌ای و خلخالی به دستور آقا. 3) تعیین جانشینی ممکن است از حالا صحبت شود. 4) تجدیدنظر در آئین‌نامه.

هاشمی: 5) لغو بازداشت‌ها.

دکتر سبحانی: هرگز نظر ما این نیست [که] موقعیت آقای خمینی تضعیف شود. ما ایشان را سمبل می‌دانیم. هرگز در پیش ما مسئله قهر کردن و کنار رفتن مطرح نیست. باید دولت باشد. موقعیتی بود، برای دولت چاره‌ای نبود جز اینکه اعلام کنیم کنار برویم، ولی دیدیم نمی‌شود برویم. صبح وضع دیگری بود. شاید [اگر] مطهری بود، دولت و شورا به امر مشترک [می] رسید.

بهشتی: اصلی رفتن چند نفر از شورا و چند نفر از دولت.

رفتن [نزد امام] تصویب شد.

عزل زواره‌ای و خلخالی.

مهندس سبحانی: زواره‌ای شخص ساده نیست. پاسداران عده‌ای مرید او هستند. قبل از جابجا کردن پاسداران، عزل او مسئله ایجاد می‌کند. صدرصد پیشنهاد می‌کردم زواره‌ای باشد. [با] یک دفعه برداشتن حل نمی‌شود.

بنی صدر: 180 درجه با حرف ایشان مخالف هستیم. از سربازان و افسران جوان پرسید، احساس بغض می‌کنند. رای را حقانی نمی‌دانند.

یزدی: عزل زواره‌ای به آقا ربطی ندارد. آقای هادوی به عنوان دادستان حکم عزل بدهد، ایشان پشتیبانی کنند.

هاشمی: زمینه عزل را درست کنیم و عزل کنیم.

مبشری: جانشین نمی‌خواهد.

بهشتی: ایشان فرد عادی نیست. گرداننده است.

بنی صدر: به عنوان شخصی چهارم نفر به عنوان چهار دسته پاسداران انقلاب باشند. آقای هاشمی تعهد کردند ماموران مسلح زندان را عوض کند.

تصویب شد.

مهندس سبحانی: تفکیک انتظامی از قضایی بشود.

هاشمی: هر روز ملاقات می‌دهد.

مهندس سحابی: مدیر زندان با شورا طرف باشد.

بهشتی: با دادستان [طرف باشد].

یزدی: مسائل اجرایی از مسائل قضایی جدا شود. اگر طبق نظر اولیه شورا، شما سیستم را عوض کنید.

مهندس بازرگان: جمع‌بندی تصویب شد. برویم امروز معین شود.

دکتر سامی: با آقا چه بگوییم [؟] کلیات برای ایشان نشان داده شود.

مهندس بازرگان: بنی صدر، مطهری، خود آقای هادوی، دکتر بهشتی یا موسوی و هاشمی.

(2) چون نابسامانی ناشی از وجود این دو نفر [زواره‌ای و خلخالی] بوده، چنین تشخیص دادیم که اجازه بگیریم.

(3) جانشین آنها، این افراد [باشند]

(4) آئین‌نامه را تجدیدنظر بکنیم، ببریم.

معین‌فر: تعلیق بکنیم وضع حاضر را.

موسوی: تاخیر لازم نیست.

بنی صدر: هر امری هست، به شورا یا دولت مربوط است. در ضرب‌الاجل اگر انجام ندادند، هر کاری می‌خواهند

بکنند.

جلسه سه‌شنبه 1358/1/21

[حاضران: بهشتی، شیبانی، سامی، مهندس سبحانی، موسوی [اردبیلی]، مسعودی، هاشمی [رفسنجانی]، باهنر، احمدزاده^۱، مهندس بازرگان (مطهری، مبشری، فتح‌الله بنی‌صدر).

آئین نامه اکتشاف معادن ([ابوالحسن] بنی‌صدر آمد) مطرح شد.

بهشتی: تاریخ اعلام باشد، نه تاریخ تصویب.

باهنر: باید بررسی شود [که] معادن را می‌شود در اختیار افراد گذاشت [؟]

موسوی: اگر بین پروانه‌ها، شرکت‌های خارجی باشد.

احمدزاده: پروانه اکتشاف غیر واگذاری است.

بهشتی: این الزام‌آور است یا امکان‌آور [؟]

موسوی: در قراردادهایی که پای خارجی در میان است، دولت و شورا عجله نکنند.

بهشتی: می‌تواند.

لایحه با دو اصلاح تصویب شد.

لایحه تجلیل از دکتر [علی] شریعتی^۲ و پرداخت مقرری.

شیبانی: پول چندانی نمی‌گیرند، برای اینکه کتاب ارزان باشد. خود محمدتقی شریعتی^۳ سوا باید مورد تجلیل واقع شود.

1. محمود احمدزاده هروی، وزیر صنایع دولت موقت.

2. علی شریعتی (56-1312) سخنران و نویسنده مشهور سال‌های پیش از انقلاب، موسوم به "معلم انقلاب".

3. محمدتقی شریعتی (1286-1366) موسس کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد، از چهره‌های ملی-مذهبی و پدر علی شریعتی.

قطب‌زاده: صندوق مجزا از خانواده است. برای چاپ کتاب است. گذشته از اینکه بهتر است صندوق مجزا تشکیل شود.

موسوی: پول چندانی نیست و بحث اینطوری درست نیست. باید آیا تجلیل شود یا نه؟ به علت سهمی که در انقلاب داشته.

بنی‌صدر: وقتی جنازه [او] را می‌بردند زینبیه، مخالف بودم. حالا مخالف هستم [که] بیاورند از زینبیه¹. [این مسئله] متعلق به دولت نیست، خود مردم بکنند. اگر باید مقرر می‌دهند و حق‌التالیف نمی‌گیرد، باید ذکر شود.

سامی: مسیر بحث موسوی درست است. تجلیل جنازه اگر می‌آید. تقاضای مقرر هم مربوط به ورثه نیست، ما خواستیم.

قطب‌زاده: زمانی که جنازه را به زینبیه بردند، مسئله امانت مطرح بود.

مسعودی: مطالب من را آقای دکتر سامی گفتند. آوردن جنازه از نظر شرعی اگر اشکالی ندارد، باید آورد. مستمری هم بسته به نظر آقایان است.

مهندس بازرگان: به عنوان مقایسه و حقارت که یکی از آنچه درخواست شد، زین العابدین رهنما² قراردادی بسته با فرح ...

موسوی: دو نظر بنویسند، مربوط به دادگاه انقلاب است (در مورد رهنما) با توضیح آقایان بنی‌صدر، تجلیل را دولت بکند بهتر است یا مردم [؟]

بنی‌صدر: هر دو با هم.

موسوی: راجع به دولت نگرانی دارم. اگر دولت باشد، یک دسته موافق [و] یکی مخالف [می‌شوند].

1. شریعتی وصیت کرده بود که جنازه‌اش در حسینیه ارشاد به خاک سپرده شود. پس از درگذشت ناگهانی وی در سال 1356 در انگلستان، جنازه وی مومیایی شده و به عنوان امانت در زینبیه دمشق در سوریه، با مساعدت امام موسی صدر دفن شد. از آنجا که خانواده شریعتی نسبت به مرگ وی مشکوک بودند، از ترس دسترسی دولت انگلیس و حکومت پهلوی به جنازه شریعتی، به خاکسپاری وی به سرعت صورت گرفت. پس از انقلاب بارها این بحث مطرح بود که جنازه شریعتی از سوریه به ایران منتقل و مطابق وصیت وی در حسینیه ارشاد دفن شود که البته سرانجامی نداشته است.

2. زین العابدین رهنما (1273-1368) مترجم، نویسنده، پژوهشگر و روزنامه‌نگار، با سابقه سفارت و نماینده مجلس شورای ملی.

بهشتی: مقرری، خلاف احترام دکتر [شریعتی] است. تامین هزینه‌های فرزندان ایشان کار دشواری نیست. راجع به انتقال [جنازه]، اگر وصیت کرده، می‌شود؛ وگرنه نبش قبر می‌شود. [در مورد] تجلیل، چون دولت انقلاب اسلامی است، با توجه به نقش دکتر در انقلاب، مسئله علی‌حده است.

قطب‌زاده: در مورد مقرری با بهشتی موافقم. در مورد وصیت، او قطعاً گفته است. به همین اعتبار، امانت گذاشته شد، یکی دو کار دنبالش باید کرد.

شیبانی: [به] مسئله حاج‌طرخانی رسیدگی شود.

مهندس بازرگان به احمدزاده تذکر داد کاری که مربوط به ما نیست، دخالت نکن... (احمدزاده رفت).

لایحه کلیه مؤسسات درمانی و بهداشتی و جمعیت شیر و خورشید سرخ^۱ به بهداری و بهزیستی منتقل شود. سامی: دو نکته است. وظایف درمانی، کار شیر و خورشید سرخ نیست. باید به همه خدمت داد و استاندارد کرد. بعضی چیزها هست که وقف است.

بهشتی: تمرکز هست یا نه [؟] مؤسسات دارای نوعی استقلال، باید کارش را انجام دهد.

سامی: این مطالب مورد توجه ما هست.

بهشتی: مدیریت است، نه سیاست.

بنی‌صدر: نظر مرا آقای بهشتی گفتند. دولت نظری را که مردم نظارت کنند، بر حسن جریان امور تامین کند. این لایحه تمرکز است و قدرت و فساد می‌آورد.

دکتر سامی: وارد جریانات شدن وقت می‌گیرد. هرکدام از این مؤسسات، مرکز اداری دارند و بوروکراتیک است. ما نظارت را از مردم نگرفتیم. دولت باید بهداشت مردم را تامین کند. قبلاً دولت درمی‌رفته.

1. جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران قبل از انقلاب اسلامی، سازمانی با ماهیت خیریه در حوزه‌های امداد رسانی، تأسیس بیمارستان و فراهم نمودن تجهیزات پزشکی و درمانی، نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و... فعالیت می‌کرد. این سازمان پس از انقلاب، با عنوان هلال احمر شناخته شده و به فعالیت خود ادامه داد.

شیبانی: بهداشت باید مورد توجه باشد ...

بنی صدر: دو دسته مراجعه کردند که می خواهند بیمارستان‌های خصوصی را دولتی کنند و طویله بشود. سوء اداره را جواب بگویید (مهدوی آمد).

مهندس بازرگان: اشکالات و عیب و عدم اعتماد در دولت‌های گذشته بوده. اینکه الان مطرح است، مسئله ساده است. این موسسات درمانی تحت نظر شیر و خورشید باشند یا منتقل شود به بهداری [؟]

بهشتی: این سوال را جواب بدهید [که] با این تغییر چه دردی دوا می‌شود [؟] در شرایط کنونی دولت، دردی دوا می‌شود یا نه [؟]

شیبانی: مؤسسات بهداشتی باید تحت نظر دولت باشد.

قطب‌زاده: نقش شیر و خورشید با این وضع، مغایر قوانین بین‌المللی است. باید اسم شیر و خورشید هم عوض شود، این سازمان منحل شود و چیز دیگری جایش باشد. بیمارستان‌های خصوصی محلی است که از پول دولتی است و باید در اختیار وزارت بهداری باشد [و] زمینه بیمارستان‌های دولتی درست شود.

موسوی: در مقایسه شیر و خورشید با مؤسسات دولتی، امتیازی به شیر و خورشید می‌دادند.

هاشمی: قسمتی گفته شد. در بعضی جاها شیر و خورشید بهتر بود. کارمندا مخلوطی می‌شوند.

دکتر سامی: ملاک کار، گذشته نباشد. باید سرویس یکنواخت [به] همه بدهد، حتی بیمارستان‌های دانشگاه.

لایحه تصویب شد.

مهندس بازرگان: باید ساعت ده جایی باشم، نرفتم. قم را معین کنید، ساعت سه بیاید دانشگاه افسری.

بهشتی: مسئله دادگاه‌ها فوریت دارد.

مهندس بازرگان: رفتن فوریت دارد. دیروز قرار بود یک عده را بگیرند.

هادوی: اگر ایشان (زواره‌ای) آنجا باشد، [حتی اگر در مقام] پیشخدمت هم باشد، کاری نمی‌شود کرد.

بنی صدر: تا کی دولت می‌خواهد مردم را به جرم سرلشکر یا سپهبد بودن، بکشد [؟] دستی در کار است. ارتش را می‌شوراند. از قول ایشان [بازرگان] در مطبوعات خارجی منتشر می‌شود [که] همه زیر سر خمینی است.

مهندس بازرگان: چرا نپرسیده قضاوت می‌کنید [؟] از قول من هر چه دلش خواست می‌نویسد.

بنی صدر: به نفع مملکت نیست.

بهشتی: اگر در جلسه خودمان بگویند، از روز اول، بگویند تمام این حرف‌ها را.

قطب‌زاده: این مخبر وقاحت می‌کند [و] خلاف می‌نویسد. باید متن را آورد پیش آقای مهندس، اگر گفتند گفته شده ...

بهشتی: باید گفته شود در نوول ابزوراتور این طور می‌نویسد.

مبشری: نامه‌ای است برای رها کردن قاچاقچی‌ها.

لایحه: از اول فروردین، داروها و لوازم طبی از پرداخت عوارض گمرکی معاف [می‌شوند].

لایحه: لوازم دارویی و ماشین‌های مربوط به آن [از پرداخت عوارض گمرکی معاف می‌شوند].

سامی درباره آنها توضیح داد.

بنی صدر: انحصار ورود دارو وسیله وزارت بهداشتی باشد.

دو لایحه تصویب شد.

مهدوی: اگر قوانین قبلی مطرح است، هیچ. وگرنه رد شود.

بهشتی: با آقا حل شود، چیزی ننویسند.

لایحه عوارض نوسازی.

مطهری: قانون جدید با نام جدید به اسم نوسازی نباشد.

شیبانی: از درآمد این لایحه، مقدار زیادی اقدامات اصلاحی شده ...

بهشتی: این عطف به ما سبق است که دولت نبوده.

تصویب شد.

لایحه القاء [الغاء] و تکمیل واحدهای مسکونی.

مهندس سبحانی: وسیله سوء استفاده مالکین بود، برگرداندند.

لایحه تثبیت اجاره بها تعلق عوارض 30٪ مال الاجاره فرضی.

بنی صدر: این لایحه درست نیست.

رد شد.

لایحه تکلیف قیمت نسبی زمین.

رد شد.

لایحه القای [الغای] قانونی ماده شش معاملات زمین دو برابر حق تمیر.

بهشتی: این درست نیست.

رد شد.

لایحه ساختمان راه تهران - کرج، وصول حق تردد تکراری است.

تصویب شد.

بهشتی: عده‌ای اعتراض کردند که بار از دوش پول‌دارها برداشته می‌شود.

مهدوی: بار از دوش کارمندان دولت است.

قطب‌زاده: باید دید سیستم اجاره پولی است یا نه. لایحه گردانده [برگردانده] شد.

لایحه اسلحه مهمات وسایل نقلیه لوازم مخابرات منحصراً ارتشی.

رد شد.

لایحه سپاهیان دختر، لایحه کادر پژوهش، لایحه وابسته به اطلاعات و تبلیغات، لایحه مستخدمین دولت، لایحه شرکت سهامی جهانگردی تصویب شد.

لایحه استخدام سپاهیان دانش دختر منقضی خدمت استخدام نشده.

بنی صدر: همه کس را نمی توان استخدام کرد.

مهدوی: یک دوره تعلیم دیده‌اند.

بهشتی: حق تقدم مصنوعی است. به جای این، لایحه دیگری بیاورند.

هاشمی: از خرم‌آباد از شورا قاضی خواسته‌اند.

تصویب شد. عکس مرده‌ها را در روزنامه نیاندازند.

[موضوع: وضعیت سپاه و دادگاه‌های انقلاب:]

شیبانی نامه میناچی^۱ را در مورد شورای هماهنگی تبلیغات خواند.

قطب‌زاده: این مغایر آن شورا است، وقت شورا.

هاشمی: اگر شورایی باشد، لازم است.

هادوی: دانش حکم ندارد. من نماینده خودم را خواستم.

هاشمی: پاسداران مدتی نگه می‌دارند، بازجویی می‌کنند، حتی زندان اوین را منظم کرده‌اند.

هادوی: یک بازپرس بگذاریم.

هاشمی: در هیات دولت قبول شد بودجه بدهند، یزدی مخالفت کرد.

1. ناصر میناچی (92-1310) از موسسان حسینیه ارشاد و وزیر تبلیغات و جهانگردی [بعدها: وزارت ارشاد] در دولت موقت.

موسوی: رسماً از طرف شورا نامه‌ای به دولت نوشته شود. این کار، به دستور آقا، مربوط به شورا است. بودجه را چرا ندادید [؟] شنیده می‌شود معاون نخست وزیر اقداماتی می‌کند که مخالف مقررات است. رفتن [به] قم مطرح شد. [برای متهمان] وکیل باشد یا نه [؟]

قطب‌زاده: خیلی‌ها را کشته‌اند.

هاشمی: از این به بعد وکیل باشد.

قطب‌زاده: بدون وکیل، آبروریزی است.

بنی‌صدر: یا صحیح است یا نه. یا ما رسالت داریم یا نه. این تصویر از اسلام که ما می‌دهیم، وحشی‌گری است. بهشتی: خمینی می‌گوید این غریب‌دگی است.

مهندس سحابی: هویدا یک خروار جنایت کرده، چرا ندهیم [؟]

مطهری: آلت اجرای مقاصد شاه. یکی از آن مقاصد را انگشت بگذاریم.

بهشتی: رئیس سازمان امنیت بر طبق قانون، معاون شما [هویدا] است. رئیس سازمان امنیت شما این همه را کشته است.

تصویب شد [که] وکیل، یک نفر باشد، مدت محاکمه حداکثر یک هفته تصویب شد.

سه روز قبل از تشکیل دادگاه، ادعانامه به متهم و وکیلش داده شود. دستگیری کلیه کارکنان کشوری و لشکری از طریق دولت باشد. تصویب شد.

برای رفتن قم [::] بنی‌صدر، مطهری، سحابی، هاشمی، موسوی.

جلسه یگشنبه 1358/1/26

[حاضران: بهشتی، خامنه‌ای، مطهری، مسعودی، مهندس سجابی، هاشمی [رفسنجانی]، موسوی [اردبیلی]، باهنر، شیپانی، قطب زاده.

- 1) در مورد محل ثابت شورا مذاکره شد. قرار شد طبقه بالای مکتب امیرالمومنین انتخاب شود.
 - 2) معرفی یک نفر معتمد و یک نفر علی‌البدل برای دادگاه انقلاب قهرمانشهر مطرح شد. چون معرفی‌کننده، شناخته شده بود، معرفی شد.
 - 3) در مورد تعویض پاسداران زندان قرار شد سیاسی‌ها به زندان اوین منتقل شوند که هم زندان مجهزتری است و هم بیرون شهر است و هم پاسداران یکپارچه دارد.
 - 4) به دنبال انحلال دیوان کشور و فسادی که آن را گرفته بود، امر را به شورای پنج نفری واگذار کرده بودند. البته دوازده نفر را وزیر دادگستری به دولت معرفی کرد. از آنها پنج نفر انتخاب شدند. آنها بسیاری از هشتاد نفر قاضی دیوان کشور را رد کرده‌اند و اکنون دادگاه انتظامی قضات با شرکت سه نفر، آقایان هادوی، مرتضوی، تجملی تشکیل شده.
- موسوی: باید کار شورای پنج نفری را که تصفیه بوده، بررسی کنیم تا علت تقدیم لایحه جدید معلوم شود.
- مبشری: دو لایحه داریم: یکی انحلال دیوان کشور، دیگری تصفیه قضات. بسیاری از افراد فاسد، خودشان تقاضای بازنشستگی کردند. رسیدگی کمیسیون خیلی شدید بوده. تا این حد لازم نیست.
- بهشتی: شما اختیارات را دادید به کمیسیون. از عمل آن راضی نیستید، می‌خواهید با ذیل لایحه، نظرتان را عمل کنید.
- موسوی: این تصفیه و این دعوت، سروصدا ایجاد می‌کند.
- مبشری: سابق اگر دادگستری کسی را طرد می‌کرد، آبرومند می‌شد. ولی اینجا اگر کسی را طرد کنیم، آبرویش می‌رود.
- موسوی: آنها را دعوت کنید، ولی هیات را تخفیف کرده‌اید. خود این هیات را بنخواهیم، محصول کار و جنبه‌های مثبت و منفی آن را بررسی کنیم. اگر دلیل داشتند که هیچ.

شیبانی: اگر آنها را بخواهیم درست نیست. آن وقت نمی‌شود به حرف آنها توجه نکرد.

قطب‌زاده: [اینکه] یک کمیسیون بدون بررسی مجدد تصمیم بگیرد، درست نیست (بنی‌صدر آمد). تجدیدنظر به اعتراضاتی که به او می‌شود، رسیدگی کند؛ خصوصاً در زمینه دادگستری.

بهشتی: در تصویب لایحه قبلی، از یک سو سرنوشت عده‌ای [از] کارکنان دادگستری را به دست کمیسیونی که اشخاصش را دولت انتخاب می‌کرد، سپردیم. تجدیدنظر در آن، دلیل می‌خواهد.

قطب‌زاده: دلیل آن، اعتراض عده‌ای است که اصلاح را درست می‌دانند.

بهشتی: بگوییم حالا که دادگاه انتظامی قضات تشکیل شده، کسانی که لایحه مربوط به دیوان کشور با رای کمیسیون برکنار شده‌اند، می‌توانند تقاضای رسیدگی از دادگاه عالی انتظامی بکنند و رای آن قطعی است.

بنی‌صدر: انقلاب یک جایش باشد، دادگاه انتظامی چاه ویل است. هادوی دادگاه انقلابش نیمه تمام [مانده]، حالا اینجا چه می‌کند [؟]

شیبانی: راه احقاق حق را باز بگذاریم.

مبشری: نیمه کاره نیست. تمام قضات بد، 50 یا 60 قاضی بد، خودشان تقاضای بازنشستگی کردند. ولی عده‌ای هستند که به ناحق تصفیه شده‌اند.

بهشتی: شما کمیسیون را تندرو می‌دانید.

بنی‌صدر: [در مورد] کسانی که شکایت دارند، رسیدگی شود.

بهشتی: کسانی که اعتراض می‌کنند، در موردشان حکم اجرا می‌شود. شبیه لایحه بازنشسته کردن امرای ارتش است که کسانی که صلاحیت آنها تایید شود، برگردند.

قطب‌زاده: فقط چند نفر را که مورد نظر است، برگردانید.

بنی‌صدر: خود کمیسیون.

مبشری، هاشمی: کمیسیون نمی‌تواند.

سحابی: الان به کارهای دولت آنقدر اعتراض است، تعرض و سروصدا ایجاد می‌شود و کار حل نمی‌شود.

بهشتی: لایحه به این شکل عملی نیست. با تامل و مشاوره با هادوی، این کار را بکنید. لایحه جدید بدهید.

مبشری: کارگر دو سه هزار نفر هستند، آمده‌اند، حرفشان درست است. فارغ‌التحصیل‌های خارج آمده‌اند [و] می‌گویند کار بدهید.

[موضوع: سپاه پاسداران:]

هاشمی: اساسنامه و آئین‌نامه پاسداران را آوردم. دولت پول نمی‌دهد. دکتر یزدی نامه‌ای نوشته به پاسداران که در اختیار شورا هستید؛ در تاریخ بیست و سوم. ولی یک نامه هم در این تاریخ نوشته، چمران می‌رفت پاسداران را تشکیل دهد.

مهندس سبحانی: با زنان امل رفته و برای این کار نرفته.

هاشمی: چهار گروه پاسدار بودند. دوازده نفر را انتخاب کرده‌اند. شش رشته عملیات و کار است. شورای فرماندهی که در اساسنامه آمده، که شورا با تصویب شورای انقلاب اسلامی باشد. در شورای هماهنگی سعی شده نقش دولت قوی باشد؛ یک نماینده از دولت و یک نماینده از شورا و فرمانده سپاه است. شش واحد شورای فرماندهی، عملیات، ایدئولوژی، تدارکات امور مالی، تعلیمات و اطلاعات.

در مورد حادثه دستگیری پسر آقای طالقانی!

1. شنبه 25 فروردین 1358، تیتراژ اصلی روزنامه‌های کشور معطوف به ماجرای دستگیری فرزندان آیت‌الله طالقانی و عزیمت وی از تهران به نقطه‌ای نامعلوم در اعتراض به این امر بود. کیهان با شرح جریان عزیمت آیت‌الله طالقانی از تهران، اظهارات مقامات مختلف درباره ماجرای دستگیری فرزندان طالقانی را انعکاس داده و از قول سرپرست کمیته‌های انقلاب نوشت: دستگیری فرزندان طالقانی، توسط افراد خاصی صورت گرفت که ارتباطی با کمیته‌های انقلاب ندارند (کیهان، 1358/1/25، ص 2). اطلاعات نیز با شرح ماجرای توقیف و سپس آزادی فرزندان طالقانی نوشت آیت‌الله طالقانی پس از این ماجرا گفته اگر فرزندان من اعدام هم شوند، حاضر به معامله نیستم. اطلاعات همچنین مدعی شد یک کمیته عالی تحقیق، مرکب از مقامات دولت و شورای انقلاب مأمور رسیدگی به این ماجرا شدند. این روزنامه دلیل اعتراض طالقانی را ناهماهنگی کمیته‌ها و خودسری برخی افراد منتسب به آن خواند (اطلاعات، 1358/1/25، ص 2).

دستگیری فرزندان طالقانی، واکنش‌های بسیاری را در میان چهره‌های شاخص و گروه‌های مختلف سیاسی به همراه داشت. دکتر مفتاح تأکید کرد با وجود این حادثه، مبارزات آیت‌الله طالقانی ادامه خواهد یافت (کیهان، 1358/1/25، ص 2). سازمان مجاهدین خلق، که طالقانی را پدر خود می‌خواند، در بیانیه‌ای با اشاره به دستگیری مجتبی و ابوالحسن طالقانی، بسته شدن دفاتر طالقانی و عزیمت وی به نقطه‌ای نامعلوم، از دولت بازرگان خواست برای ممانعت از تکرار چنین حوادثی از جانب گروه‌های غیرمسئول تدبیر و عمل نماید (کیهان، 1358/1/25، ص 2). چریک‌های فدایی خلق هم طی اطلاعیه‌ای با محکومیت "این اقدام تروریستی"، بر ضرورت جلوگیری از انجام اینگونه اقدامات خودسرانه تأکید کرد (کیهان، 1358/1/25، ص 2).

یک روز بعد، نهادهای مسئول اعلام کردند هشت تن در ارتباط با دستگیری فرزندان طالقانی شناخته شده‌اند (اطلاعات، 1358/1/26، ص 2 و 8). سازمان مجاهدین خلق بار دیگر اطلاعیه‌ای سیاسی-نظامی منتشر کرده و درباره احتمال برخوردهای خونین بازوهای نظامی انقلاب هشدار می‌دهد. این سازمان همچنین اعلام می‌کند نیروها و افراد نظامی خود را در اختیار آیت‌الله طالقانی قرار می‌دهد (اطلاعات، 1358/1/27، ص 1). مجاهدین خلق علاوه بر این، انگشت اتهام خود را متوجه شورای انقلاب کرده و با اشاره به دست داشتن افراد سپاه پاسداران در دستگیری خودسرانه فرزندان طالقانی، تأکید می‌کند که ترکیب شورای انقلاب باید مشخص شود، چون به گفته دولت، مسئولیت سپاه با شورا است (اطلاعات، 1358/1/27، ص 2). از دیدگاه مجاهدین، این حادثه را باید به حساب سوء اداره و نامشخص بودن حدود اختیارات و صلاحیت‌ها گذاشت و از این رو لازم است اسامی و سوابق اعضای شورای انقلاب، با توجه به در اختیار داشتن مسئولیت سپاه، به اطلاع همگان برسد و توجیه فقدان امنیت اعضای شورای انقلاب برای پنهان ماندن اسامی آنها، در مقابل مسئله سرنوشت‌ساز و حیاتی اخیر بسیار ناچیز و فرعی خواهد بود (کیهان، 1358/1/28، ص 8). سازمان مجاهدین خلق با حمله به کسانی که آنان را "انحصارطلبان سیاسی" می‌خواند، نگرانی طالقانی را ایجاد یک "دیکتاتوری جدید" دانست؛ یک دیکتاتوری که از جانب کسانی اعمال می‌شود که درصددند با "سوء استفاده از نام و محبوبیت عظیم توده‌ای رهبر انقلاب"، خود را بر "گروه مسلمین" تحمیل نمایند (اطلاعات، 1358/1/29، ص 8). حزب جمهوری خلق مسلمان نیز اعلام می‌کند در صورت ضرورت، نیروهای نظامی این حزب در اختیار آیت‌الله طالقانی قرار داده می‌شود (کیهان، 1358/1/28، ص 2). جنبش مسلمانان مبارز خواستار تشکیل یک رهبری متمرکز انقلابی زیر نظر امام خمینی و با شرکت موثر آیت‌الله طالقانی شد (کیهان، 1358/1/29، ص 3). همچنین تجمعاتی در حمایت از طالقانی در مناطق مختلف، از جمله تهران، برگزار گردید (کیهان، 1358/1/29، ص 4). مثلاً به دعوت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تجمعی برگزار شد و در آن، از طالقانی خواسته شد بازگردد. از سوی دیگر سرپرست کمیته‌های انقلاب بار دیگر تأکید کرد حادثه اخیر بر اثر اشتباه برخی مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفته است (کیهان، 1358/1/28، ص آخر).

پس از مدتی سکوت، آیت‌الله طالقانی طی پیامی از مردم خواست تا احساسات خود را کنترل نموده و عملی انجام ندهند که باعث سوءاستفاده عناصر فرصت‌طلب و ماجراجو قرار گیرد (اطلاعات، 1358/1/28، ص 1). با این وجود، طالقانی کماکان در مکانی نامعلوم به سر می‌برد. از این رو شورای انقلاب رسماً بیانیه‌ای صادر کرد و خواستار بازگشت طالقانی شد. در این بیانیه، شورا تأکید نمود که غیبت طالقانی بیش از این جایز نیست و شورا با پیگیری و تحقیق خود به این نتیجه قطعی رسیده که کمیته‌های رسمی امام و رهبری سپاه پاسداران در این حادثه نقشی نداشته‌اند و همه شاخه‌های سپاه نیز به طور کامل تحت قیادت شورای انقلاب قرار نگرفته است (کیهان، 1358/1/29، ص 2). شورا همچنین هشدار داد که درباره خوسری‌ها و عوامل توطئه بی‌تفاوت نخواهد ماند (اطلاعات، 1358/1/29، ص 2). سرانجام پس از چند روز و با مذاکره پنهانی سید احمد خمینی با طالقانی، وی در فضای عمومی

شیبانی در این مورد توضیح داد.

بنی صدر: باید دید آنجا شکنجه‌گاه هست یا نه.

قطب‌زاده: آقا [طالقانی] گفته اگر پسر مقرر است و در قتل دخالت داشته، خودم اولین تیر را به او می‌زنم. شکایت آقا از این است که در لویزان و سلطنت‌آباد شکنجه‌گاه هست. مهندس سبحانی: آقا از نحوه گرفتن و شکنجه‌گاه ناراحت است.

هاشمی: من گفتم بازداشتگاه دارند در نزد زواره‌ای در کنار سفارت روس منزل کوچکی است برای کنترل تلفن‌های سفارت. در سفارت زرگنده دوربین مخفی است. 120 تا 130 پایگاه اینطوری هست. مسئول کار، دکتر یزدی و دولت است. مجاهدین بازداشتگاه داشتند، افشار را گرفتند (رئیس زندان اوین). فدائیان [بازداشتگاه] دارند. آقایان قصد داشتند کار توضیحی بکنند [و] اعلامیه بدهند، من جلو کار پاسداران را گرفتم.

بنی صدر: آنچه مربوط به ما هست، تقصیر خود ما است. بدون اجازه دادستان، توقیف نشود.

هاشمی: باید بسته شود.

آشکار گردیده و به قم و نزد امام خمینی می‌رود. امام در دیدار با طالقانی می‌گوید: کسانی که آرامش را بر هم می‌زنند، از امریکا دستور می‌گیرند. وی همچنین با تأکید بر حفظ کمیته‌ها، تصفیه آنها را نیز گوشزد می‌کند (کیهان، 1358/1/30، ص 2). امام همچنین پرسید: این تظاهرات و سروصداها واقعاً برای آقای طالقانی بوده؟ ایشان امروز و دیشب نزد ما بودند و از این جریان‌ها اظهار ناراحتی کردند؛ اگر "احمد" ما را بگیرند و او را بکشند، من حرفی نمی‌زنم (اطلاعات، 1358/1/30، ص 2). این دیدار، نقطه پایانی بر ماجرای دستگیری فرزندان طالقانی بود؛ اما اختلافات طالقانی با چهره‌های موثر شورای انقلاب تا دوام یافت (در ادامه مذاکرات، در این زمینه مسائلی مطرح می‌شود).

پس از آن، طالقانی در پیامی با تأکید بر اینکه "انقلاب ما در طریق محروم‌هاست"، در شرح اتفاقات چند روز اخیر آورد: صلاح دیدم چند روزی تهران را ترک کنم تا دولت قضایا را پیگیری کند و ریشه‌ها کشف شود. طالقانی با ابراز تأسف از بهره‌گیری‌ها و سوءاستفاده‌ها از غیبت چند روزه‌اش تأکید کرد: این مسائل ربطی به "اصول کمیته‌ها و پاسداران اصیل و مومن انقلابی ما" ندارد، بلکه باید نظارت بیش‌تری بر کمیته‌ها اعمال شود (کیهان، 1358/2/1، ص 8). طالقانی همچنین در یک سخنرانی در مدرسه فیضیه قم از شکل‌گیری انجمن‌های ایالتی و ولایتی خبر داد. وی تأکید کرد مردم باید واقعاً به حساب بیایند و بر سرنوشت خود حاکم شوند. طالقانی ضمن حمایت از گسترش آزادی‌ها و اعلام خطر از محدودیت بر آزادی‌های سیاسی ابراز داشت: هرچه کمونیست‌توسری بخورد، قوی‌تر می‌شود (کیهان، 1358/2/1، ص 6). در حقیقت، پس از ماجرای دستگیری فرزندان طالقانی، یکی از محصولات مذاکره وی برای بازگشت، پذیرش ایده‌ای بود که طالقانی سال‌ها بر آن اصرار داشت و آن تشکیل شوراهای برای اداره و مدیریت مناطق شهری بود.

بنی صدر: آقای طالقانی اگر ایراد دارند، از منزل خودشان شروع شود. فیض الله یزدانی را مجاهدین پول خواسته‌اند، سه میلیون تومان؛ چون نداده، [او را] توقیف کرده‌اند. تصمیم دیگر گرفتیم. قرار بود زندان را عوض کنیم. با آقای هاشمی موافقم. عمل آقای طالقانی درست نبوده.

هاشمی: ناراحتی عده‌ای از کمیته‌هاست.

بنی صدر: این دعوای دسته‌ایست.

مطهری: مسئله جنبی است. استفاده فدائیان خلق به عنوان یک گروه، که آقای طالقانی از یک فرد کمونیست تا این حد دفاع می‌کند.

هاشمی: مجاهدین که اپورتونیست‌ها را رد می‌کنند، چطور شد که از مجتبی [طالقانی]^۱ حمایت می‌کنند [؟]

بهشتی: بررسی وضع حاضر (مهدوی آمد).

هاشمی: پیشنهاد می‌کنم آقای بهشتی، که آقای خمینی گفته‌اند، و مهندس سبحانی و بنی صدر بروند.

مهدوی: حکم‌های گرفتن، لغو شده.

هاشمی: آن روز که گرفته‌اند، حکم داشته‌اند.

بهشتی: باید رسیدگی کرد. ما سه نفر را تصویب می‌کنند [که به نزد امام] برویم.

تصویب شد.

تذکر به آقای هاشمی. جناح کوچکی در سپاه است که طرفدار دخالت دولت است. شخصی به نام افروز و آقای مظفری.

موسوی: بعضی پاسداران گروه دارند.

1. مجتبی طالقانی، فرزند آیت‌الله طالقانی که با عضویت در سازمان مجاهدین خلق، با وجود اعلام تغییر مواضع ایدئولوژیک در سال 1354، بر انتساب به سازمان اصرار داشت. ماجرای دستگیری وی، اختلافات عمده‌ای را در میان چهره‌ها و گروه‌های سیاسی پس از انقلاب نمایان ساخت.

[موضوع: دادگاه‌ها:]

بهشتی: برای ملایر می‌خواهند دادگاه تشکیل دهند. آقا سیدمحمد ورامینی رابط هستند. چند نفر از دوستان حوزه معرفی شدند که قاضی شرع را پیشنهاد و به آقا معرفی کنند.

مطهری: به ما اطلاع بدهند.

قطب‌زاده: ما باخبر باشیم.

مطهری: عمل کنید.

هاشمی: آقا گفته‌اند به ما اطلاع بدهند چرا دادگاه‌ها را تعطیل می‌کنید [؟] سرعت عمل از دست نرود.

بهشتی: ما گروهی را که نمی‌شناسیم، چه کنیم [؟]

مطهری: چه لزوم دارد که هر جا دادگاه تشکیل شود [؟]

مهدوی: با آقای حیدری، بحث نهایند، ملایر و همدان بودن، به خاطر طول کشیدن بازجویی و نداشتن بازجو، عده‌ای را با ضمانت زیاد آزاد کرده، سروصدا بلند شده. گفت به ملایر مراجعه کردم، نمی‌آید، وقت ندارد. آقای دکتر ضیائی از آستانه تلفن کرد که من عرضه قاضی شدن ندارم؛ فیض را معرفی می‌کرد.

بهشتی: اطلاع خوب از احکام محدود دارد.

مهدوی: مورد تایید عده‌ای است.

با توجه به معرفی آنها تصویب شد.

بهشتی: برای دادگاه ملایر، معتمد محلی را قرار شد انتخاب کنند، با قیود گفته شده.

قطب‌زاده: آئین‌نامه نهایی را بدهید ترجمه شود.

هاشمی: اینجا است، فرصت بگذارید.

بهشتی: لایحه را بگذارید [برای جلسه] سه‌شنبه.

بنی صدر: آقا ایراداتی به دولت کردند، دولت جواب داد. علیه هویدا خیلی پرونده بود که رسیدگی نشده. قرار شد بعداً منتشر شود.

هاشمی: دانشجویانی در اسرائیل هستند [که] از طریق بانک، [برایشان] ارز فرستاده می‌شد. بفرستند یا نه [؟]
بهشتی: [بگذارید برای] جلسه بعد.

[موضوع: وضعیت بلوچستان:]

خامنه‌ای: گزارش مختصر [در مورد بلوچستان:] زمینه ناآرامی بیش از کردستان و جاهای دیگر است. تعرض فارس و بلوچ است. فارس بومی هم هست. در زاهدان، عده‌ای فارس بومی هستند. ثانیاً شیعه و سنی. ثالثاً بومی و غیربومی. تضاد پنهانی کمونیستها و غیرکمونیستها، فقر، گرانی سرسام‌آور. آب مشروب در چاه بهار نیست. در دشت یاری که منطقه وسیع است، آب مشروب مردم از برکه است. نهار بچه مدرسه‌ای، یک تکه نان است. گوشت، افسانه است. فقر بهداشتی، فقر فرهنگی و اخلاقی. آنها، فارس‌ها را گجر (قجر) که تعبیر اهانت‌آمیز است، می‌گویند. رادیو خیلی جاها را زیر پوشش ندارد. تلویزیون در خیلی جاها نیست. سلاح فراوان وارد منطقه می‌شود. از مرز جنوب دریا، مرز پاکستان شرقی، و افغانستان شمال شرقی، رد پای سلاح بلوچستان بسوی ترکمن گرفته شده. ناامنی‌هایی هست، قتل، آدم‌ربایی، تجاوز. اگر کارهای عمرانی شروع شود، هشتاد درصد این مسائل رفع می‌شود. در بلوچستان به خاطر طرح پایگاهها، چندین هزار کارگر از خارج می‌آمدند. ده درصد این کارها باقی است. بیکاری زیاد شده. در زابل با حدود پنج میلیون تومان می‌شود آب هیرمند را به منطقه‌ای (پریان) رساند. صاحبان آن زمین‌ها بلافاصله می‌آیند. پول و اختیارات لازم است. اما اگر تاخیر شود و اگر در بلوچستان غوغا شروع شود، از [بحران در] کردستان و ترکمن مشکل‌تر است.

خامنه‌ای و سحابی با اختیارات برای بلوچستان و یکصد میلیون تومان اعتبار از دولت [مامور شدند]. بهشتی و بنی صدر برای کردستان [ماموریت یافتند].

جلسه سه‌شنبه 1358/1/28

[حاضران: هاشمی [رفسنجانی]، موسوی [اردبیلی]، مسعودی، سجابی، شیبانی، مهندس کتیرائی، اردلان.

لایحه برای راه افتادن کارخانجات و غیره (دکتر مبشری آمد).

تصویب شد (مهندس بازرگان آمد).

لایحه قانونی اصلاح حقوق (مالیات).

هاشمی: در این ماده مالیاتی، کمبود اینجا را از حقوق بالا جبران کنید.

اردلان: لایحه کسر مالیات (بنی صدر آمد).

تصویب شد.

مهندس بازرگان: تصویب‌نامه معافیت عوارض گمرکی.

تصویب شد.

لایحه تثبیت قیمت زمین. اردلان و کتیرائی توضیح دادند.

موسوی: این لایحه به ضرر دولت است.

هاشمی: مقرراتی برای پرداخت مالیات‌ها هست که مالیات سنگینی ...

کتیرائی: در مورد مالیات، این ربطی به آن ندارد. آن لایحه، شهرک‌ها را مستثنی کرده بود.

هاشمی: اگر فوریت ندارد، آن لایحه دیده شود.

تصویب شد.

مهندس بازرگان: لایحه تعدیل اجاره‌بها.

اردلان توضیح داد، 30٪ اجاره‌بها برای ملکی که شش ماه بدون اجاره مانده باشد.

مهندس کتیرائی: این را برای تعدیل اجاره‌بها، آموزگار^۱ [برای] آبادانی مسکن آورد.

خامنه‌ای: باید دید چرا ناموفق بوده این کار.

اردلان: تاثیری در اجاره‌نشین‌ها ندارد.

کتیرائی: مال‌الاجاره باید مطالعه شود. دخالت غیرمنطقی و غیرعلمی، نتیجه معکوس می‌دهد.

بنی صدر: علت عدم موفقیت دولت سابق در چهارچوب سیاست عمومی بود که توسعه شهر در حد اسپیکولاسیون^۲ بود.

بهشتی: راه‌های تسهیل برای اجرای قانون در نظر بگیرید. اسناد [را] به جای پول بگیرید، تضمین بگیرید، مهلت بدهد. لایحه‌های سرمایه‌داری گرا برای این دولت ضرر دارد.

اردلان: در جهت به اجاره رفتن ملک است، در جهت کمک به سرمایه‌دار نیست. اگر چیزی اضافه شود، منتقل به مصرف کننده می‌شود.

بنی صدر: اصل را نگه دارید، مزاحمت‌ها را رفع کنید.

شیبانی: بگویید شرط اینکه اجاره بدهد، این عمل اجرا نمی‌شود.

مطهری: این مالیات نیست، جریمه است. آدمی که خانه‌اش را اجاره نمی‌دهد، دلیل دیگری غیر از سودجویی دارد.

بهشتی: راه‌حل اثباتی درست کند، فعلاً با شش رای.

تصویب شد.

لایحه زمین مطرح است.

1. جمشید آموزگار (95-1302) نخست وزیر حکومت پهلوی در اوان شکل‌گیری تحولات انقلابی ایران (7-1356)

2. Speculation یا سفته‌بازی: ورود به معامله‌ای پرریسک برای بهره‌برداری حداکثری از سود با استفاده از نوسان‌گیری ارزش یک کالا یا خدمت.

کتیرائی: سازمان مسکن، ساختمان کردن، زمین گرفتن، تهیه مصالح ساختمان به عهده‌اش بود قبلاً، جدا شد. حالا اشکال دارد، ادغام کردیم.

بهشتی: لغو این ماده را با اضافه کردن طرح تنظیم مال‌الاجاره بیاورید، بهتر است.

اردلان: این کار طول می‌کشد.

لایحه دریافت دو برابر حق تمبر (باهر، هادوی آمدند).

کتیرائی: زمین در داخل محدوده خدمات شهری می‌تواند بیش از یک بار معامله شود، غیرمنطقی نیست. محدوده خدمات شهری به شکل سابقه نیست.

موسوی: زمین‌های بایر خارج محدوده طوری شود که نه تنها معامله نکنند، از اختیار مردم خارج شود و در اختیار دولت قرار بگیرد.

بهشتی: اینها از نظر موازین اسلامی، ملک کسی نیست.

کتیرائی: لایحه ... وزارت کار می‌تواند.

بهشتی: مدت مدیریت دولت روشن شود.

بنی‌صدر: لایحه خوبی است. دو ماه زودتر می‌آوردند بهتر [بود]. در رادیو تلویزیون شرح داده شود. ضررش را دولت بدهد، بعد که درست شد، پس بدهد، درست نیست.

بهشتی: پیشنهاد موقت برای این بود. بندی اضافه کنند [که] با توجه به جمیع تعهدات آنها و وضع موجود، دولت لایحه تعیین تکلیف نهایی آنها را در ظرف مدت معینی معلوم کند.

سحابی: در مورد کارخانجات و صنایع، قانونی از سال 42 بود. این قانون را تکمیل کنند. آنهایی که مسلم است، سوء استفاده آنها [است]. خلع مالکیت الان بشود. ده نفر هستند [که] جرمشان مسلم [است؛ مانند: رضایی^۱، خیامیان^۲، ثابت پاسال^۳].

هاشمی: مدیری که از طرف دولت می رود، اموال و چیزهایی [را] که دارند، بابت طلب دولت حساب کنند.

باهنر: باغات فراوان مال خانها و امیران هست. کسی باید برود [و] عهده دار شود.

بهشتی: با مدیریت لایق، این موسسه بدهکار راه می افتد.

هاشمی: دولت کمک کند و طلب خود را بردارد.

کتیرائی: مقداری از این لایحه مربوط به پیمانکاران و غیره هست. قسمت صنعتی آن را، صنایع و معادن اداره کند. کارخانجات، قانون علی حده دارد.

موسوی: توضیح ایشان خوب [بود]. لایحه بدین صورت تصویب شود تا دولت یا شورا لایحه ای تهیه کنند.

بنی صدر: در لایحه قید شود [که] شورا دولت را مکلف کرد [تا] لایحه رسیدگی به وضع موسسات صنعتی را تهیه و اقدام کند. دولت موظف است در ظرف مدت قلیلی، با توجه به وضع تسویه حساب [و] با توجه به موقعیت انقلاب [این کار را صورت دهد].

هادوی: اعلام شده بود بسته های پستی، وزن شان 20 کیلو است [که وقتی] در تهران می آید، یکی دو کیلو می شود. وضع مرز بازرگانی بد است. اسلحه می آید، آمد و شد هست. در کمیته هم وضع ناراحت است. زمین ها را باید تقسیم کرد.

موسوی: جمعی مسلمانها مقابل کمونیستها هستند. حمایتی از آنها می شود.

1. خانواده رضایی، از خاندانهای ثروتمند ایرانی عصر پهلوی بودند. علی، محمود، عباس و قاسم رضایی چهار برادری بودند که در بخش های معدن، سالن های سینما و نیز تنباکو سرمایه گذاری کردند.

2. منظور، برادران خیامی است که درباره آن قبلاً توضیح داده شد.

3. حبیب الله ثابت مشهور به ثابت پاسال (1282-1368) موسس اولین سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران، کارخانه صنعتی میل ایران و کارخانه پیسی کولا.

هادوی: [به] سیستان و بلوچستان چند نفر از اینها فرستاده‌اند [تا وضعیت آنجا را] بررسی کنند. وضع گرسنگی آنجاست که [باید] توجه شود و با وعده [و] وعید حل نمی‌شود. از افغانستان اسلحه می‌آید، فکر می‌شود [که] دولت افغانستان [سلاح] می‌فرستد. یک محموله اسلحه از 15 پاسگاه رد شده.

[موضوع: استعفای دو وزیر کابینه:]

مهندس بازرگان: دو موضوع راجع به دو وزیر است، اجازه بدهید عرض شود. وزیر خارجه [کریم سنجابی] استعفا داده. بدون اینکه تماس بگیریم با او، [خبر استعفا را] به روزنامه داده. دکتر مبشری مدتی است استعفا داده

1. کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی و وزیر خارجه دولت موقت، اولین وزیر در کابینه مهندس بازرگان بود که استعفای خود را تقدیم کرد. وی در تبیین دلایل این استعفا ابراز داشت: حکومت‌هایی که در داخل حکومت به وجود آمده، ایجاد نگرانی می‌کند. وی ماجرای رجعت طالقانی را نیز شوکی دانست که بر دولت و مملکت وارد آمد. داریوش فروهر، وزیر کار و دیگر چهره ارشد جبهه ملی، استعفای سنجابی را تعجب‌برانگیز دانست (کیهان، 1358/1/27، ص آخر). تقارن استعفای سنجابی با ماجرای دستگیری فرزندان طالقانی این انگاره را ایجاد نموده بود که میان این دو نسبتی است و اعتراض سنجابی معطوف به بی‌احترامی به آیت‌الله طالقانی است. با این حال، وی در کتاب خاطرات خود این موضوع را منکر می‌شود. سنجابی می‌گوید: "استعفای من هیچ ارتباطی با آن قضیه نداشت. یک یا دو روز بعد که به عنوان همدردی ملاقاتی با آقای طالقانی کردم، او تقریباً به صورت اعتراض به من گفت شما چرا در این موقع استعفا داده‌اید؟ آخوندها این را هم به حساب من می‌گذارند" (کریم سنجابی، *امیدها و ناامیدی‌ها*، انتشارات جبهه ملیون ایران، چاپ اول، 1368، ص 6-375). وی دلیل اصلی استعفای خود را اینگونه شرح می‌دهد: "می‌دیدیم که خارج از دولت، تبلیغاتی می‌شود که با عمل و نظر وزارت خارجه وفق نمی‌دهد. از جمله یک مرتبه در مورد صدور انقلاب شروع به تبلیغ شد که این هم آشفستگی تازه‌ای در خارج از ایران و در کار وزارت خارجه به وجود آورد. علل استعفای من... مربوط به وزارت خارجه بود... از جهت اینکه سیاست و روش خارجی دولت ما معلوم نبود؛ ولی در واقع علت عمده استعفا، وضع عمومی حکومت بود. بنده می‌دیدم که شورای انقلاب، دولتی است مافوق دولت. می‌دیدم که در داخل دولت، دولت‌هایی وجود دارد؛ کمیته‌هایی هستند که به استقلال کار می‌کنند... دادگاه‌هایی در مساجد و جاهای دیگر به وجود آمده‌اند به نام دادگاه‌های انقلاب..." (کریم سنجابی، *امیدها و ناامیدی‌ها*، انتشارات جبهه ملیون ایران، چاپ اول، 1368، ص 328).

چند روز پس از استعفا، سنجابی در مصاحبه‌ای به تفصیل، ریشه استعفای خود را بیان می‌کند. بر این اساس، وی مراکز مختلف تصمیم‌گیری را عامل ایجاد اختلال در کار مملکت معرفی می‌کند. سنجابی معتقد است باید دولت عامل اصلی انقلاب بوده و از قدرت اجرایی برخوردار باشد. وی تأکید می‌کند ریشه اصلی استعفای من، ضعف دولت در اجرای برنامه‌های انقلابی و وجود حکومت در حکومت است. وی ضمن انکار هرگونه تردید در صحت برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی بر این باور است که اگرچه ممکن است شورای انقلاب، موانعی در پیشبرد انقلاب ایجاد کند، اما رهبری قاطع روحانیت و امام خمینی باعث پیروزی این انقلاب گردیده است (کیهان، 1358/1/29، ص 3). با این وجود، سنجابی استعفای خود را هشدار به دولت و ملت می‌داند که

و معوق مانده. فکر کردیم صدر [حاج سیدجوادی، وزیر کشور] بیاید [به] وزارت دادگستری و صباغیان [به] وزارت کشور [برود].

بهشتی: تا پنجشنبه مهلت باشد، رسیدگی کنیم.

مهندس بازرگان: سنجابی پیش از رفراندوم استعفا داد. وضع [سفارت در] امریکا افتضاح است، آلمان، فرانسه و غیره...

شیبانی: رفتن مبشری خطرناک است. استعفای ایشان را نباید پذیرفت.

قطب‌زاده: استعفای مبشری بیش‌تر مربوط است به دادگاه‌ها. در مورد وزارت خارجه، تا [جلسه] پنجشنبه صبر نکنید. یزدی جایش برود.

سحابی: روی شخصیت یزدی و هاشم [صباغیان] حرفی ندارم. [در مورد] وزرای که از خارج به یک سازمان فرستاده می‌شود، اگر او را قبول نداشته باشند، واقعاً فلج می‌شود. استمزاج از وزارت خارجه‌ای‌ها بشود.

کتیرائی: در مورد یزدی بعید به نظر می‌رسد [که] عکس‌العمل بد نشان بدهند. در وزارت خارجه مهره درخشان نداریم.

قطب‌زاده: من از وزارت بدم می‌آید.

بهشتی: نظرم این بود [که] یزدی برود [به] وزارت خارجه؛ استمزاج کرده بودم در این دوران که وارد کار شده‌اند، برداشت جدیدی نسبت به ایشان شده. تغییرات پی در پی خطرناک است. اگر آمدن ایشان، سلسله مسائلی ایجاد کند، شاید فرد نوتری پیدا کنیم بهتر است.

مهندس بازرگان: کسی را پیدا نکردیم.

کتیرائی: دیر انتخاب کردن جای [جایگزین] سنجابی درست نیست.

انقلاب در معرض خطر است و با اقدامات بعضی عناصر، طلیعه یک اختناق فراهم می‌آید (اطلاعات، 1358/1/29، ص 8). این چنین، نخستین استعفا در سطح عالی در تاریخ پس از انقلاب رقم می‌خورد.

بهشتی: اگر سریع [جایگزین او را] بگذارند، خیال می‌کنند توطئه‌ای علیه او شده که چون بین سنجایی و بازرگان، رقابت بوده. اگر بنی‌صدر [وزارت خارجه را] قبول کند بهتر است.

بنی‌صدر: جزو [عضو] کابینه باید سیاست عمومی [دولت] را قبول کند [و] تعهداتی نداشته باشد. دکتر سنجایی را یک بار ندیده‌ام. ایشان اعتراضاتش به دخالت دکتر یزدی است. داماد ایشان [دکتر یزدی]^۱ بیاناتی کرد راجع به دادگاه انقلاب.

قطب‌زاده: من هم پیشنهاد کردم بنی‌صدر بهتر است. ظلم در حق یزدی نشود. داماد ایشان در امریکا حرف زده، در مقابل آدم بیکاره ای که سنجایی فرستاده.

بنی‌صدر: ایشان را می‌گویند به عنوان مسئول سفارت، یزدی معین کرده.

بهشتی: دو مسئله مطرح است. [یکی] نوع مدیریت و یکی هم آمدن یزدی بعد از سنجایی.

قطب‌زاده: با یزدی 25 سال رفیق هستم. بدترین جا معاون انقلاب است. حالت انحصارطلبی دارد، ولی [یزدی] مدیر است. اگر جایی باشد که حدودش مشخص است، بهتر است.

مسعودی: جامعه چه نظر دارد [؟] عمل راجع به پسر آقا [طالقانی] می‌گویند مربوط به یزدی است.

قطب‌زاده: تسلیم نظرات مردم هستیم؟

مسعودی: نظر مردم برگشته، می‌گویند [یزدی] مهره خارجی است.

بهشتی: تا فردا دوستان اگر کسی را تا نامزد دارند، به آقای مهندس بازرگان اطلاع بدهند [تا] انتخاب کنند.

[موضوع در جلسه] پنج‌شنبه مطرح می‌شود. فکر می‌کنم آقای بنی‌صدر با تمام دشواری‌ها که وجود خواهد داشت، باید یک چیز دشوار را بپذیرند. اگر جنابعالی قبول بکنید، محذورات آن کم‌تر است.

1. شهریار روحانی، که با نفوذ در سفارت ایران در امریکا، اسباب نارضایتی سنجایی را فراهم آورده بود. برخی معتقدند یکی از دلایل اصلی استعفای سنجایی، دخالت‌هایی است که یزدی، روحانی و نزدیکان آنها در کار گزینش مسئولان سفارت ایران در امریکا به عمل می‌آوردند. چند روز پس از استعفای سنجایی، معاون وی از طرف او فاش کرد کشمکش وزارت خارجه با سفارت ایران در امریکا جدی بود و در کار وزارت، مداخلات ناروایی به عمل آمده و عملاً این وزارتخانه فلج شد (کیهان، 1358/2/9، ص 4).

قطب‌زاده: [با] بنی صدر که در عین حال موافقم، [اما] امکان اینکه توافق در تمام مطالب باشد، ممکن نیست. نه تنها بنی صدر به عنوان وزیر خارجه مفید است، برای دولت هم مفیدتر است.

بهشتی: بنی صدر از دید من اینطور مطرح است. وقتی دشمنان می‌کوشند جلو حرکتی سنگ درشت بیاندازند، اول کار سنگ برطرف کردن است.

بنی صدر: بسیاری [از] ضعف‌های دولت به خودش مربوط نیست، به خارج مربوط است. آقای خلخالی برگشته، کشور شهربانی ندارد، ژاندارمری ندارد.

[موضوع: وضعیت کمیته‌ها:]

بهشتی: در این هفته گذشته، سه جلسه با مسئولان کمیته‌ها با حضور آقای مهدوی جلسه کردیم. می‌خواستند استعفای کمیته‌ها را بنویسند بدهند به مهندس بازرگان.

بنی صدر: رفتم سازمان جغرافیائی، دیدم کمیته‌ای از منزل آقای طالقانی آنجاست ...

بهشتی: کمیته‌های امام خمینی تاکید داشتند، نامه نوشته بودند [که اگر] دولت (شهربانی) از خودش کارایی نشان بدهد، کمیته‌ها آماده تحویل است.

موسوی: با آقای صدر، تیمسار البرزی تماس گرفتیم که شما بیايید شهربانی را فعال کنید، جمع کردن کمیته‌ها با ما.

بنی صدر: سازمان مجاهدین خلق زندان دارند [و] اموال اشخاص را مصادره می‌کنند. فدایی خلق همین طور.

بهشتی: ضعف دولت به اینها امکان می‌دهد. کار غرضی به حساب دولت است، نه شورا. امیرانتظام بی توجه یا غرض‌ورزانه اقدام کرده. هیچ فکر نمی‌کردم [که] آقای خمینی در این مرحله از نهضت، تا این مرحله منطقی اقدام کند. آقای خمینی سعی‌شان این است کاری که ارجاع می‌شود، به واحد مربوط ارجاع دهند. وقتی کم‌کاری باشد، راساً اقدام می‌کنند. دولت، [شهربانی] منطقه آماده‌تر مثل شمیران را به عهده بگیرد. این هم نشده.

بنی صدر: پاسبان‌ها می‌گویند اگر لباس بپوشیم، می‌آیند ما را می‌گیرند.

خامنه‌ای: در بین همه واحدها، کمیته‌ها بهتر انجام وظیفه می‌کنند، در زمینه مسئولیت. در بلوچستان از سر مرز دارد می‌آید. فردا بلوچستان [از] کردستان خطرناکتر است.

[موضوع: وضعیت کردستان و بلوچستان:]

بهشتی: بنی صدر [!] این عذر نمی‌شود برای عدم قبول. ما تشخیص مان این شده، دولت با گرفتاری‌هایی که دارد. مدتی است از کردستان آمده‌ایم، کاری مطابق وعده‌ها انجام نشده. یکی هم بلوچستان [که] به دنبالش است. دولت اعتباری به مسئولیت شورا در اختیار بگذارد. شورا نه به عنوان پارلمان، [بلکه به عنوان] شورای همکاری با انقلاب، اعتبار را در اختیار بگیرد، برای تامین نیازهای فوری و اجرای طرح‌های ضربتی، باید سریعاً انجام گردد، وگرنه اثر رفتن‌ها خنثی می‌شود.

خامنه‌ای: پول توسط عمال دولت باشد، استاندارها بدهند.

بهشتی: متأسفانه در کارها سرعت عمل متناسب با سرعت نیازهای جلوگیری کننده ضد انقلاب نیست. راه قانونی دارید، حل کنید. [اگر] ندارید، ما آماده هستیم.

خامنه‌ای: انقلاب نه تنها منحصر به دولت نیست، [بلکه] به همه مربوط است. از روز یکشنبه آینده در کردستان و بلوچستان دست به کار حزبی بزنیم.

مهندس بازرگان: مطالب مخلوط شد. نظر این است [که] در مناطق مرزی خطرناک، شورای انقلاب یا دولت، کارهای اصلاحی و ضربتی بکند.

بهشتی: پولش را اگر دولت بدون تشریفات، مثل چک سفید بدهد به استانداری یا مامورین محلی، شورا حاضر است، اجرا را در نظر بگیرید.

مطهری: طرح چه هست [؟]

بهشتی: نسبت به بلوچستان قصد شورا نیست. آقای خامنه‌ای و مهندس سبحانی مسئولیت اجرای طرح را به عهده بگیرند. نسبت به کردستان، من (بهشتی) و بنی صدر. اعتباری که حداقل و قدم اول، صد میلیون تومان برای

کردستان و صد میلیون تومان برای بلوچستان. دولت هم اگر راهی خودش دارد، ارائه بدهد و اگر نیست، طرحی که با مطالعات انجام شده بخواند، پیاده کند.

مهندس بازرگان: دست‌های متعدد اگر در کار باشد، خراب می‌شود. علت ضعف دولت به واسطه دست‌های زیاد است. گو آنکه نود درصد روی دلسوزی است، کارشان طوری باشد که خراب نشود.

بهشتی: توضیح ما این است. پیشنهاد ما [:] در منطقه مطالبی دیده می‌شود. ما با ابتکار خودمان و نیروی حزبی کاری می‌توانیم انجام بدهیم که زمینه انفجار کم باشد. وقتی [موثر] می‌شود که تشریفات دولتی نباشد. نظارت دولت سبب انهدام انقلاب نشود.

مهندس بازرگان: ممکن است آقایان اطلاع نداشته باشند و کار خلاف نظر مسئولین بکنند.

خامنه‌ای: آقای مهندس از کیفیت کار خبر ندارند. خودم از استاندار آنجا [بلوچستان] واردترم. [با] استاندار از ساعت اول با هم در تماس بودیم. آدم بدجنس نیست، ولی کم توان است. انقلاب به بلوچستان نرفته، تغییری هم در پست‌ها داده نشده.

کتیرائی: رفتن شما به کردستان و عدم اجرای وعده‌ها. ما هم که در کار اجرایی هستیم، می‌دانیم که اگر ضابطه‌ای در کار نباشد، سرعت عمل زیادتر است. ولی بعضی کارهای عمرانی مطالعه می‌خواهد. گاهی مسئله آنقدر فوریت دارد که هدف کار راه اندازی می‌شود. اقل کار این است که [از] طرح‌ها اسم برده شود. این کارها فکر می‌خواهد. بهشتی: سوال، اشکال کار سازمان برنامه و اشکال کار شما با این طرح‌ها این است که این افرادی که می‌روند، شماره کارشناسی آنها را نمی‌دانید.

شیبانی: کار اداری لنگی دارد. اینها ید دولت خواهند بود ...

مهندس بازرگان: مقداری [از] کارشکنی‌ها مربوط به قبل بوده. نمی‌دانستیم این مسئله مطرح است. چه بسا کارهایی که دولت شروع کرده؛ باید پولی هم باشد تا انجام شود.

خامنه‌ای: شما اطمینان کنید. تمام این کارها بوسیله متخصصین پیشنهاد شده.

کتیرائی: کار نصفه کاره را نمی‌شود دست گذاشت و دخالت کرد.

بنی‌صدر: از طریق مقامات اداری، دولت باید ضعیف نشود. مامورین دولتی باید موافق اجرا باشند. در مورد کردستان، برادر صادق وزیر اظهاری نظر کرده، آقای صدر تایید کرده‌اند. صحبت انتخابات است. آقای استاندار می‌گوید مسلمان‌ها می‌گویند چون جمهوری اسلامی است، نباید دیگران دخالت کنند. استاندار گفته غیرمسلمان‌ها هم باشند.

مهندس بازرگان: مسائل دیگر هم در آنجا مطرح است که ممکن است استاندار بهتر بداند.

خامنه‌ای: راه حل واضح وجود دارد [!]: کار دست مجریان ما باشد و زیر نظر مسئولین امر.

مهندس بازرگان: ما آقای خامنه‌ای را به عنوان نماینده فوق العاده دولت به مامورین خودمان معرفی می‌کنیم.

اردلان: من راه حل پرداخت پول را پیدا می‌کنم.

مطهری: قرار بود شورای هماهنگی باشد.

بهشتی: دیروز چون گفتند مردم دیده‌اند گوشت تاریخ هفت سال قبل توزیع می‌شود، جلوگیری کرده‌اند.

خامنه‌ای: مسئله این است که باید همکاری بین دولت و واحدهای قدرتمند واجب است. همه دوستان ما کوشش کرده‌اند در حفظ آبروی دولت، از جمله به آقای خمینی، کمیته‌ها و غیره خودداری شود.

موسوی: دنباله دارد یا نه [؟]

بهشتی: آقای موسوی [!] مسئول هستید به آقای مهدوی و آقای هادوی تذکر دهید دخالت ناوارد نکند.

خامنه‌ای: از مسئله کمیته‌ها بطور ساده نگذریم. فاجعه‌ای در شرف وقوع است، از جمله به کمیته‌ها. اعلامیه‌ای از طرف کانون فرهنگی و سیاسی خانه خلق بلوچ علیه کمیته خون‌آشام امام منتشر شده.

(مهندس بازرگان) _ مطلب در مورد مصاحبه ایشان، در روزنامه آیندگان تکذیب آن را هم نوشته‌اند.

مهندس بازرگان: مطلب امیرانتظام در مورد شورا و کمیته‌ها را خود من (مهندس بازرگان) نوشته‌ام.

بهشتی: شما بهتر می‌دانید که کمیته‌ها زیر نظر شورا نیست و توسط امام است.

بعد از ظهر.

اعلامیه تجلیل از آقای طالقانی و تقبیح زندان‌های بی‌ربط و محکوم کردن گروه‌های فرصت‌طلب و خطاب به مردم که آلت دست نشوند!



1. منظور بیانیه شورای انقلاب درباره ماجرای دستگیری فرزندان آیت‌الله طالقانی و رجعت وی است که در قسمت پانوشته مربوط به این موضوع، به آن اشاره شد.

جلسه پنجشنبه 1358/1/30

[حاضران: هاشمی [رفسنجانی]، قطب‌زاده، موسوی [اردبیلی]، باهنر، مسعودی، خامنه‌ای، بهشتی، مهندس سبحانی، شیبانی].

مهندس سبحانی: مفتی‌زاده، ستاد کمانگر را محاصره کرده و او را اخراج می‌نماید. بعد اطراف فدایی‌ها را محاصره و آنها را دعوت به اخراج کرده.

خامنه‌ای: هر حادثه [ای] پیش بیاید، به ضرر فدایی‌هاست.

[موضوع: نحوه برخورد با سازمان مجاهدین خلق:]

1. مجاهدین خلق از بدو سقوط نظام شاهنشاهی، خود را به عنوان نیرویی فعال در تحولات انقلاب و برخورد از پایگاه اجتماعی وسیع و گسترده معرفی کرده و مشارکت و سهم‌بری از ساختار قدرت سیاسی پس از انقلاب را مطالبه می‌نمودند. در این راستا، مروری بر سیر مواضع این سازمان از اولین روزهای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی تا زمانی که بحث فوق در جلسه شورای انقلاب، یعنی نهاد تقنین پس از انقلاب اسلامی، درگرفت، ضروری به نظر می‌رسد.

ابتدای بهمن 57 و زمانی که رجوی و خیابانی، رهبران سازمان، تازه از زندان آزاد شده بودند، مجاهدین خلق در اعلامیه‌ای صراحتاً تأکید کرد: جریان اعلام‌گر تغییر مواضع و ایدئولوژی سازمان، جریانی اپورتونیستی، انحرافی چپ‌نما و خائن است و باید با آن مبارزه کرد. در اعلامیه سازمان آمده بود: اسلام ایدئولوژی ماست و جهان‌بینی توحیدی ما را شکل می‌دهد و دشمن اصلی ما، رژیم و حامیان امپریالیست آن است. همچنین مسعود رجوی درباره احتمال انجام کودتای نظامی برای بازگرداندن شاه گفت: کودتا نمی‌تواند سد پیروزی خلق شود (کیهان، 1357/11/5، ص 4). رجوی و خیابانی همچنین در آستانه ورود امام خمینی به ایران، پیامی به آیت‌اله طالقانی و "آیات عظام متحصن" در اعتراض به دولت بختیار داده و از "ورود امام به میهن" حمایت کردند (کیهان، 1357/11/11، ص 3). فعالیت و دفاع علنی مجاهدین خلق از روحانیت، همزمان با اطلاعیه تأسیس "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بود؛ سازمانی که شاخه مارکسیست-لنینیست مجاهدین خلق به شمار می‌رفت و حساب خود را از مجاهدین خلق مدعی اسلام‌گرایی جدا کرد (آیندگان، 1357/11/15، ص آخر).

رجوی در آستانه انقلاب در مصاحبه‌ای گفت: تکیه بر جنبه ضداستعماری و ضدامپریالیستی انقلاب، واجب‌ترین قدم است (کیهان، 1357/11/19، ص 6). در نبردهای خونین و مسلحانه 21 و 22 بهمن 57 با گارد شاهنشاهی، مجاهدین خلق در کنار سایر نیروهای مجهز به سلاح، نقش آفرینی کرده و در سقوط قهرآمیز رژیم شاه سهیم بودند (کیهان، 1357/11/22، ص 1). پس از انقلاب، برای نظارت بر استفاده از تجهیزات مصادره شده، کمیته مشترکی میان چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق و کمیته انقلاب اسلامی تشکیل شد (اطلاعات، 1357/11/25، ص 8). مجاهدین خلق در پیامی به امام خمینی، ضمن تبریک پیروزی انقلاب ابراز امیدواری کردند تا "تمام جنایتکاران رژیم سابق مجازات شوند" (کیهان، 1357/11/28، ص 6).

پس از انقلاب و در موسم شکل‌گیری تلاش‌ها برای تسهیم قدرت، کمیته تعلیمات جبهه ملی در نامه‌ای سرگشاده به دکتر سنجابی، رهبر جبهه، از وی خواست این مسئله را در هیأت وزیران طرح نماید که مجاهدین و فدائیان خلق باید در دولت وحدت ملی سهیم باشند (کیهان، 1357/11/30، ص 10). بازرگان نیز وعده داد گروه‌های چپ می‌توانند حزب تشکیل دهند، به شرط آنکه ناآرامی ایجاد نکنند که اگر کردند، دولت آنها را درهم خواهد شکست (اطلاعات، 1357/11/30، ص 12).

یک هفته پس از انقلاب، سازمان مجاهدین خلق آیین‌نامه‌ای مربوط به حمل و نگهداری سلاح منتشر کرد و در آن دستورالعمل‌هایی صادر کرد؛ از جمله اینکه یک انقلابی باید سلاح داشته باشد و خود را در خدمت انقلاب و جهاد خلقی بداند و خودنمایی نکند (کیهان، 1357/12/1، ص 3). یکی از خواسته‌های اساسی مجاهدین خلق پس از انقلاب، انحلال ارتش بود؛ خواستی که بارها از بازرگان و دولتش تقاضا شد و هیچ‌گاه عملی هم نگردید. مجاهدین معتقد بودند ارتش ضد خلقی باید منحل شود (اطلاعات، 1357/12/5، ص 8). در عین حال، گروه‌های دیگری نیز همچون چریک‌های فدایی خلق همین خواسته را از دولت داشته و انحلال ارتش را تمنا می‌کردند. در این راستا مجاهدین خلق به مهندس بازرگان هشدار می‌دادند که بدون انحلال ارتش از انقلاب حرف نزنند. آنان خواهان انقلاب مستمر بودند و خلاف آن را موجب شکست می‌دانستند (اطلاعات، 1357/12/6، ص 2). رجوی خطاب به بازرگان گفت: اگر مسئله ارتش حل نشود، شما مسئول کشتارهای آینده خواهید بود. رجوی همچنین نسبت به فاصله گروه خود با امام اعتراض داشته و گفت: "انقلابیون پیش‌تاز به رهبرشان نزدیک نیستند" (کیهان، 1357/12/6، ص 2). با این وجود، بازرگان در مقابل خواسته مجاهدین و دیگر گروه‌های چپ مسلح ایستاد و اعلام کرد: نمی‌توان بدون ارتش از سرحدات دفاع کرد (کیهان، 1357/12/10، ص 8).

از اسفند 57 مجاهدین خلق به صورت پیوسته خبر از حمله به مراکز خود در شهرهای مختلف کردند. سازمان اعلام کرد در کاشان، یزد و تربت حیدریه، حملات مسلحانه‌ای به مراکز صورت گرفته و در آن مجاهدین خلع سلاح شده و کتک خورده‌اند. مجاهدین انگشت اتهام خود را به سمت "گروه‌های مشکوک راست‌گرا" نشانه گرفتند (اطلاعات، 1357/12/13، ص 2). آنان در خصوص واقع تربت حیدریه در گزارش خود، هشدار دادند: نگذارید بالاخره کاسه صبر انقلابیون لبریز شود (اطلاعات، 1357/12/17، ص 8). سازمان همچنین نسبت به دستگیری و خلع سلاح دو تن از اعضای خود اعتراض نمود (کیهان، 1357/12/20، ص 1). مجاهدین در نیمه اسفند 57 خواسته‌های خود را از حکومت آینده "جمهوری اسلامی" اعلام کردند. بر این اساس، رجوی در پیامش "رفع کلیه دیون و مطالبات طبقات مستضعف کارگر و دهقان از رژیم پیشین، ضرورت عرضه حقیقت اصیل و انقلابی اسلام مطابق با مقتضیات اقتصادی و اجتماعی" را از جمله خواسته‌های مجاهدین اعلام کرده و تأکید نمود: اگر در جهت مبارزه با امپریالیسم حرکت کنیم، اختلافی بروز نمی‌کند (کیهان، 1357/12/15، ص 3). شکل‌گیری مباحثی در زمینه حجاب موجب شد تا سازمان در اعلام موضع خود، تحمیل جبری هر نوع حجاب را امری نامعقول پنداشته و تأکید کند که با اصلی و فرعی کردن موضوعات، تمام نیروها علیه امپریالیسم بسیج گردیده و خشم مقدس انقلاب، صرفاً نثار آنها شود (کیهان، 1357/12/23، ص 3). سازمان برای اهداف تبلیغی ضدامپریالیستی خود، با نیروهای خارج از کشور نیز ارتباط داشت. برای نمونه یاسر عرفات، رئیس تشکیلات فتح در فلسطین، از مجاهدین خلق برای همکاری بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم دعوت کرد (کیهان، 1357/12/24، ص 3).

سازمان مجاهدین خلق درباره رفتارندوم جمهوری اسلامی نظر خود را این چنین اعلام کرد که: برقراری جمهوری اسلامی، خواست اکثریت قاطع مردم است و برای ما هم کمال مطلوب است، مشروط به آنکه حقیقتاً اسلامی و به دور از شائبه شرک‌آمیز استبدادی و

هاشمی: گزارش پاسداران. انتخاب من که مشهور به ضد چپ و ضد مجاهد هستم، سبب برانگیختن سروصدا در مخالفین شده. پاسداران گروه سیاسی ملی مومن در مقابل رهبری نهضت است. دولت موضعش را مشخص کرده.

مطهری: دولت اگر پولی به شورا باید بدهد، باید نظارت داشته باشد.

بهشتی: در مسائل مالی، آئین نامه مجلسین خوانده شود.

مهندس سبحانی: پاس چون جناح نظامی است، اگر بی طرف و فراگیر نباشد، یک شاخه می شود و آنهایی که نقشی ندارند، گروه مسلح دیگری تشکیل می دهند و وضع لبنان پیش می آید. به فرض که بتواند خلع سلاح کند، خطر خونریزی شدید است. افرادی غیر مجاهدین هستند که در مبارزه نقش داشته اند و دخالت ندارند. این نکته مطرح است که پاس ها یید نظامی حزب جمهوری [اسلامی] باشد، نه شورا. آنها هم برای خود حق قائل هستند.

استعماری و استثماری باشد. مجاهدین سوال رفراندوم را به لحاظ حقوقی دارای اشکال دانسته و بر ضرورت فراهم ساختن امکان انتخاب آزاد هر شکل از حکومت برای هر فرد یا گروهی در نظرخواهی تأکید کردند. در عین حال آنان اعلام کردند مطابق نظر اکثریت قاطع مردم ایران و نیز بر حسب نقطه نظرهای ایدئولوژیکی خود به جمهوری اسلامی رأی مثبت خواهند داد. مجاهدین خلق همچنین درباره مجازات دادگاههای انقلاب، خواستار اعمال مجازاتهای شدید و قاطع تنها در مورد خائنان گردیده و از امام خمینی به سبب متوقف کردن رسیدگی دادگاههای انقلابی به جرایم عادی تشکر کردند (کیهان، 1357/12/27، ص 2 و 8). سازمان پس از استقرار جمهوری اسلامی، در بیانیه ای با تبریک به ملت ایران اظهار داشت: اصلاحات سطحی نباید جای انقلاب بنیادی را بگیرد و ما اجازه نخواهیم داد ثمرات انقلاب توسط "میوه چینان فرصت طلب و از راه رسیده" به یغما برود (اطلاعات، 1358/1/19، ص 4). چریکهای فدایی خلق نسبت و پیوند وثیقی با سازمان مجاهدین خلق داشت. چنانکه چریکها با اینکه حزب توده را حزبی اپورتونیستی دانسته و قائل به همکاری با آن نبودند، اما سازمان مجاهدین خلق را سازمانی انقلابی و ضد امپریالیستی و قابل ستایش به شمار می آوردند (کیهان، 1358/1/14، ص 8). ابتکار هفت گروه مبارز در تشکیل "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"، که در تقابل با مجاهدین خلق صورت گرفت، خشم مجاهدین خلق را به همراه داشت. سازمان در اطلاعیه ای با عنوان "تأیید جبهه واحد انقلابیون مسلمان"، از استفاده عنوان سازمان مجاهدین برای ائتلاف هفت گروه مبارز کوچک ابراز تأسف کرد (اطلاعات، 1358/1/15، ص 8).

در ماجرای دستگیری فرزندان طالقانی، چنانکه شرح آن رفت، سازمان تلاش کرد با مواضع خود میدان داری نموده و بر فضای سیاسی کشور تأثیرگذار باشد. پس از این ماجرا، سازمان مبانی عقیدتی خود را برای امام خمینی ارسال کرد؛ این مبانی عقیدتی همان اصول پنج گانه دین [توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد] بود. سازمان علاوه بر در اطلاعیه ای اعلام داشت: امام خمینی تعرض علیه سازمان را تأیید نمی کند. در این اطلاعیه شاید برای نخستین بار بود که سازمان از عبارت "پدر بزرگوار و روحانی ما" برای توصیف امام خمینی استفاده کرد (کیهان، 1358/2/1، ص 2).

در ادامه درباره مواضع مجاهدین خلق و رابطه آن با شورای انقلاب و دولت موقت، توضیحات دیگری متناسب با سیر تحولات زمانی ارائه خواهد شد.

بهشتی: مسئله این است [۱]: اگر دولت چه از نظر مطاع بودن روحی و مقبولیت قلبی، چه قدرت مدیریت و رسیدگی و چه تمرکز واقعی، کار را اداره می‌کرد، جهتی که شما می‌گویید درست بود. سپاه وابسته به دولت و دولت مورد قبول همه این گروه‌های گفته شده. زیر نظر دولت نیست، تالی فاسد در مورد دولت هم باشد، هست. عدم لیاقت دولت در مدیریت، علی‌رغم پیشنهاد جلسه که وابسته به رهبری انقلاب باشد، هاشمی گفت شورا نمی‌تواند اداره کند؛ دولت توانست، اداره کند. (3) منطق جدید پیدا کرده‌ایم [که] در این کشور، یک رهبری انقلاب اسلامی باید باشد [که] فعلاً در شخص خمینی است، متجلی در نیروهای وفادار ایشان است، از جمله روحانیت و از نیروهای وفادار این نیروی مسلح است. آقای خمینی خواسته‌اند رهبری را شورا اداره کند، نه [اینکه] منحصر به ایشان باشد. نیروهای مسلح باید به جایی وابسته باشند که دنباله رهبری آقای خمینی باشد. حزب جمهوری اسلامی هم می‌خواهد وابسته به رهبری خمینی باشد.

شیبانی: مجاهدین [خلق] مطرح است. اگر کنترل شود، خوب است باشند.

هاشمی: در مورد دولت، خاطر دولت را راحت کنیم. با دولت مشورت می‌شود که این نیرو مزاحم دولت نیست. در رابطه با مجاهدین، اگر این حرکت را قبول داشته باشند، اما حرفی نداریم، سوابق ما با آنها بیش‌تر بوده. آنها برداشت‌شان طوری است که انقلاب را ناقص می‌دانند. موضع آنها نادرست است.

موسوی: یکی ارزیابی مجاهدین است. آنها برای خودشان ارزش بیش‌تر قائل هستند و سهم بیش‌تری می‌خواهند. ما سهم آنها را قائل هستیم، ولی کم‌تر. وقتی مجاهدین در کار بودند، حرکت چه بود [؟] وقتی این امام جماعتها آمدند، که آنها اینها را مرتجع می‌دانند، حرکت چطور شد [؟] با توجه به سهم خودمان باید هر چه هم آنها سهم کم‌تر داشته باشند، باید با آنها کنار آمد، [اما] فریب آنها را نخورد. از روزی که در زندان باز شد، هر روز یک موضع گرفته‌اند. یک روز نطق طرفداری مارکسیسم، یک روز عدم قبول رهبری، یک روز مبارزه با منافقین و اکنون همه با هم هستند. اکنون اگر هر چه بگوییم، قبول می‌کنند و می‌خواهند موجودیت خود را تثبیت کنند. باید راه‌حل پیدا کرد.

بهشتی: شورا مسئول باشد یا دولت؛ هر کدام باشند، مجاهدین با آنها همکاری نمی‌کنند.

موسوی: پیشنهاد می‌کنم، پاسداران را چرا ایجاد کردیم [؟] (1) جای کمیته‌ها را بگیرد، (2) مجاهدین و دیگر گروه‌ها [اگر] خواستند مزاحمت کنند، جلوگیری شود، (3) جلو ارتش گرفته شود.

بهشتی: (4) عمال رژیم سابق را سرکوب کنند.

موسوی: اگر اینها [مجاهدین خلق] ترسیدند که با سپاه جلو آنها گرفته می‌شود، واقعاً خلع سلاح شوند. سپاه را در اختیار و تحت اشراف دولت بگذاریم.

خامنه‌ای: ما نباشیم یعنی چه [؟]

مهندس سبحانی: اساس مطلب این است.

بهشتی: جلسه‌ای اختصاص بدهیم در رابطه با گروه‌ها.

مهندس سبحانی: من از دولت دفاع نمی‌کنم. اعتماد به دولت ندارم، [چون این دولت] با انقلاب نمی‌خواند. در مورد اینکه اختیار [سپاه] دست دولت باشد، گارد انقلاب باید مواظب دولت باشد، از طرفی در پی دفاع دولت نباشد، [با توجه به] درگیری‌هایی که علیه دولت هست، [دولت] باید در رهبری و فرماندهی [سپاه] نقش داشته باشد. پیشنهاد من این است که رهبری [سپاه] مرکب باشد از دولت و شورا. در مورد مجاهدین، وارد سوابق نمی‌شوم. اگر عینک بدبینی را بردارید، روند تغییر مواضع مجاهدین از سه ماه پیش را تعقیب کنید، ببینید بازنگری است یا به طرف رهبری آمدن است. من تا حدی شریک هستم در این روند. چهارده اسفند آنها را دیدم، گفتم به آنها [که] مواضع تان را از فدائیان جدا کنید [و همچنین] نسبت به دولت و ارتش. از آن به بعد، اعلان اطاعت به دولت، چرا هم خطر راست و آخوندیسم را می‌گوید و خطر چپ و تجزیه‌طلبی را نمی‌کوبند. زمانی ما در موضع ضد رژیم بودیم [و] خط خودمان [را] می‌رفتیم، حالا مسئولیت اداره مملکت دست ماست. یک بخش دولت، یک بخش شماها. اگر اطلاق شود یک پا ما مسئول هستیم، جنبه پدری و رهبری هست. مجاهدین استنباطشان این است [که] همه پاسداران هدفش کوبیدن آنهاست. سالور فشار آورده [که] مجاهدین بروند از محل. آقای رخ‌صفت و غرضی [که] دستور در مورد طالقانی داده بود، انگیزه آنها ضد مجاهدین است. رفیق دوست بود، اشتباه کردم با رخ‌صفت.

هاشمی: جواد از مجاهدین است.

مهندس سبحانی: دانش دو هفته پیش نامه‌ای به من نوشت که مخالف مجاهدین است.

بهشتی: دانش و جواد رفیق دوست اصرار داشته که حفاظت آقا دست مجاهدین باشد.

مطهری: اینطور نیست. اینها طرفدار آنها هستند.

سحابی: استنباط این است که می‌خواهند مجاهدین را نابود کنند. الان می‌شود آنها را در متن جنبش اسلامی قرار داد.

هاشمی: کسی با آنها طرف نشده.

سحابی: در جریان طالقانی خیال می‌کردم آنها نقش دارند، ولی بدیع‌زادگان که از آنهاست از این جریان ناراحت بود، راهپیمایی را ...

بهشتی: من تا این لحظه به مجاهدین حسن نیت داشتم. [اما اینها] متهم هستند [که] فکر التقاطی دارند و یکی هم دروغ گفتن. اینها را حل کنید تا مسئله روشن شود. اعلامیه‌های آنها را تحریک‌آمیز نیافتید [؟]

قطب‌زاده: به نظر من، [درباره] این مشکل، اول با مسعود [رجوی] صحبت کردم، ولی تاکنون دیگر آنها را ندیده‌ام. مقداری با عزت [سحابی] موافقم. آنها مغز سیاسی ندارند با کارهایشان به علت ... با عزت که صحبت می‌کنند، قول دادند. حرف را در جمع برای از بین نرفتن می‌گویند. نیروهای خود را در اختیار طالقانی می‌گذارند. یک استراتژی درازمدت ندارند. اینها متناقض می‌گویند. به همین دلیل قابل گرفتن و ادغام هستند. بزرگ‌ترین خطای ما از روز اول، عکس‌العمل شدید با آنها شده. در ملاقات با آقا اینها باید می‌رفتند. سحابی: همه می‌روند؛ اینها یک ساعت نرفته‌اند.

مطهری: محرمانه رفته‌اند، هیچ‌کس را راه نداده‌اند، در اتاقک علوی. مجاهدین گفته‌اند اینها می‌خواهند ما را با کمونیست‌ها مواجه کنند.

قطب‌زاده: وزیر خارجه پولیساریو آمده، با کمونیست‌ها تماس دارد، سه بار می‌رود خدمت آقا؛ ولی اینها نرفته‌اند. ما به شکل یک حزب متشکل حساب شده رفتار کرده‌ایم. همه دلشان می‌خواسته اینها برگردند. اینها از خلع سلاح کامل می‌ترسند. با مقداری بحث و متانت، آرام می‌شوند.

بهشتی: اگر برداشت شما را تایید می‌کند، شورا دو نفر را انتخاب کند [تا] دیدار دو سه ساعته باشد [و] از نزدیک مطالبشان را بشنود.

سحابی: یکی از دعوای اساسی مملکت.

خامنه‌ای: اظهارات قطب‌زاده بین، ولی ناشی از بی‌اطلاعی است. احساس من و دیگران این است، مشابه احساس پدری است دردمند. بچه‌ای که کمونیست شده، نمی‌شود از آنها گذشت. ما تسلیم زور نشویم. اینها متشکل هستند. خدمت کرده‌اند.

سحابی: من هم همه ارزش را به آنها نمی‌دهم.

خامنه‌ای: در روزهای اول بلبشو، با استفاده از تشکل و زرنگی خاص جوان‌های دانشجو، مبالغ زیادی از سلاح‌های معمولی استفاده کردند. سند برده‌اند از سلطنت‌آباد. اسناد مهمی برده‌اند. با استفاده از کارهای یزدی، سلاح‌های سنگین، تیربارهای مهم برده‌اند. گروهی که صددرصد مورد قبول ما نیست.

بهشتی، هاشمی: حالا می‌شود با آنها مواجه شد.

بهشتی: تشکل مجاهدین [انقلاب] اسلامی، ضربه شکننده [به آنها] بود.

اگر باید، با آنها روبه‌رو شویم. اینها خودشان را قدرتی فرض کرده‌اند. قدرت سلاحی دارند. ماجرای تصفیه مطرح شد.

بهشتی: از آن روز تا حالا یک سر انگشت، کمک به انقلاب نشده.

مطهری: دو مطلب. پیشنهاد آقای بهشتی اگر قبل از جریان [دستگیری فرزندان] آقای طالقانی بود، بهتر بود؛ قبل از این فحش‌ها. حالا اگر عملی انجام شود، نشانه ترس است. (1) وضع پاسداران روشن شود که ما از موضع عطوفت وارد می‌شویم، (2) مسئله سهم داشتن، طرفداری آنها (بنی‌صدر آمد) [و] دفاع از کمونیسم در دادگاه و جبهه آنها را پائین آورد و در مبارزه ما نقطه حرکت با آنها یکی بوده. مسئله یک کل تجزیه ناپذیر است. مسیر ما با آنها فرق دارد. موضع مجاهدین که اخیراً اعلام کردند با موضع فدائیان [خلق] خیلی نزدیک است، تا با موضع خمینی.

شیبانی: اینها بازی می‌کنند. نقش آنها را باید در نظر گرفت. پیشنهاد آقای بهشتی را تایید می‌کنم.

سحابی: سهم گرفتن مطرح نیست. اینها احساس حمله و هجوم می‌کنند. امنیت بدهیم. پاسداران با شکل تنظیمی، اولین حمله به فدایی‌هاست و دوم به آنها. نکته دیگر [اینکه آنها] اسلحه [را] جمع کردند، خدا رحم کرد، وگرنه تمام اسلحه دست کمونیست‌ها بود. اینها هستند [که] جلو بازی آنها را می‌گیرند.

بنی‌صدر: التقاطی هستند.

سحابی: توهم دیالکتیک را قبول داری.

بهشتی: ایشان نفی دیالکتیک می‌کنند.

بنی‌صدر: مجاهدین سه دسته شده‌اند [:] پیکاری‌ها که دو دسته است دیگر دسته رجوی، رجایی، غرضی، میثمی^۱، دسته شریف^۲ که اینها را قبول ندارد.

موسوی: صحبت شد، نیم ساعت تمدید شد پیشنهاد.

بنی‌صدر: پیشنهاد کردند نباید بحث ایدئولوژیک کنیم. بحث راجع به مسائل جاری لازم است، ولی بحث ایدئولوژی انحرافی است.

بهشتی: دو نوع مباحثه میسر است، رسیدگی به دو نکته [: 1] به مسعود [رجوی] گفته شود افکار شما التقاطی است یا نه [؟] 2) دروغ می‌گویند یا نه [؟] چگونه تدبیر کنیم روابط روند حرکت را در رابطه با گروهی [؟] در این مورد تذکر آقای مطهری به‌جاست. باشد برای وقت دیگر.

مطهری: مهندس سحابی صحبت کنند؛ البته آنها تقاضا کنند.

خامنه‌ای: در مذاکرات توجه شود [که] تسلیم زور نشویم.

بهشتی: بعد از [تشکیل] مجاهدین انقلاب اسلامی، [اینها] درست رقیب واقعی مجاهدین شده‌اند. مهندس سحابی زمینه را مهیا کند، بعد دو نفر [برای مذاکره] انتخاب شوند.

بهشتی: صریحاً می‌گویم هیچگاه جز فکر هدایت آنها نداشته‌ام.

بنی‌صدر: در مورد بچه آقای طالقانی نمی‌دانستند چکاره است.

سحابی: حالا باید طالقانی خانه‌اش را اصلاح کند.

1. لطف‌الله میثمی (متولد 1319) عضو سازمان مجاهدین خلق در مرحله ابتدایی که بر مواضع اسلام‌گرایانه پافشاری داشت و پس از انقلاب در جرگه نیروهای موسوم به ملی-مذهبی قرار گرفت.

2. مجید شریف‌واقفی (54-1327) از رهبران اسلام‌گرای سازمان مجاهدین خلق در مرحله ابتدایی (پیش از تغییر مواضع ایدئولوژیک سال 1354)، که توسط عناصر مارکسیست سازمان در مقطع اعلام تغییر مواضع، ترور شد.

مطهری: اکنون دست فدایی‌ها در خانه طالقانی زیاد شده.

هاشمی: دیروز دانشگاه استقبال شایان از مجاهدین انقلاب اسلامی کرد.

خامنه‌ای: یکی از دوستان موجه گفته مجتبی [طالقانی] و دوستانش جلو ماشین‌ها را می‌گیرند و خلع سلاح می‌کنند (کروبی^۱ می‌گفت).

بنی صدر: دادگاه‌ها وضعیتش بد است. دیشب دو نفر را در همان شرایط محکوم کردند. هادوی گفت زواره‌ای گفته [که] آقا مرا نصب کرده.

هاشمی آئین‌نامه پاسداران را قرائت کرد... گسترش جهانی نباشد ...

اصل آن تصویب شد.

(مهندس بازرگان آمد)

برای معافیت بنیاد از پرداخت حق تمبر معاملات قرار شد با وزارت دارایی صحبت شود.

در مورد تکمیل اعضای شورا صحبت شد.

1. مهدی کروبی (متولد 1316) از روحانیون انقلابی، نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده امام خمینی در بنیاد شهید و کمیته امداد و نماینده امام در استان لرستان.